

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دوفصلنامه علمی-تخصصی

# مطالعات مهدوی

سال چهاردهم، شماره ۵۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

## صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛

## مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین مهدی یوسفیان

## سر دبیر:

حجت الاسلام والمسلمین سعید توسلی خواه

## مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین سید علی کاظمی

## ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

## اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

توسلی خواه سعید (دکتری مدرسی معارف

اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت)

## حیدری چراتی حجت

(فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت)

کامیاب مسلم (استادیار پژوهشکده مهدویت و

آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

مصلحی علی (فاضل حوزوی و مدرس مرکز

تخصصی مهدویت)

معنوی سید مجتبی (فاضل حوزوی و پژوهشگر

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)

مالایی حسن (فاضل حوزوی و مدیرگروه اخلاق

تربیت مرکز تخصصی مهدویت)



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیة) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴.

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mhdavimag@gmail.com

وبسایت نشریه: www.mahdimag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شایا: ۶۱۰۸-۲۶۷۶

قیمت: ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

## راهنمای تدوین و نگارش مقالات

مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقه‌مندان مباحث مهدویت و موعود گرایی قرار می‌گیرد.

### الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پرننگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

### ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.
۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
  ۲. واژگان کلیدی: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
  ۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
  ۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می‌بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:
    - ۴-۱. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
    - ۴-۲. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
    - ۴-۳. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
    - ۴-۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.

### ۵. جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری:

- جمع‌بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می‌باشد. به گونه‌ای که مسئله و ادله و جواب‌ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می‌شود.
- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود

و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

#### ۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۶-۱. قرآن: بقره: ۵۰.

۶-۲. کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۶-۳. مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۶-۴. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

#### ۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر

اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

۷-۱. کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۷-۲. مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۷-۳. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۷-۴. نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

#### ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

#### د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. حضوری: مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. غیر حضوری (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۲-۱. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲-۲. از طریق سایت به آدرس: [www.mahdimag.ir](http://www.mahdimag.ir)

۲-۳. از طریق رایانامه به آدرس: [mahdavimag@gmail.com](mailto:mahdavimag@gmail.com)

۲-۴. از طریق فضای مجازی به آدرس: [@mahdaviatmag](http://@mahdaviatmag)

## فهرست مطالب

- اثبات مهدویت و ضرورت وجود حجت بر اساس برهان حکمت ..... ۵  
سید احمد موسوی
- بررسی اندیشه نجات در اسلام و تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی ..... ۲۱  
المیرا روحی پور - سید علی کاظمی شیخ شبانی
- کار ویژه‌های بُعد ایده‌ای نظام سیاسی مهدوی ..... ۴۹  
ابوالحسن قاسم فام
- راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های پیش رو در جهت شکل‌گیری جامعه تربیتی مهدوی محور  
..... ۶۹  
حجت حیدری چراتی - مرضیه عیوضی
- منجی موعود در باور ادیان و ملل ..... ۱۰۳  
حسن فضل
- بررسی تأثیر جریان‌های انحرافی مهدوی بر تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران...  
..... ۱۲۳  
مهرداد ندرلو
- ترجمه چکیده مقالات - انگلیسی ..... ۱۵۸

## اثبات مهدویت و ضرورت وجود حجت بر اساس برهان حکمت

سید احمد موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

باورداشت مهدویت و اعتقاد به حجت حی الاهی و حکومت عدل گستر جهانی، ریشه در مبانی استوار فطری، عقلی و نقلی معتبر دارد و از راه‌های گوناگون قابل تحلیل و بررسی است. حکمت الاهی در ایجاد بهترین نظام و تنزه ذات باری تعالی از انجام فعل بیهوده و عبث از جمله این مبانی استوار عقلی است که در اثبات اصول اعتقادی، همچون معاد، نبوت و اثبات عصمت پیامبران الاهی، به عنوان مبنای استدلال واقع می‌شود. نوشتار حاضر بر آن است تا بر اساس حکمت الاهی به بررسی اثبات مهدویت و ضرورت وجود حجت حی الاهی در هر زمان بپردازد. تبیین مراد از حکمت الاهی، تعریف برهان حکمت، چگونگی تقریر برهان حکمت خداوند در اثبات مهدویت و تبیین پیش فرض‌های این تقریر برهانی، مهم‌ترین مسائلی هستند که در پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی تحلیلی و مراجعه کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** حکمت الاهی، برهان حکمت، مهدویت، حجت حی الاهی، نقض غرض، تکوین و تشریح، تربیت نفوس انسانی.

یکی از صفات فعلیه الهی، صفت حکمت است که منشاء ذاتی آن، حبّ به خیر و کمال و علم به آن‌ها است؛ یعنی، چون خدای متعال، خیر و کمال را دوست می‌دارد و به جهات خیر و کمال موجودات نیز آگاه است، آفریدگان را به گونه‌ای می‌آفریند که هر چه بیشتر دارای خیر و کمال باشند.<sup>۱</sup>

وجود این حکمت، مقتضی نظامی است که موجب تحقق کمالات وجودی بیش‌تر و بالاتری باشد؛ یعنی، سلسله‌های علل و معلولات مادی به گونه‌ای آفریده شوند که هر قدر ممکن است، مخلوقات بیش‌تری از کمالات بهتری بهره‌مند گردند و از این‌روست که حکمت خداوند در برهان بر معاد، نبوت و عصمت پیامبران الهی به عنوان حد وسط و پایه استدلال قرار گرفته و همواره مورد توجه متکلمان، بوده است؛<sup>۲</sup> ولی جای تعجب است که تا کنون اثری که بر مبنای برهان حکمت الهی به تبیین مهدویت و ضرورت حجت حی الهی پرداخته باشد، نگاشته نشده است؛ البته چند تبیین عقلی در استدلال بر مهدویت به قلم حجت‌الاسلام رحیم لطیفی به نگارش در آمده و بر اساس برهان لطف<sup>۳</sup> و برهان عنایت<sup>۴</sup> به استدلال بر موضوع مهدویت پرداخته است؛ اما هنوز جای نوشتاری که با حد وسط قرار دادن حکمت الهی به اثبات مهدویت پرداخته باشد،

۱. لازم به ذکر است که فاعل بالغرض بودن با غنی بالذات بودن هیچ تعارضی ندارد چراکه فاعل بالغرض دو گونه است: ۱- ناقص بالذات ۲- غنی بالذات. اگر غرض فاعل از صدور فعل، رفع نقصان و تحصیل نفع و فایده برای خود باشد، آن را «ناقص بالذات» خوانند اما اگر غرض فاعل از صدور فعل، تحصیل سود و فایده برای خود نباشد، بلکه نتیجه و نفع آن متوجه دیگران باشد، آن را «غنی بالذات» می‌نامند. از دیدگاه متکلمان، هدف و غرض از نوع اول در مورد خداوند متعال صادق نیست؛ چون او بی‌نیاز مطلق و کمال محض است و هیچ کمبودی در ذات او راه ندارد. هر نقص و نیازی متوجه مخلوقات خداست. قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است!)، فاطر، ۱۵.

۲. برای نمونه رک: شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۱۳۶؛ خواجه نصیرالدین طوسی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد قسم الالهیات، ص ۲۵۸.

۳. لطیفی، رحیم، رویکرد عقلی بر ضرورت وجود امام (قاعده لطف)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم.

۴. همان، برهان عنایت و اثبات امامت، انتظار موعود، ش ۸ (صفحات ۱۰۵ تا ۱۳۴).

خالی است و این برهان، هنوز به شکل مستقل در موضوع مهدویت، مورد توجه قرار نگرفته است.

بنابراین، این نوشتار بر آن است که بر پایه حکمت الهی و محکم بودن نظام آفرینش توحیدی، به اثبات مهدویت و ضرورت وجود حجت در هر زمان بپردازد تا از این رهگذر حرکتی در راستای تقویت باورداشت مهدویت داشته باشد.

بدین منظور ابتدا به بررسی لغوی «حکمت» پرداخته و در ادامه با تعریف برهان حکمت و ذکر نمونه‌هایی از تبیین باورها و اصول اعتقادی بر مبنای برهان حکمت، چگونگی اثبات ضرورت وجود حجت و راهنمای الهی در هر زمان بر اساس برهان حکمت را تقریر خواهد کرد.

ذکر این نکته لازم است که با برهان عقلی حکمت، تنها کلیت یک امر یا قاعده را می‌توان اثبات کرد و تعیین مصادیق خارجی و از جمله معرفی امام مهدی عجله الله تعالی فرجه، خارج از حیطه این برهان است، ولی پس از اثبات ضرورت وجود حجت الهی در هر زمان بر اساس حکمت الهی، می‌توان مصداق آن را بر اساس ادله نقلی و سایر شواهد معتبر، تعیین کرد.

## حکمت در لغت

از نظر لغوی ریشه «ح ک م» به معنای منع و بازداشتن برای اصلاح است و به همین جهت افسار اسب را «حکمه» می‌گویند، زیرا اسب را از سرکشی و تمرد باز می‌دارد و او را مطیع و رام می‌سازد.<sup>۱</sup> رسیدن به حق به وسیله علم و عقل را نیز حکمت گویند و این واژه در رابطه با خداوند به معنای شناخت کامل اشیاء و ایجاد آن در نهایت اتقان و احکام است و وقتی درباره انسان به کار می‌رود به معنای شناخت درست موجودات و انجام کارهای خیر است<sup>۲</sup> بنابراین حکیم به

۱. حَكَمَ أصله: منع منعا لإصلاح و منه سميت اللجام: حَكَمَةَ الدَّابَّةِ، فقیل: حکمته و حَكَمْتُ الدَّابَّةَ: منعته بالحكمة و أَحَكَمْتُهَا: جعلت لها حكمة. المفردات فی غریب القرآن، ص: ۲۴۸.

۲. همان، ۲۴۹. الحِكْمَةُ: إصابة الحق بالعلم و العقل، فالحكمة من الله تعالی: معرفة الأشياء و إيجادها على غاية الإحكام و من الإنسان: معرفة الموجودات و فعل الخیرات.

معنای محکم کار، حکمت کردار و کسی که کار را از روی تشخیص و مصلحت انجام دهد به کار می‌رود<sup>۱</sup> و مفهوم «حکمت» ملازم با خلل ناپذیری، استواری و استحکام است خواه مربوط به علم باشد و خواه مربوط به عمل.

واژه «عَبَث» نقطه مقابل حکمت است و در اصل به معنای مخلوط کردن بوده، سپس به اموری که هدف صحیحی را دنبال نکنند اطلاق شده است.<sup>۲</sup> «عَبَث» به گفته «لسان العرب» به معنای بازی کردن است؛ هرچند معنای مخلوط کردن را نیز از معانی آن شمرده‌اند<sup>۳</sup> و در مجموع به کارهای بیهوده، بی‌اساس، نامعقول و خالی از غرض عقلایی اطلاق می‌شود و این معنا در رابطه با خداوند و آفرینش او راه ندارد.

### حکمت الاهی در اصطلاح

مراد از حکمت الاهی در این نوشتار «استحکام و اتقان افعال الاهی»<sup>۴</sup> و «هدفمندی آن‌ها و تنزه خداوند از فعل ناروا» است، چنان‌که حکیم لاهیجی در این باره می‌نویسد: «بدان که اگر افعال خدای تعالی را غرض نبودی هر آینه عبث بودی و صدور عبث ممتنع است از واجب الوجود.»<sup>۵</sup> بدیهی است که افعال قبیح، لغو، عبث و بیهوده، ناشی از جهل یا ناتوانی فاعل و یا نیازمندی اوست و چون خداوند، کمال مطلق بوده و از همه این نقص‌ها پیراسته است هیچ‌گاه عمل زشت و بیهوده انجام نمی‌دهد و در نتیجه همه افعال او حکیمانه است.

۱. قاموس قرآن، ج ۲، ص: ۱۶۳.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ص: ۵۴۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص: ۲۰۵.

۳. لسان العرب، ج ۲، ص: ۱۶۵.

۴. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، تصحیح حسن زاده آملی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق، ص ۳۰۱.

۵. لاهیجی، عبدالرزاق، سرمایه ایمان، انتشارات الزهراء، ص ۷۳.

## حکمت الاهی در آیات قرآن کریم

آیات متعددی در قرآن کریم، عبث و بطلان را از صحنه آفرینش منتفی دانسته و بر خلقت «به حق» آسمانها و زمین و هر آنچه در میان آنهاست، تصریح کرده است. در برخی موارد نیز غرض مشخصی را برای آفرینش آسمانها و زمین و همچنین انس و جن بیان داشته است. نمونه‌ای از آیات:

۱. «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطِلاً تُسَبِّحُكَ»<sup>۱</sup> (و در اسرار

آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند): بار الهها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو!)

۲. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثاً وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا لَا تَرْجَعُونَ»<sup>۲</sup> (آیا می‌پندارید ما شما را بیهوده

آفریده‌ایم و به‌سوی ما بازگشت نخواهید کرد؟ هرگز چنین نیست و از خداوند کار بیهوده و عبث سر نخواهد زد.)

۳. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ مَا خَلَقْنَاهَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۳</sup>

(ما آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست به بازیچه نیافریدیم. آنها را جز به حق و از روی حکمت و مصلحت نیافریدیم، ولی بیشتر مردم از آن آگاه نیستند.)

۴. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطِلاً ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا»<sup>۴</sup> (ما آسمان و زمین و

آنچه در بین آنهاست بازیچه و باطل نیافریدیم. این گمان کافران است. وای بر کافران از عذاب سخت آتش.)

۱. آل عمران: ۱۹۱.

۲. مؤمنون: ۱۱۵.

۳. دخان: ۳۸-۳۹.

۴. ص: ۲۷.

۵. « وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا » (او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید و عرش [حکومت] او، بر آب قرار داشت [بخاطر این آفرید] تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است!)

۶. « وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ »<sup>۱</sup> (من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.)

### مراد از برهان حکمت و ذکر نمونه‌هایی از کاربرد آن در موضوعات اعتقادی

برهان حکمت، یعنی برهانی که حد وسط آن حکمت خداست. این برهان در اثبات موضوعات اعتقادی چون «معاد» و «عصمت پیامبران» به کار رفته است؛ مثلا متن این برهان در اثبات معاد به این شکل است:

«خدا حکیم است و حکیم کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد؛ آفرینش انسان و جهان و بعد نابودی آن بدون رسیدگی به حساب بندگان خوب و بد، موجب لغو و بیهوده بودن خلقت او و خلاف حکمت است، لکن خدای حکیم کار بی‌هوده و خلاف حکمت نمی‌کند، پس رسیدگی به حساب بندگان خوب و بد و معادی در پیش است؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.»<sup>۲</sup>

نمونه دیگر کاربرد این برهان در اثبات موضوعات اعتقادی، ضرورت عصمت پیامبران بر اساس حکمت الاهی است؛ متن این برهان به شرح زیر است:

«خدا حکیم است و حکیم کار بی‌هوده و بر خلاف حکمت انجام نمی‌دهد؛ بعث و ارسال راهنمایانی که عصمت از خطا و لغزش ندارند، موجب لغو و بیهوده بودن بعث و ارسال ایشان و

۱. ذاریات: ۵۶.

۲. مؤمنون: ۱۱۵.

خلاف حکمت است، لکن خدای حکیم کار بیهوده و خلاف حکمت نمی‌کند، پس راهنمایی که او مبعوث و ارسال می‌کند، معصوم از خطا و لغزش هستند.»

### برهان حکمت در اثبات ضرورت حجت الاهی و مهدویت

یکی از براهین عقلی در اثبات ضرورت وجود حجت الاهی در هر عصر، برهان حکمت است. هدف و ره‌آورد این برهان؛ مانند سایر براهین عقلی ضرورت حجت الاهی و مهدویت، اثبات وجود امامی است که با آگاهی کامل و با ویژگی عصمت از خطا و لغزش، رهبری انسان‌ها در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی و مرجعیت دینی ایشان را عهده‌دار باشد. این برهان با تکیه بر اصل حکمت مطلقه الاهی و نیاز دائمی انسان به هدایت، به صورت منطقی به شرح زیر تقریر می‌گردد:

مقدمه اول: خداوند، حکیم مطلق است؛ و حکیم، جز فعل هدفمند و مطابق با غایت انجام نمی‌دهد و از هر گونه فعل عبث و بیهوده منزّه است.

مقدمه دوم: انسان، به عنوان موجودی مختار، دارای استعداد و ظرفیت رشد معنوی، کمال یابی و تقرب الاهی آفریده شده است؛ اما این ظرفیت، تنها در سایه هدایت صحیح و مستمر شکوفا می‌گردد.

مقدمه سوم: هدایت صحیح و مستمر انسان به سوی کمال واقعی، تنها در پرتو وجود حجت الاهی آگاه، معصوم و متصل به منبع وحی ممکن است؛ زیرا بدون چنین راهبری، انسان یا گرفتار ضلالت خواهد شد یا دچار سردرگمی و انحراف در مسیر هدایت می‌شود.

مقدمه چهارم: اگر در عصری حجت الاهی وجود نداشته باشد، نظام هدایت الاهی ناقص و راهنمایی انسان‌ها به مسیر کمال الاهی، ناممکن یا مختل خواهد بود. در نتیجه، غرض الاهی از آفرینش انسان قابل هدایت و تربیت، حاصل نخواهد شد و این امر به لغویت نظام خلقت

می‌انجامد و بر خلاف حکمت الاهی خواهد بود و روشن است که خدای حکیم، کار لغو و بیهوده و خلاف حکمت نمی‌کند.

نتیجه: پس به بنابر حکمت الاهی، در هر عصری باید حجتی الاهی، آگاه، معصوم و دارای ارتباط با منبع هدایت وجود داشته باشد تا هدایت انسان‌ها در مسیر کمال، تضمین گردد. بر این اساس، همان‌گونه که برهان حکمت در اثبات اصل نبوت و عصمت انبیاء کارآمد است، در اثبات استمرار این هدایت از طریق حجت‌های معصوم نیز قابل تطبیق است. عدم وجود چنین حجتی، مستلزم نقص در غرض الاهی و نقض حکمت خداوند است. در این برهان، دو اصل بنیادین فلسفه اسلامی به کار رفته است:

۱. اصل حکمت الاهی: افعال خداوند بر اساس غایت و منزّه از عبث و بیهودگی است.
۲. نیازمندی دائمی انسان در رشد معنوی به هدایت حجت معصوم الاهی، به دلیل محدودیت عقل بشری و امکان انحراف.

### بررسی پیش‌فرض‌های برهان حکمت در اثبات مهدویت و ضرورت وجود امام

گرچه غرض در این نوشتار، ارائه شکل برهانی استدلال به وسیله حکمت الاهی بر ضرورت وجود امام در هر زمان بود؛ ولی بر کسی پوشیده نیست که علمی و یقینی شدن این بیان - که: حکمت و عنایت الاهی، به تمام نیازمندی‌های مادی و معنوی انسان پاسخ داده و هر چه برای وجود و ادامه حیات و تکامل وی لازم بوده، عطا کرده است و یکی از مهم‌ترین نیازهای معنوی او وجود راهنما و حجت‌حی الاهی در هر زمان است - به اثبات دو پیش‌فرض بستگی دارد:

۱. عنایت، اهتمام و توجّه الاهی به بعد مادی و آفرینش تکوینی انسان به موجب حکمت خداوند.
۲. آفرینش تکوینی موجودات و انسان، مقدمه تشریح (تربیت نفوس انسان‌ها) است و احتیاج به راهنمای الاهی، یک نیاز واقعی انسان‌ها است.

از این رو در ادامه به شکل مختصر، به اثبات و تبیین پیش فرض‌های فوق می‌پردازیم:  
پیش فرض نخست (عنایت، اهتمام و توجّه الهی به بعد مادی و آفرینش تکوینی انسان به موجب حکمت خداوند)

دستگاه‌های شگفت‌انگیز بینایی و شنوایی و دیگر دستگاه‌های بدن انسان هر کدام، به روشنی، گواهی می‌دهند که سازمان آفرینش، عنایت خاصی دارد که هر انسان را به کمالی که برای آن آفریده شده است برساند.

قدری در پاره‌ای از وسایل کمال که غالباً مورد غفلت بوده و از نظر اهمیت نسبت به دیگر ابزار کمال، در درجه‌ی دوم قرار دارند، بیان‌دیشیم.

مثلاً دستگاه آفرینش، در کف پای انسان، گودی و فرورفتگی خاصی آفریده است تا راه رفتن برای او آسان باشد، حتی کسانی که پای آن‌ها به طور مادرزاد، برخلاف معمول، صاف باشد، ناچارند گودی خاصی در کف پای خود پدید آورند.

کرسی موريسن می‌نویسد: عدسی چشم ما، تصویری را به روی مردمک دیده منعکس می‌کند و عضلات چشم، خود به خود، نقطه دید را متمرکز می‌سازد. مردمک چشم، مرکب از نه ورقه جداگانه است که قطر مجموع آن‌ها به قدر کلفتی یک ورقه کاغذ نازک است، ورقه‌ی داخلی چشم، مرکب از شمش‌ها و مخروط‌ها است که تعداد اولی، به سی میلیون و تعداد دومی، به سه میلیون عدد بالغ است این شمش‌ها و مخروط‌ها به تناسب کامل نسبت به مردمک چشم قرار گرفته‌اند و از قضایای عجیب آن‌ها که آن‌ها پشت مردمک واقع شده و به جای آن‌که به خارج نگاه کنند، به داخل سر می‌نگرند. در این حال، اگر فرضاً شما دشمنی را در نزدیکی خود ملاحظه کنید، سر او را از پایین و پاهایش را در هوا می‌بینید، طرف راست او را سمت چپ و طرف چپ را به راست می‌بینید، بدیهی است اگر بخواهید با این وضع از خود دفاع کنید کارتان بسیار دشوار

است، طبیعت، برای اصلاح کار، پیش از آن که چشم چیزی را ببیند به وسیله میلیون‌ها سلسله اعصاب و با انکسار صور، مشکل را حل کرده است.<sup>۱</sup>

مجموع این آفرینش دقیق و فوق العاده حاکی از این حقیقت است که عنایت و توجه حکیمانه خداوند در آفرینش تکوینی انسان کاملاً مشهود است.

پیش فرض دوم (آفرینش تکوینی موجودات و انسان، مقدمه تربیت نفوس انسان‌ها است و احتیاج به راهنمای الهی، یک نیاز واقعی انسان‌ها است)

این که آفرینش جهان و انسان، مقدمه رسیدن به کمال و سعادت نوع انسانی است و نیاز به راهنما و رهبر الهی، مهم‌تر از نیازهای مادی و تکوینی است، با عقل و نقل قابل اثبات است.

### دلیل عقلی پیش فرض دوم

مطالعه وجود و روان انسان نشان می‌دهد که او خواهان اهدافی فراتر از دنیا و طبیعت است. این همه شور و عشق و ایثار و گذشت از دنیا و هر آنچه دنیایی است، وجود هدف و کمالی برتر از این عالم را ثابت می‌کند.

امام، دارای شئون و وظایفی متعدد است؛ مانند هدایت افراد بشر و هدایت جامعه در ابعاد سیاسی و حکومتی و قانون گذاری و تبیین و توضیح شریعت و رسانیدن فیض الهی به مخلوقات و... انسان نیز به تناسب ابعاد وجودی خود، به آن شئون نیازمند است و این نیاز مندی‌ها، به مراتب، مهم‌تر از نیازمندی به نان و آب و چشم و گوش است. مثلاً، تنها در بعد سیاسی و حکومتی، اگر انسان، نعمت‌های مادی گوناگونی را در اختیار داشته باشد، لکن امنیت و قانون برقرار نباشد، هیچ‌گاه جامعه، روی خوش بختی را نمی‌بیند و امکان استفاده از همان داشته‌ها را نیز پیدا نمی‌کند. سرگرم ساختن انسان‌ها به فلسفه‌های دست ساز بشر و ترسیم بشری از آینده

۱. راز آفرینش، کرسی موریس، ص ۸۱، شرکت اقبال، چاپ دوم، ۱۳۳۵ ش.

جهان، پاسخی، هر چند خطا، به نیاز اساسی بشر است تا دغدغه او را از بابت تربیت انسانی و پیمودن راه کمال و... بر طرف سازند.

اگر یادگیری حرفه‌های ظاهری که ابزارشان محسوس است، بدون راهنما و استاد، مشکل و چه بسا محال است، راهیابی به کمالات معنوی و رفع نیاز باطنی، بدون راهنما و استاد، مسلماً، نشدنی است.

### دلیل نقلی پیش فرض دوم

هدف از تشریح الهی، همان هدف از خلقت است - یعنی: رسیدن به کمال مطلوب - و اگر خداوند توجه به رفع نیازمندی‌های دنیایی انسان دارد، به خاطر مقدمه بودن آن برای رسیدن به آن کمال مطلوب است.<sup>۱</sup> خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾<sup>۲</sup> یعنی توجه تنها به رفع نیازهای دنیایی کافی نیست، بلکه مهم، آخرت است.

همچنین در جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾<sup>۳</sup> یعنی، هدف بعثت، عبادت خدا و دوری از شیطان است.

امیرالمومنین علی عليه السلام نیز می‌فرماید: «فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةَ»<sup>۴</sup> بنابراین، شکی نیست که آفرینش تکوینی موجودات و انسان، مقدمه تربیت نفوس انسان‌هاست و احتیاج به راهنمای الهی، یک نیاز واقعی انسان است.

۱. ربّانی گلیپایگانی، ایضاح‌المراد فی شرح کشف‌المراد، ص ۹۰.

۲. روم، ۷: ظاهر دنیا را می‌دانند و از آخرت بی‌خبرند.

۳. نحل، ۳۶: در هر امتی پیامبری برانگیختیم که خدا را بپرستند و از طاغوت دوری جویند.

۴. نهج‌البلاغه، محمد دشتی، خطبه ۱۹۰، فراز چهارم، ص ۱۰۹.

## مصدق امام و حجت الاهی در زمان حاضر

بنابر مطالب پیش گفته در تقریر برهان حکمت، وجود یک حجت راه شناس آگاه و معصوم، ضروری و ثابت است، ولی از آنجاکه تعیین مصدق آن، خارج از حیطه براهین عقلی و از جمله برهان حکمت است، باید مصدق آن را بر اساس ادله نقلی معتبر تعیین کرد. این مصدق خارجی در روزگار ما، بنابر روایات متواتر و معتبر، وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند. (روایات زیر نمونه هایی از این ادله نقلی است که حجیت و امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را بیان می کند:

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ص روایت کرده است که فرمودند:

لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ص يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَنَنْزِلُ الْأَمْرَ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَأُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي أَوْهُمْ عَلَى بِنِ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ وَ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَيِّدِي وَ كِنْيَتِي حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شَيْعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنْ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ ...<sup>۱</sup>

۱. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵۳. «جابر بن یزید جعفی گوید از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت: وقتی که خدای تعالی بر پیامبرش این آیه را فرو فرستاد که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» گفتم: یا رسول الله! خدا و رسولش را شناخته ایم، پس اولوالأمری که خداوند طاعت آن ها را مقرون به طاعت خود کرده چه کسانی هستند؟ فرمود: ای جابر آن ها جانشینان من و ائمه مسلمین پس از من هستند، اول ایشان علی بن ابی طالب است و بعد از او حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی - که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر او را می بینی و آنگاه که او را دیدار کردی سلام مرا به او برسان - و پس از او جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و پس از او همنام و هم کنیه من حجة الله در زمینش و بقية الله در بین عبادش، فرزند حسن بن علی ائمه مسلمین خواهند بود، او کسی است که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او بگشاید، او

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ هُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمُتَّقِرُ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُتُنَكِّرُ لَهُمْ كَافِرٌ<sup>۱</sup>

أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو هَمَّامٍ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمْتَانَ الْعَمْرِي قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَأَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَأَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَنِ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ قَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً...<sup>۲</sup>

کسی است که از شیعیان و اولیائش غایب شود، غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است...».

۱. همان، ص ۲۵۹. «امام صادق علیه السلام از پدراننش از رسول خدا صلوات الله علیهم اجمعین روایت کند که فرمود: پس از من دوازده امامند که اول آنها علی بن ابی طالب و آخر ایشان قائم است؛ آنان جانشینان و اوصیاء و اولیای من و حجت‌های الهی بر اتمم پس از من می‌باشند، کسی که مقرر به ایشان باشد مؤمن است و کسی که منکر ایشان باشد کافر است.»

۲. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، خزاز رازی، ص ۲۹۶. «محمد بن عثمان عمروی نقل می‌کند از پدرم شنیدم که می‌گفت از ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام در رابطه با خبری که از پدراننش روایت شده، سوال شد که زمین تا روز قیامت از حجت الاهی بر خلق خدا خالی نمی‌شود و اینکه هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است؛ پس امام فرمودند: این مطلب حق است همان جور که روز حق است. پس از ایشان سوال شد که امام خلیفه پس از شما کیست؟ فرمودند: پسر محمد امام و حجت بعد از من است؛ هر کس بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است...».

## نتیجه

بنابر مطالب پیش گفته و به موجب صفت حکمت خداوند در ایجاد برترین نظام و تنزه ذات باری تعالی از انجام فعل بیهوده و عبث، همواره باید در روی زمین رهبری آگاه و معصوم حضور داشته باشد که حیات معنوی انسان را شکوفا کرده و او را به راه درست هدایت کند. این رهبر و حجت الاهی واسطه فیض خداوند در میان مردم است و با حضور او کمال انسانی و نظام احسن، مقدور خواهد بود؛ لذا جای تردیدی نیست که حکمت الاهی از مبانی استوار و اساسی باورداشت مهدویت و ضرورت وجود حجت حی الاهی است و با برهان حکمت - که حد وسط قضایای آن حکمت خدای سبحان است - می توان ضرورت مهدویت را تبیین و اثبات کرد.

بدیهی است که تعیین مصداق خارجی این حجت حی الاهی، خارج از حیطه براهین عقلی و از جمله برهان حکمت است و برای تشخیص مصداق آن باید به ادله نقلی و سایر شواهد معتبر مراجعه شود. بنابر روایات متواتر، مصداق آن حجت و رهبر حی الاهی، در روزگار ما وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن فارس، أحمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ه ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ه ق. الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ه ق.
۳. **ایضاح المراد فی شرح کشف المراد**، علی ربانی گلپایگانی، مؤسسہ امام صادق علیه السلام، راند، قم، ۱۳۹۵.
۴. حلّی، حسن بن یوسف، **کشف المراد**، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۵. خزاز رازی، علی بن محمد، **کفاية الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر**، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۶. خواجه نصیر الدین طوسی، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، مؤسسہ امام صادق، قم، ۱۳۸۲ ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ه ق. نهج البلاغه، محمد دشتی.
۸. قرشی سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۹. **کمال الدین و تمام النعمه**، ابن بابویه، محمد بن علی، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۱۰. کرسی موریس، راز آفرینش، شرکت اقبال، چاپ دوم، ۱۳۳۵ ش.
۱۱. لاهیجی، عبدالرزاق، **سرمایه ایمان**، انتشارات الزهراء.
۱۲. لطیفی، رحیم، **برهان عنایت و اثبات امامت**، انتظار موعود، ش ۸، مرکز تخصصی مهدویت قم، تابستان و پاییز ۱۳۸۲.

۱۳. لطیفی، رحیم، رویکرد عقلی بر ضرورت وجود امام (قاعده لطف)، بنیاد فرهنگی حضرت  
مهدی موعود، قم.

۱۴. مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، دارالمفید، قم، ۱۴۱۳ق.

## بررسی اندیشه نجات در اسلام و تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی

المیرا روحی پورا<sup>۱</sup>

سید علی کاظمی شیخ شبانی<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش به بررسی اندیشه نجات در اسلام و تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی می‌پردازد. تمدن اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های تاریخ بشر، بر پایه آموزه‌های دینی و اخلاقی شکل گرفته است.

اندیشه نجات و موعودباوری از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ مهدوی است که در تمامی ادیان الهی وجود دارد. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه نجات نقش مهمی در اعتلای تمدن اسلامی دارد و از طریق امیدآفرینی، ایجاد روحیه جهادی، افزایش حس آرمان‌گرایی و وحدت‌آفرینی به تقویت و پیشرفت تمدن اسلامی کمک می‌کند. این اندیشه با ترسیم آینده‌ای روشن و عادلانه، انگیزه لازم برای تلاش و نوآوری در جوامع اسلامی را فراهم می‌آورد و می‌تواند به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی عمل کند.

**واژگان کلیدی:** اندیشه نجات، تمدن، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، ادوار تمدن

اسلامی، موعودباوری، فرهنگ مهدوی، امید آفرینی

۱. فارغ التحصیل سطح دو حوزه علمیه ثامن الحجج شهرستان پارس آباد. [elmirarohi1376@gmail.com](mailto:elmirarohi1376@gmail.com)

۲. دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم. [sayed.ali.kazemi67@gmail.com](mailto:sayed.ali.kazemi67@gmail.com)

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین شاخص‌های فرهنگ مهدوی «موعودباوری» است که در فطرت الهی-انسانی ریشه دارد و مورد توجه تمامی ادیان الهی است. «موعودباوری» به معنای اعتقاد به وعده‌ای نسبت به آینده جهان و انسان‌ها در جهت رهانیدن آن‌ها از وضعیت نابسامان موجود و رساندن آن‌ها به وضعیت مطلوب است؛ لذا به فرد وعده داده شده‌ی نجات‌دهنده، «منجی موعود» می‌گویند. اندیشه نجات موعود که در بیشتر موارد با باور به موعودی نجات‌بخش و شخصی (انسانی) قرین است از فراگیرترین اندیشه‌های بشری است.

ایده منجی موعود، با تأکید بر نقش نجات‌دهنده‌ای که توانایی ارتقا و بهبود وضعیت جوامع را دارد، می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک در شکل‌گیری و توسعه تمدن‌ها عمل کند. این باور الهام‌بخش، جامعه را به سوی ایجاد تغییرات مثبت و تلاش برای دستیابی به وضعیت مطلوب هدایت می‌کند. تمدن، به عنوان مجموعه‌ای از دستاوردهای فرهنگی، علمی و اجتماعی بشر، نقش حیاتی در شکل‌دهی به هویت جوامع دارد. تمدن اسلامی به ویژه باتوجه به تعالیم دینی و اخلاقی، توانسته است فرهنگ و تمدن‌های بزرگی را در طول تاریخ ایجاد کند که تأثیرات عمیقی بر جوامع انسانی داشته‌اند. تمدن اسلامی به عنوان یک مدل ایده‌آل، تلاش دارد تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و باورهای موعودباوری، جوامعی پیشرفته و عادلانه را شکل دهد. طبق تعالیم دین مبین اسلام، «تمدن اسلامی» به عنوان جامع اسلامی نسبت مستقیمی با آرمان مهدویت داشته و بدین معنا، حرکت تمام انبیا و اولیای الهی از آدم تا خاتم، مقدمه‌ساز این تمدن است. رویکرد تمدنی به مهدویت رویکردی است حاکی از آن‌که آموزه مهدویت، بخش مهمی از اندیشه اسلامی است که می‌تواند از طریق ترسیم آینده‌ی وعده داده شده در شکل دادن به جوهره و روح حاکم بر تمدن اسلامی نقش آفرین باشد، به مثابه یک «ستاره راهنما»، راهنمای جوامع اسلامی به سوی جامعه کمال یافته و برخوردار از تمدن آرمانی موعود به شمار آید.

بدون تمدن نمی‌توان کار بزرگی انجام داد. کارهای بزرگ، مانند حرکت امام‌زمان عجل الله فرجه، کارهای تمدنی هستند که برای اعتلای آن‌ها، شناخت و تقویت جنبه‌های مختلف آن ضروری است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که نیازمند توجه است، بحث اندیشه نجات‌بخشی در اعتلای تمدن اسلامی است. همان‌طور که در متن خواهد آمد، این اندیشه نقش بسزایی در اعتلای تمدن اسلامی دارد. در پیشینه این نوشتار مقالات مختلفی دیده می‌شوند، همچون «بررسی اندیشه نجات و موعودباوری در ادیان»، اثر حسین علی جباری که به بررسی جامعیت ادیان اعم از ابراهیمی و غیر ابراهیمی و اشاره کلی به این اندیشه در میان ادیان پرداخته شده یا «بازخوانی ادوار تمدن اسلامی» اثر زهرا سجادی که فقط به بررسی و تبیین ادوار تمدن اسلامی پرداخته شده و یا «باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی» اثر امیرمحسن عرفان و سید علیرضا واسعی که به بررسی نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای تمدن اسلامی پرداخته و یا «واکاوی جایگاه تفکر مهدویت و تفکر و حکومت جهانی مهدوی در افق تمدن نوین اسلامی» اثر امیرحسین عرب‌پور به بررسی مفهوم تمدن نوین اسلامی و بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌های تفکر حکومت جهانی مهدوی، جایگاه و نقش آن را به عنوان افق تمدن نوین اسلامی بررسی کرده است.

و بسیاری از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات دیگر در این باب که به‌رغم فاخر بودن بسیاری از آثار ذکر شده، وجه تمایز این نوشتار با آن‌ها در این است که در این پژوهش به بررسی اندیشه نجات در اسلام و تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی پرداخته و در ضمن، داده‌پردازی در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی با روش کتابخانه‌ای انجام شده است. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین مفهوم اندیشه نجات و تمدن اسلامی و نیز تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی است. در این راستا، ضمن معرفی مفهوم اندیشه نجات و تمدن اسلامی، به تبیین این ارتباط پرداخته می‌شود.

### تمدن:

تمدن یکی از مفاهیمی است که از دیرباز در جوامع مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این مفهوم نشان‌دهنده تحولات عمده‌ای است که در زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی انسان‌ها رخ داده و باعث پیشرفت جوامع شده است. از نظر لغت‌شناسان، تعاریف متعددی برای تمدن بیان شده است از جمله:

تمدن به معنای اسباب و اصالیب شهرنشینی اختیارکردن است<sup>۱</sup>، تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت.<sup>۲</sup> فرهنگ عربی به واژه تمدن (حضاره) متفق‌اند و حضاره شهر را عکس بداوت بادیه می‌دانند. حضاره به شهرها، روستاها و ده‌ها گفته می‌شود.<sup>۳</sup> و به معنای فراهم‌ساختن اسباب و آسایش<sup>۴</sup> می‌باشد. تمدن به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و... است و در جای دیگر، تمدن به مفهوم (خوگرفتن با اخلاق و آداب شهریان) نیز آمده است.<sup>۵</sup> تمدن را در شکل کلی، نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر شده و جریان می‌یابد.<sup>۶</sup>

### تعریف اصطلاحی تمدن:

ویل دورانت تمدن را چنین تعریف می‌کند: «نخستین قدم در راه تمدن کشاورزی است و فقط هنگامی که انسان در سرزمینی به قصد کشاورزی در آن و ذخیره کردن غذا برای روز مبادای خود مستقر شود و آتیه خود را تأمین کند، فراق خاطر و احتیاج متمدن شدن را احساس خواهد کرد؛

۱. لاروس، لغت نامه، ص ۶۵۳.

۲. دهخدا، لغت نامه، ص ۹۴۲.

۳. سپهری، تمدن اسلامی در عصر اموی، ص ۳۰-۲۷.

۴. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۲۶.

۵. معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۱۳۹.

۶. دورانت، تاریخ تمدن، ص ۵.

هنگامی که در پناه چنین امنیتی از حیث آب و خوراک قرار گرفت، به فکر ساختن کلبه و معبد و مدرسه می‌افتد، آنگاه ممکن است اسباب‌هایی اختراع کند که نیروی او را فزونی بخشد یا سگ و خر و خوک را اهل کند و بالاخره به فکر اهلی کردن خویش و تسلط بر نفس برآید و راه آن را پیدا کند که با نظم و آهنگ کارهای خود را انجام دهد و مدت بیشتری بر روی زمین زیست کند و فرصت آن را به دست آورد تا میراث فرهنگی و اخلاقی نژاد خویش را برای نسل‌های آینده باقی گذارد.<sup>۱</sup>

ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر او، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ آن نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورد؛ و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حائز «مدنیّت» است.<sup>۲</sup>

این تعاریف، نشان‌دهنده این است که تمدن، فرآیندی پیچیده و چند بعدی است که شامل تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود و همواره به دنبال نظم و ارتقای زندگی انسانی است.

### مفهوم تمدن اسلامی

تمدن اسلامی یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین تمدن‌های تاریخ بشر است که در زمینه‌های علمی فرهنگی و هنری نقش بسزایی داشته است. از جمله کسانی که در این زمینه حرف دارند مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است.

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را بر آن غایات خلق کرده

۱. همان، ص ۳۲.

۲. عروتی موفق، پیامبر اعظم ﷺ بیانگذار تمدن اسلامی، ص ۷۶-۷۵.

است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.<sup>۱</sup> تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند پرمایه از یک سو، از قابلیت تجدید زمانی و تعریف معنایی برخوردار است؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها و ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی در خود دارد، بدین ترتیب، تمدن اسلامی دارای ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر ﷺ است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... است.<sup>۲</sup>

### مفهوم تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به مجموعه تلاش‌ها و رویکردهای نوآورانه‌ای اطلاق می‌شود که در تلاش است اصول و ارزش‌های اسلامی را با شرایط و نیازهای روز جوامع مدرن تلفیق کند. اصطلاح (تمدن نوین اسلامی) ابتکار رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای است که در سالهای اخیر بارها مطرح شده و سپس از زبان وی در این اصطلاح، در محافل علمی، مقالات و رسانه‌ها به تدریج گسترش یافت. رهبر انقلاب عمدتاً از اوائل دهه هشتاد تا کنون با تعبیر مختلفی همچون: (تمدن بین الملل اسلامی)،<sup>۳</sup> (تمدن درخشان اسلامی)<sup>۴</sup> و (تمدن نوین اسلامی) به طرح این موضوع مهم پرداخته و امروزه اصطلاح (تمدن نوین اسلامی) نزد اصحاب اندیشه، به یکی از مفاهیم کلیدواژه تبدیل شده است. طرح ایده (تمدن نوین اسلامی) از ابتکار

۱. خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۳/۰۳/۳.

۲. خامنه‌ای، بیانات، برگرفته از سایت خامنه‌ای.

۳. همان، ۱۳۸۳/۰۶/۰۸.

۴. همان، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.

آیت‌الله خامنه‌ای شمرده می‌شود که به صورت هوشمندانه و هدفمند، آن را مورد عنایت قرار داده و بارها در اظهارات خویش در محافل داخلی<sup>۱</sup> و بین‌المللی<sup>۲</sup>، بر لزوم اهتمام جوامع اسلامی به این مسئله مهم، تأکید نموده است. در کاربست این اصطلاح، تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر دو صفت (اسلامی) و (نویین) بودن، بیانگر ماهیت دینی این تمدن از یک سو و پویایی آن از سوی دیگر است. وجه (اسلامیت) این تمدن، نگرش دینی حاکم بر آن است؛ زیرا روح تمدن اسلامی، حاکمیت دین در همه عرصه‌های حیات انسان است. در تمدن اسلامی، همه داده‌های حیات اجتماعی، اعم از نگرش‌ها، رفتارها، گفتارها، ارتباطات، تعاملات داخلی و خارجی، محولات صنعتی و تکنولوژیکی و دیگر دستاوردهای مدنی مسلمانان، متأثر از عنصر دین و فرهنگ است. وجه (نویین) بودن این تمدن، ویژگی بالنده و مولّد تفکر اسلامی در پاسخگویی به نیازهای حال و آینده انسان و قدرت سازندگی آن است. مقصود از (نویین) بودن، گونه‌ای از تمدن‌سازی است که در بنیاد و شکل‌گیری آن، نیازهای جدید و نوظهور انسان و جنبه‌های تکاملی مدنیت اجتماعی، مورد توجه است. تمدن اسلامی، بدین سبب «نویین» و نوگراست که در پی ایجاد تغییر در همه ساحات زندگی فردی و اجتماعی و مدیریت همه پدیده‌های انسانی و طبیعی، متناسب با نیازها و اقتضائات شرایط و زمان است؛ از این رو، توجه به اقتضائات زندگی انسان در معنایابی تمدن نویین اسلامی، بسیار حائز اهمیت است.

بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای، نوگرایی و زایش تمدنی را از ویژگیهای ذاتی تفکر اسلامی می‌داند: (تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان‌های تازه زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً اسلام این را از انسان خواسته)<sup>۳</sup>؛ به همین سبب، وی نقطه تمدنی اسلام دانسته، می‌افزاید: «سلفی‌گری، اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود،

۱. همان، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۲. همان، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.

۳. همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

با نوگرایی و سماحت و عقلانیت که از ارکان تفکر و تمدن اسلامی اند، سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریسم و بی دینی خواهد شد.<sup>۱</sup>

مفهوم‌شناسی نجات، معنای مشترک در ماده (ن.ج.و) کنار زدن و خلاص نمودن است و از مصادیق آن، خلاص نمودن شخص از هلاکت و کنار زدن او از محیطی است که در آن قرار دارد. در قرآن کریم نیز در ۷۵ آیه، کلمه نجات و مشتقات آن وجود دارد و از آنجا که در برخی آیات، این کلمه تکرار شده؛ لذا موارد استعمال آن به ۸۴ مورد می‌رسد؛ زیرا واژه‌های (فوز و فلاح) نیز در بردارنده معنا و مفهوم نجات است.<sup>۲</sup> اندیشه نجات و «موعودباوری» در میان ادیان، اعم از ابراهیمی و غیر ابراهیمی از مسائل مهم و اساسی و مورد توجه است.<sup>۳</sup> انتظار ظهور منجی موعود یک عقیده عمومی و مشترک است و اختصاص به یک قوم و ملت و دین ندارد. ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می‌کنند، عموماً ظهور او را خبر داده اند، اگر چه در اسم او اختلاف دارند.<sup>۴</sup>

با بررسی افکار و عقاید ملل جهان مانند مصر باستان، هند، یونان و ایران و نگاهی به افسانه‌های دیگر اقوام مختلف، این حقیقت به خوبی نمایان است که همه در انتظار مصلح موعود به سر برده اند.<sup>۵</sup>

یهودیان معتقدند که:

در آخر الزمان «ماشیح» ظهور می‌کند و تا ابدالآباد در جهان حکومت می‌کند.<sup>۶</sup>

مسیحیان معتقدند که:

۱. همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۲. حسینی، بررسی مفهوم نجات در قرآن و عهد جدید، ص ۲.

۳. جباری، بررسی اندیشه نجات و موعود باوری در ادیان، ص ۱.

۴. سرائی، بشارت به منجی موعود، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۱۶.

مسیح در آخر الزمان دوباره ظهور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

این شوق و انتظار دیرینه در لحظات فشار و اختناق تبدیل به التهاب سوزان و نیاز شدید می‌شود که خرمین اشتیاق مردم را برای ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه شعله ور می‌سازد. در همین راستا هر دین و مذهبی با الهام گرفتن از سخنان انبیا و کتب آسمانی خود، دم از حکومت واحد جهانی می‌زند و معتقد است که فردی مصلح خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۲</sup> سرانجام، اداره جهان در دستان با کفایت صالح ترین فرد بشر قرار خواهد گرفت، او جهان را از تاریکی فقر، جهل و ظلم‌رهایی می‌بخشد و حکومت واحد جهانی را بر اساس مساوات و عدالت استوار می‌سازد.<sup>۳</sup>

### بررسی مسأله نجات از دیدگاه اسلام

موضوع نجات و رستگاری و حیات طیبه و جاودان در اسلام، یکی از مسائل مهم و عمده‌ای است که توجه تمام فرقه‌ها و نحله‌های مسلمانان در طول تاریخ بدان معطوف بوده است.<sup>۴</sup> اندیشه نجات از این قابلیت و ظرفیت برخوردار است که به مثابه چشم اندازی برای تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گیرد، یعنی می‌تواند پاسخگوی این پرسش باشد که آینده این تمدن چگونه باید باشد؛ و همچنین قرآن کریمف پایان و فرجام جهان را از آن صالحان می‌داند.<sup>۵</sup> کتاب آسمانی ما مسلمانان- قرآن کریم- که آخرین وحی مکتوب آخرین رسول خداست، کاملترین کتاب راهنمای بشریت در همه ابعاد زندگی است. این کتاب آسمانی کامل، وعده‌ها نویدها و

۱. همان، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. طالب، نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام، ص ۱۴.

۵. الویری، اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، ص ۲۶-۲۷.

بشارت زیادی را در مورد آینده جهان، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و بر پایه حکومت الهی وعده داده است.

فهرست سوره ها و آیاتی که از منابع معتبر تفسیری و روایی مختلف درباره منجی موعود از قرآن کریم به شرح زیر آمده است.<sup>۱</sup>

۱. سوره ی انبیاء آیه ۱۰۵: **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** و به راستی که ما پس از نوشتن در ذکر تمام کتب آسمانی گذشته یا تورات در زبور نیز نگاشتیم که البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.

روایت: از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: بندگان صالح مذکور در این آیه که زمین را به ارث می برند قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف و اصحاب او هستند.<sup>۲</sup>

۲. سوره قصص آیه ۵: **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ**؛ و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

روایت: امیر المومنین علیه السلام در تفسیر آیه فرمودند: ایشان، آل محمد صلوات الله وسلامه علیهم اجمعين هستند. خداوند مهدی آل محمد صلوات الله وسلامه علیهم اجمعين را بر می انگیزاند تا توسط او مومنان را عزیز و دشمنان را ذلیل و زبون گرداند.

۳. سوره مبارکه القصص آیه ۸۳: **تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ** (آری)، این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است!

جان هیک، فیلسوف دین در مغرب زمین، می گوید: در کلیه ادیان بزرگ و متکامل جهانی به نوعی، اعتقاد به رستگاری و مبحث نجات شناسی وجود دارد. در این ادیان، عقیده به انتقال

۱. سرائی، بشارت به منجی موعود، ص ۴۱.

۲. انبیاء، ۱۰۵.

از یک حیات اساساً مصیبت بار به وضعیتی کاملاً امیدبخش و بهتر در کار است و هر یک از این ادیان به طرق مختلف از هستی کنونی انسان که دارای سررشتی گمراه کننده، تحریف کننده، و تحریف شده و ناصواب است، سخن می‌گویند.

حیات کنونی، حیاتی است (در هبوط یافته و) بیگانه از خدا، حیاتی است گرفتار آمده در وهم جهانی. هر یک از این ادیان بر اساس اصل نجات شناسی خود، طریق خاصی را برای به دست یافتن به وصال هستی مطلق پیشنهاد می‌کند، از طریق ایمان و در پاسخ به رحمت الهی، از طریق فنا شدن در ذات باری تعالی و یا از راه اخلاص روحی و اخلاق، به نجات و اشتراق راه می‌برند.<sup>۱</sup>

## ادوار تمدن اسلامی

در نگاهی کوتاه به تاریخ تمدن اسلامی در می‌یابیم که این دین الهی، موجودیت خود را با دعوت از مردم به ایمان و رستگاری، دعوتی که محل اعلام آن شهر مکه بود آغاز نمود. حال اگر امر دعوت را مرحله نخست از شکل‌گیری تمدن اسلامی برشماریم، ادوار و مراحل تمدن اسلامی را میتوان به هفت مرحله تقسیم کرد.<sup>۲</sup>

### الف. دوران شکل‌گیری و نضج تمدن اسلامی

زمانی که دولتی در یک محیط بدوی تشکیل می‌شود تا روزگاری که تمدنی پدید آید.<sup>۳</sup>

### ب. دوران حرکت و پیشرفت

در دوره حرکت و پیشرفت، آموزه‌های وحیانی مندرج در قرآن و سنت رسول ﷺ و تفسیر اهل بیت  و فهم عربی اسلامی صحابه از آموزه‌های وحیانی توسعه یافت.<sup>۴</sup> ورود مظاهری از

۱. طالب، نجات شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام، ص ۲.

۲. سجادی، بازخوانی ادوار تمدن اسلامی، ص ۱.

۳. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۴. همان، ص ۶.

موراثت فکری فرهنگی دیگر اقوام همچون یهودیان، ایرانیان، قبطیان، سریانیان، بیزانسی ها، مسیحیان و... تاویل و تفسیر آموزه های اسلامی از سویی و خروج اعراب مسلمان از جزیره العرب و آشنایی آنان با مراثت فکری فرهنگی دیگر اقوام و ملل و بهره گیری از آن ها دو ویژگی تمدن اسلامی در این دوره یک صد ساله است.<sup>۱</sup>

### ج. دوران اوج تمدن اسلامی<sup>۲</sup>

در این دوره، شکوفایی تمدن اسلامی اوج گرفت. عصر شکوفایی فرهنگ عمیق اسلامی و ادبیات عرفانی است. (آغاز سده چهارم و اوج آن در سده هفتم هجری) عصر هنر و معماری اسلامی در دوره سه دولت صفوی، عثمانی و گورگانی است. (سده نهم تا دوازدهم هجری)<sup>۳</sup>

### د. دوران توقف و رکود<sup>۴</sup>

این دوره عصر رکود است و با دو حمله ویرانگر صلیبیان از غرب و مغولان از شرق پدید آمد.<sup>۵</sup>

### ه. دوران تجدید<sup>۶</sup>

عصر نخستین تجدید حیات جهان اسلام با مجاهدتهای صلاح الدین ایوبی در برابر صلیبیان و ممالیک مصر در برابر مغولان و نیز اهتمام دانشمندان ایرانی دربار ایلخانان مغول در ایران است که به ظهور و تشکیل سه دولت مقتدر عثمانی، صفوی و گورگانی و بسامانی اوضاع جهان اسلام انجامید<sup>۷</sup> ولی این حرکت تجدیدگرایانه هم متوقف گردید.<sup>۸</sup>

۱. بیات، بایسته های دوره بندی تمدن اسلامی، ص ۱۱.

۲. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۳. بیات، بایسته های دوره بندی تمدن اسلامی، ص ۱۱.

۴. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۵. ولایتی، پویایی تمدن فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸.

۶. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۷. ولایتی، پویایی تمدن فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸.

۸. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

## و. دوران انحطاط<sup>۱</sup>

هجوم و سلطه استعمار و آغاز دومین دوره رکود در تمدن اسلامی است.<sup>۲</sup> دوره زوال تمدن اسلامی و سلطه فرهنگ و تمدن غربی. (از میانه سده چهاردهم تا اواخرین سده) زوال تمدن اسلامی، یعنی ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان و سرزمین های اسلامی.

این دوره نتیجه سه عامل بود:

۱. ضعف و رکود: در دوره زوال تمدن اسلامی (از میانه سده چهاردهم تا اواخر سده نوزدهم میلادی) به معنای فرسودگی ساختارهای درونی تمدن اسلامی در ساختار سیاسی، اقتصادی، علمی و نهادی بود. این رکود با فروپاشی سیستم های مرکزی حکومتی (مانند خلافت عباسی)، تکثر قدرت های محلی و فرمانروایی های پراکنده، کاهش تولید علمی و فکری، و توقف حرکت پویای اجتهاد و نوآوری همراه شد. از دیدگاه تاریخ اقتصاد، شبکه های تجاری اسلامی که پیش تر جهان اسلام را به مراکز جهانی مرتبط می کرد، تحت تأثیر تحولات جغرافیایی (مانند کشف راه های دریایی جدید توسط اروپاییان) و سیاسی (مانند حمله مغول و سپس استعمار اروپا) دچار انحطاط شدند. این ضعف ساختاری، زمینه ساز نفوذ تمدن غربی و کاهش توان رقابتی جوامع اسلامی در عرصه های جهانی شد.

۲. نوع نگاه مسلمانان به دین و فهم آن از آموزه های دینی از جمله دین ورزی، غیر کاربردی و یا سطحی نگری بود. بسیاری از عالمان مسلمان و اجتهاد تقلیدی آنان به جای اجتهاد اصولی کار آمد....

۱. همان.

۲. ولایتی، پویایی تمدن فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸.

۳. تمدن نوظهور غرب که با بهره‌گیری از سلاح علم (تجربی)، ثروت و قدرت الگویی نوین با قابلیت‌ها و مظاهر خیره‌کننده‌ای از فرهنگ و تمدن را عرضه کرده بود.<sup>۱</sup>

### ز. انقلاب اسلامی ایران، عصر بازگشت<sup>۲</sup>

انقلاب اسلامی، دوره‌ی تجدید و بازآفرینی تمدن اسلامی است (از میانه‌ی سده‌ی چهاردهم هجری شمسی تاکنون). دوره‌ی زوال تمدن اسلامی و سلطه‌ی فرهنگ و تمدن غربی که از میانه‌ی سده‌ی چهاردهم تا اواخر آن به درازا کشید، نزدیک بود به محو کامل تمدن اسلامی در تمدن غربی بینجامد. حتی بیم آن می‌رفت که فرهنگ اسلامی - شامل باورها، ارزش‌ها، آداب، سنن، مقررات، قوانین، معارف، علوم و دیگر سرمایه‌های معنوی اسلام و مسلمانان - در برابر هجومه‌ی سنگین فرهنگ و تمدن مادی غرب به کلی محو گردد. اما در مقابل واکنش منفعلانه‌ی بسیاری از عالمان مسلمان و نیز کنش غرب‌گرایانه‌ی سیاست‌مداران، کارگزاران سیاسی و بسیاری از تحصیل‌کردگان و روشنفکران غرب‌زده، جریان نواندیش دینی از درون روحانیت پدید آمد که با موضعی کنش‌گرانه به سلطه‌ی فرهنگی و تمدنی غرب واکنش نشان داد. سرانجام در اندیشه امام خمینی ره و در قالب نظریه ولایت فقیه تبلور یافت و پدیده انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی انجامید.<sup>۳</sup>

### ویژگی تفکر نجات

تفکر نجات نوعی از تفکرات و نگرش‌های معطوف به آینده و در حقیقت رویکردی آینده‌نگرانه است. در این تفکر، پایان جهان چون آغاز آن در اختیار صالحان است و همان‌طور که خلقت انسان با آفرینش حضرت آدم علیه السلام صورت گرفته و ماموریت نهایی وی در زمین، استقرار

۱. بیات، بایسته‌های دوره بندی تمدن اسلامی، ص ۱۱.

۲. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۳. سجادی، ادوار تمدن اسلامی، ص ۱۶.

عدالت بود، در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل، جزو ارکان اصلی این تفکر بر شمرده می‌شود.<sup>۱</sup> در ادامه به برخی از ویژگی‌های این تفکر اشاره می‌شود:

۱. **فراگیری و عام‌نگری (جهان‌شمولی):** افق دید در تفکر موعودگرا، کل جهان است و نه یک منطقه خاص جغرافیایی و یا یک بخش اعتقادی، زیرا رسالت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه التوفيق یک رسالت جهانی است.<sup>۲</sup> در روایات به این موضوع اشاره شده است: (خداوند [کل] زمین را به وسیله قائم زنده می‌کند...<sup>۳</sup>)

۲. **عدالت‌گرایی:** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تفکر نجات، عدالت‌پروری و احیای قسط و داد در میان مردم است. عدالت؛ یعنی برقراری مساوات و برابر؛ تقسیم عادلانه ثروت و نعمت؛ رفع ظلم و ستم و برپایی آیین دادگری و حق‌گرایی.<sup>۴</sup>

۳. **معنویت‌گرایی و کمال‌بخشی:** در جامعه مهدوی، رویکرد غالب در عرصه عبادت، تکامل و تعالی معنوی با محوریت توحید است و این رویکرد دینی در رفتارهای فردی و اجتماعی مردم پدیدار است که نتیجه چنین نگرشی، تحقق جامعه‌ای معنویت‌گرا است. بر این اساس، زیربنایی‌ترین و بایسته‌ترین برنامه‌ها و ایده‌ها در تفکر نجات، توجه به ابعاد معنوی و روحی انسان‌ها و کمال‌بخشی او است.<sup>۵</sup>

۴. **خشونت‌ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و...):** آسایش و امنیت عمومی جامعه، اصلی‌ترین رکن حیات اجتماعی بشر است و بدون امنیت اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، زندگی بشر قرین سعادت و آرامش نخواهد بود.<sup>۶</sup> این نگره، تنها در پرتو «تفکر نجات» قابل ارائه دستیابی

۱. گودرزی، تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا، ص ۲۲۳-۲۲۲.

۲. گودرزی، مدل مدیریت راهبردی موعودگرا، ص ۱۲۷.

۳. قندوزی حنفی ینابیع الموده، ص ۵۱۴.

۴. کارگر، جستارهایی در مهدویت، ص ۵۵.

۵. همان، ص ۵۷-۵۶.

۶. نوین، نظریه توسعه انسانی و دکترین مهدویت، ص ۳۲۳.

است و از وجوه ویژه آن نیز ایجاد صلح دائمی و جهانی است. «کینه‌ها از دل مردم بیرون می‌رود و درندگان و چهارپایان در صلح زندگی می‌کند.»<sup>۱</sup>

**۵. شایسته سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان):** «شایسته سالاری» یکی از شاخصه‌های مهم «تفکر نجات» است. تا زمانی که در عرصه سیاست، ظالمان، زورمندان و... باشد هیچ مشکلی از جامعه جهانی برطرف نخواهد شد.<sup>۲</sup> در تفسیر آیه \*ان الارض یرثها عبادی الصالحین\* آمده است: «منظور از این که زمین را از بندگان صالح خدا به ارث می‌برند، مهدی قائم و یاران او هستند.» پر واضح است که در آن روزگار، صالح‌ترین، پاک‌ترین و عالم‌ترین انسان‌ها (مهدی موعود) خود زمام امور را به دست می‌گیرد و آنگاه حاکمیت و مدیریت جامعه به صالحان و افراد شایسته می‌رسد.<sup>۳</sup>

**۶. اندیشه نجات و موعودباوری و تفاهم ادیان:** اصل اندیشه منجی و نجات موعود از مواردی است که در میان ادیان بزرگ و تاریخی جهان، مشترک است. رسیدن به همگرایی میان پیروان ادیان به جای واگرایی، افزایش کارایی و اثر بخشی این اندیشه نجات‌بخش و منجی موعود در میان جوامع، شده است.<sup>۴</sup>

**۷. اندیشه نجات و انقلاب اسلامی:** حیات مجدد اسلام در ابعاد مختلف، همان تمدن اسلامی است که آرمان انقلاب اسلامی ایران هم ساخت این تمدن است. امام خامنه‌ای مهم‌ترین «آرمان» انقلاب اسلامی را همین موضوع قلمداد کرده و فرمودند: ((آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن نوین اسلامی خلاصه کرد. تمدن نوین اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات

۱. صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۱۱.

۳. قمی، تفسیرقمی، ص ۷۷.

۴. عرفان، رسانه و آموزه مهدویت، ص ۷۸-۷۷.

مطلوبی که خدای متعال او را برای آن خلق کرده برسد.) نمونه های ذکر شده گویای ظرفیت و دلالت تمدنی آموزه های مهدوی است. با نظر به آن که تفکر مهدویت، دارای ظرفیتی است که می تواند در شکل دادن به تمدن و هویت بخشی به آن، نقش آفرین باشد؛ واکاوی این موضوع نیازمند نگاه آینده نگرانه به جهان است.<sup>۱</sup>

### رابطه اندیشه نجات و تمدن اسلامی

اگر بپذیریم که تمدنی نو در بین مسلمانان در حال شکل گیری است. به آسانی می توان درباره اندیشه نجات در تمدن جدید سخن گفت. پیدایش تمدن جدید، یعنی جوامع اسلامی رو به سوی مقصدی دارند که در آن، متاثر از آموزه های اسلامی، تمدن، جایگزین تمدن غرب را تجربه خواهند کرد. این تمدن جدید، اگر الگویی مشخص پیش رو داشته باشد، می توان با معیار قرار دادن آن، مسیر و گام های خود را به سوی آن جهت دهد و همواره موقعیت خود را با آن بسنجد.<sup>۲</sup> دین مبین اسلام مبتنی بر اندیشه نجات بخش، همواره آینده جهان را به گونه ای دلپذیر، سامان یافته و آرام بخش ترسیم کرده است. همه ادیان الهی در این ویژگی مشترک هستند و با اندک اختلافی در مصداق، در اصل آینده ی درخشان و آمدن مصلحی نجات بخش، هم عقیده اند.<sup>۳</sup> اندیشه نجات در تمدن اسلامی می تواند به عنوان یک عنصر کلیدی در اعتلا و توسعه این تمدن مورد توجه قرار بگیرد. این اندیشه می تواند موتور محرکی برای پیشرفت و نوآوری در جوامع اسلامی باشد و تأثیر عمیقی بر اصول اخلاقی، قوانین اجتماعی و حتی هنر و معماری اسلامی داشته باشد. در این نگاه خوش بینانه، آینده تاریخ، نه ابتر و ناتمام است و نه ناکام، بلکه انسان ها با فطرت کمال جویی آرمان خواهی که دارند، به سمت و سوی تکامل فکری، اخلاقی و معنوی پیش می روند. پیروزی از آن صلاح، پارسایی و فلاح و رستگاری است. بر این باورند که

۱. خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴.

۲. الویری، اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، ص ۶۶.

۳. مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۹.

بشر هر چه جلوتر برود، بر بلوغ عقلی و پختگی اش افزوده می‌شود و با اندیشه به نجات، نیاز به مصلح و منجی را بیشتر و بهتر حس خواهد کرد و در چشم انداز آن تیرگی و ابهامی نمی‌بینند. از این‌روی، به شیوه‌های گوناگون از آینده‌ای که محرومان زمین حاکمیت را در دست خواهند گرفت سخن می‌گویند. غنای ذاتی گفتمان مهدویت و قابلیت‌های نظریه پردازانی آن در رویکرد به آینده، دست مایه بزرگی است که می‌تواند اندیشه نجات‌گرای مبتنی بر گفتمان مهدویت را به نظریه جهانی و آرمانی بشریت تشنه عدالت و معنویت تبدیل کند. این آینده، نمود حقیقی خود را بر استقرار حکومت جهانی موعود که مهم‌ترین رکن تمدن نوین اسلامی است، نشان می‌دهد. اندیشه نجات به افراد، امید و انگیزه می‌دهد تا برای بهبود شرایط فعلی و دستیابی به یک آینده بهتر تلاش کنند. به بیان دیگر و به صورت خلاصه میتوان رابطه این دو را اینگونه بیان کرد:

- اندیشه نجات، مردم را تشویق به دنبال کردن اصلاحات اجتماعی و سیاسی می‌کند  
 - ایجاد انگیزه برای تلاش و نوآوری: افراد را به تلاش بیشتر برای پیشرفت در علوم، هنر و فرهنگ تشویق می‌کند.

- تعمیق ایمان و تعهد دینی: این اندیشه باعث تقویت ایمان افراد و تعهد آن‌ها به اصول و ارزش‌های دینی می‌شود در نتیجه، اندیشه نجات نه تنها به عنوان یک مفهوم دینی بلکه به عنوان یک نیروی محرک برای تغییر و پیشرفت در تمدن اسلامی عمل می‌کند.<sup>۱</sup>

### آثار تفکر نجات در اعتلای تمدن اسلامی

تحقق تمدن اسلامی کار آسانی نیست؛ بلکه نیازمند فراهم بودن مقدمات و پشتوانه‌هایی است تا در پرتو آن بتوان به این آرمان بلند و مقدس که زمینه‌سازی ظهور تمدن بزرگ اسلامی به دست حضرت ولی عصر<sup>علیه السلام</sup> است جامعه عمل پوشاند.

۱. صمدی، گفتمان جهانی مهدویت و آینده بشر، ص ۱۵.

اندیشه مهدویت یکی از اصول اساسی در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی نوین است. این اندیشه با تأکید بر ظهور منجی و برقراری عدالت و صلح جهانی، نقش بسیار مهمی در الهام بخشی و هدایت جوامع اسلامی به سوی ایجاد تمدنی جدید ایفا می‌کند. تفکر نجات و جامع موعود، علاوه بر افق عالی و چشم انداز کلان در زمینه تمدن سازی، از کارکردهای فوق العاده ای نیز تا رسیدن به این هدف متعالی برخوردار است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها بدین قرار است:

### ۱- امید آفرینی

امید از اهمیت ویژه برخوردار است امید اصول اساسی ایمان در اسلام شناخته می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي» نشان دهنده نقش امید در زندگی انسان است. بدون امید هیچ کاری امکان‌پذیر نیست، این امید است که به انسان حرکت و انگیزه می‌دهد. در مکتب شیعه به علت عینیت قضیه‌ی مهدویت، ایمان و اعتقاد به حضور منجی چنان امیدی در دل انسان‌ها به وجود می‌آورد که منجر به تسلیم‌ناپذیری ملت و حرکت عظیم جامعه می‌شود که از جمله حرکت عظیم انقلاب اسلامی در ایران<sup>۱</sup> است. امید در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به چیزی اطلاق می‌شود که اشتیاق و انگیزه‌ی حرکت در انسان را ایجاد می‌کند. ملتی که امید به پیروزی نداشته باشد از حرکت و مبارزه در مقابل ظلم باز می‌ماند؛ بنابراین امید به فرج و برقراری عدالت و برچیده شدن ظلم، باعث تحرک و مبارزه‌ی ملت‌ها علیه دشمنان و حیات و نشاط ملت‌ها است.<sup>۲</sup> این اعتقاد که بنا نیست دنیا با ساختارها، قالب‌ها و نظامات استکباری فعلی باقی بماند، باعث ایجاد امید در ملت‌های محروم و مظلوم به رهایی از ظلم و ستم است. این امید به‌گونه‌ای است که در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین خود انتظار، فرج و راهگشا است.<sup>۳</sup> پس، از اولین لوازم ساخت تمدن، امید به تحقق آن است؛ زیرا تا امید

۱. خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸.

۲. همان، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸.

۳. همان، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸؛ ۱۳۸۲/۰۲/۲۰؛ ۱۳۶۱/۰۱/۲۴.

نباشد حرکتی برای ساختن آن صورت نخواهد گرفت. یکی از عوامل ایجاد امید در زمینه حرکت در مسیر تمدن سازی، در نظر گرفتن افق و چشم اندازی برای این تمدن است که از منظر مقام معظم رهبری، همان تفکر نجات است. اعتقاد به مهدی موعود- ارواحنفا فدا- امید را در دلها زنده می کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی شود؛ چرا؟ چون می داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد ... سعی می کند که خودش را به آن برساند.<sup>۱</sup>

امیدآفرینی علاوه بر اینکه عامل روحی و روانی جامعه اسلامی است؛ بلکه یک ضرورت اجتماعی به شمار می رود. امید پایه اصول اسلامی است و اعتقاد به مهدی موعود این امید را زنده می کند و باعث حرکت به سوی کمال است.

## ۲. ایجاد روحیه جهاد

جهاد یکی از پایه های اساسی برای شکل گیری و اعتلای تمدن اسلامی است. این مفهوم به معنای تلاش مستمر، خودسازی و مسئولیت پذیری است. جهاد، ابزاری برای رشد و تعالی انسانی است.

پس از عنصر امید، جهاد و تلاش لازمه دیگری در راستای دستیابی به تمدن اسلامی است؛ زیرا که سنت الهی در دنیا بر این امر تعلق گرفته است که «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و با کسالت و تنبلی نمی توان به مقصد رسید.<sup>۲</sup> در شرایط فعلی که رویارویی با اندیشه های متنوع فکری و درگیری بین حق و باطل تحت عنوان برخورد تمدن ها نمایان تر است؛ ضرورت طرح الگوی ایجاد روحیه جهادی برگرفته از اندیشه نجات، بیشتر به چشم است. تعارض موجود بین برخی از آموزه های حاصل از تمدن غرب با آموزه های برگرفته از متون اسلامی، دغدغه هایی را در میان برخی متفکران جامعه پدید آورده است. وعده الهی به

۱. همان، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵.

۲. نجم، ۳۹.

ظهور تمدن اسلامی و ادعای کامل بودن دین اسلام و داشتن ظرفیت عمیق برای هدایت و تربیت انسان، ضرورت مواجهه جهادی در فضای اندیشه و عمل را بیشتر می‌کند. خداوند بر آن است که سرنوشت قوم را به دست انسان‌ها و از طریق تغییر در خودشان رقم بزند. بر این اساس پیوند و رابطه‌ای بین محتوای درونی انسان‌ها و وضع و حال جامعه وجود دارد. جهاد در درون (جهاد اصغر) و جهاد در بیرون (جهاد اکبر) هر دو باید هماهنگ با هم پیش روند. این حرکت در مقابل سکون و سکوت قاعدین به پرورش مجاهدانی منجر می‌شود که ضمن بی تفاوت نبودن به دستاوردهای تمدن جدید با جدیت و بر اساس مسئولیت الهی خویش در راستای تحقق تمدن عظیم اسلامی که برگرفته از آمیزه‌های وحیانی است؛ اقدام کنند.<sup>۱</sup> دو بعد اصلی جهاد، جهاد درونی یا جهاد اکبر است که با مبارزه و خودسازی انسان آغاز می‌شود. این مبارزه لازمه مبارزه مهم‌تری در عرصه اجتماع است که انسان از سطح خود فراتر آمده و به سرنوشت اجتماع انسانی فکر می‌کند. اراده و اختیار انسان به همراه احساس مسئولیت و مقتضای اجتماع و محدودیت در منابع و امکانات، میدان نبردی دیگر برای انسان فراهم می‌کند. حضور در این میدان مجدداً زمینه تربیت رشد اجتماعی او را فراهم می‌کند که نکته حائز اهمیت توجه همزمان به این دو عرصه مهم زندگی فردی و اجتماعی انسان است و این توجه توأمان در مفهوم جهاد نهفته است. انسان جهادی، ظرفیت تمدن‌سازی را می‌یابد و می‌تواند هم در بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی و فراهم کردن علم، هنر و اخلاق و معنویات تمدن و هم در بخش سخت‌افزاری تمدن اسلامی و هم ساخت نظام‌های سیاسی، اقتصادی مؤثر باشد. چگونگی این فرایند تأثیرگذار و تأثیرپذیر در رابطه انسان و تمدن در نمودار زیر نشان داده شده است.<sup>۲</sup>

ایجاد روحیه جهاد، یک نیروی محرک در مسیر تحقق تمدن اسلامی عمل می‌کند. روحیه جهاد با تکیه بر اراده الهی می‌تواند در همه عرصه‌ها نقش آفرینی کند.

۱. خمینی، اهمیت جایگاه و عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت، ص ۳۷۰.

۲. رجیبی، بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی، ص ۴۶.

### ۳. افزایش حس آرمان گرایی

افزایش حس آرمان گرایی در جامعه اسلامی یک عنصر کلیدی برای اعتلای تمدن اسلامی است و به عنوان یک نیروی محرکه ای برای تغییرات مثبت در جامعه است و این حس باعث می شود انسان برای تحقق اهداف متعالی تلاش کند. یکی از شاخص های برتری یک فرهنگ و تمدن، آرمان گرایی و نگاه حداکثری به ایده آل های بشری است. از این نظر، دیگر ویژگی فرهنگ و تمدن جامعه عصر ظهور، آرمان گرایی آن است. آرمان گرایی جامعه مهدوی عصر ظهور به معنای چاره اندیشی برای دست یابی به آرزوهای بلند تاریخی است که بشر همواره تشنه آن بوده و تاکنون بدان دستی نیافته است. رویکرد اصلی حرکت تمدنی جامع عصر ظهور، تحقق آرزوها و ایده آل های دوردستی است که جامع بشری در طول تاریخ به انتظار آن نشسته است. تمدن مهدوی با نگاه حداکثری به اهداف و آرمان های بلند بشری، دستاوردهای شگرفی برای جامعه آینده بشری دارد.

در تمدن مبتنی بر اندیشه نجات، تمامی بهره مندی های مادی، معنوی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به صورت حداکثری و همگانی اندیشیده شده است. از این نظر، تمدن مهدوی، آرمانی ترین ایده ای است که تمامی ایده آل های متعالی انسان و آرزوهای سترگ بشری در آن تبلور یافته و راهکارهای تحقق آن در جامعه به خوبی تدبیر شده است. این ویژگی مهم و الهام بخش، انگیزه های آرمان خواهی را در وجود افراد جامعه زنده می کند و با تحول آفرینی در افکار و روحیات خسته بشر، امید و نشاط را در وجود آنان می انگیزد تا همه فرجه ها و تلاش ها به تحقق جامعه آرمانی معطوف گردد. در چنین فضایی، همگان، خود را در فرایند پیشرفت جامعه، مؤثر و در بهتر شدن آینده جهان، سهیم می دانند.<sup>۱</sup> تقویت حس آرمانگرایی نه تنها یک ضرورت

۱. صمدی، ویژگی های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه ساز، ص ۲۲۸.

دینی است؛ بلکه یک نیاز در جامعه اسلامی است که موجب می‌شود جوانان امید و انگیزه بیشتر به سوی تحقق ایده آل‌ها حرکت کنند.

#### ۴. وحدت آفرینی

تمدن اسلامی، به‌عنوان تمدنی جهانی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، زمانی می‌تواند به اوج شکوفایی خود برسد که مسلمانان با کنار گذاشتن اختلافات و تمرکز بر اشتراکات، به‌سوی همبستگی حرکت کنند. وحدت میان مسلمانان نه تنها یک اصل اخلاقی و دینی است، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شود. ساخت بنای عظیم تمدن اسلامی امری نیست که به‌وسیله یک یا چند فرد و یا حتی حکومت انجام شود. اخوت اسلامی یکی از شعارهای عمیق، اصیل، ریشه دار و مؤثر قرآنی است که بر اساس آن، مسلمانان از هر نژاد و رنگ و با هر زبان در اطراف و اکناف جهان، باید احساس عمیق برادری کنند.<sup>۱</sup> با توجه به نقش اعجاز‌آمیز اتحاد در بقای ملت‌ها و اعتلای تمدن‌ها، قرآن کریم با اهتمام ویژه نسبت به مسئله اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه، مبذول داشته است.<sup>۲</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر غم گسترده‌ی زمینه‌های اختلاف در صدر اسلام، با تدبیر و درایت خاص، توانست اتحاد نیرومندی را در مدینه ایجاد نماید.<sup>۳</sup>

در قرآن کریم آیات مختلفی را می‌توان یافت که خداوند انسان‌ها را به اتحاد و وحدت دعوت کرده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

خداوند متعال می‌فرماید: و همگی به ریسمان خدا [یعنی: قرآن، اسلام و هرگونه وسیله وحدت] چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد

۱. حجرات، ۱۰.

۲. آل عمران، ۱۰۳.

۳. جان دیون پرت، ص ۷۷.

و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خداوند متعال شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد تا شاید پذیرای هدایت شوید.<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین شعارهای اسلامی که قرآن بیان می‌کند، اخوت اسلامی، یعنی همان روح برادری و اتحاد است که باید در جامعه اسلامی حاکم باشد. از همین رو، خداوند می‌فرماید: مؤمنان برادر یکدیگرند. پس بین دو برادر خود صلح و آشتی دهید.<sup>۲</sup>

محقق شدن این آرمان بدون شک نیازمند عنایت ویژه خداوند عالم است و نزول حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه خواهد بود که با نفوذ این تفکر در ابعاد گوناگون بشری، اعتلای تمدن نوین اسلامی محقق خواهد شد.<sup>۳</sup>

وحدت‌آفرینی یکی از اساسی‌ترین عوامل در مسیر اعتلای تمدن اسلامی است. این امر موجب تقویت قدرت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان می‌شود و آنان را قادر می‌سازد تا با چالش‌های عصر حاضر مقابله کنند. وحدت نه تنها یک وظیفه دینی بلکه یک ضرورت حیاتی برای پیشرفت جوامع اسلامی است؛ بنابراین، تقویت روحیه همبستگی و تمرکز بر اشتراکات میان مسلمانان می‌تواند کلید دستیابی به تمدنی باشد که بر پایه عدالت، معنویت و پیشرفت بنا شده است.

۱. آل عمران، ۱۰۳.

۲. حجرات، ۱۰.

۳. آل عمران، ۱۰۳.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه نجات، نقش بسزایی در اعتلا و پیشرفت تمدن اسلامی ایفا می‌کند. این اندیشه با ایجاد امید، تقویت روحیه جهادی، افزایش حس آرمان‌گرایی و ایجاد وحدت در جوامع اسلامی، زمینه را برای رشد و شکوفایی تمدن اسلامی فراهم می‌آورد. همچنین، اندیشه نجات با ترسیم آینده‌ای عادلانه و روشن، انگیزه لازم برای نوآوری و تلاش مضاعف را در میان مسلمانان ایجاد می‌کند. این مطالعه تأکید می‌کند که درک عمیق‌تر از نقش اندیشه نجات می‌تواند به عنوان محرکی قوی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی عمل کند و مسیر پیشرفت و توسعه جوامع اسلامی را هموار سازد؛ بنابراین، توجه به این مفهوم و گسترش آن در سطوح مختلف جامعه می‌تواند راهگشای حل بسیاری از چالش‌های کنونی جهان اسلام باشد و زمینه‌ساز تحولات مثبت در آینده شود.

## منابع

قرآن کریم

۱. الویری، محسن، اندیشه و تمدن نوین اسلامی، فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود، ش ۴۲ مهر ۱۳۹۲
۳. بیات، علی، بایسته های دوره بندی تمدن اسلامی، نقد و نظر ۷۴ سال ۱۳۹۳
۴. جباری، حسینعلی، بررسی اندیشه نجات و موعودباوری در ادیان، مطالعات مهدوی، سال دهم، ش ۴۶، زمستان ۱۳۸۹
۵. جعفریان، رسول، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ش ۱۰۸-۱۰۷، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵
۶. حسینی، سامیه، بررسی مفهوم نجات در قرآن و عهد جدید، فصلنامه جستارهای علمی طلبگی، ش ۳۶-۳۵، زمستان ۱۳۹۴ و بهار ۱۳۹۵
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری، برگرفته از سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۸. دهخدا، علی اکبر، تالیف: محمد معین، جلد ۱۵، دی ماه سال ۱۳۳۴.
۹. دورانت، ویلیام جمیز، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۷۶.
۱۰. داوونپورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلام رضا سعیدی، سال ۱۸۶۹، لندن، اولین ترجمه در ایران، ۱۳۳۴ شمسی، تهران.
۱۱. رجبی، طاهره، بررسی الگوی تربیتی مبتنی برجهاد درزمینه سازی تمدن نوین اسلامی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۲. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصرامویان، تهران: نورالثقلین، سال ۱۳۸۵.
۱۳. سرائی، علی، بشارت به منجی موعود، ناشر: موعود عصر (عجل الله)، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

۱۴. سجادی، زهرا، **بازخوانی ادوار تمدن اسلامی**، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، ۱۳۹۶.
۱۵. صافی، لطف‌الله، **منتخب الاثر**، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، سال ۱۴۱۹.
۱۶. صمدی، قنبرعلی، **گفتمان مهدویت و آینده بشر**، انتشارات کتاب جمکران، ۱۳۹۴.
۱۷. طالب، حسن، **نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام**، علمی - ترویجی، ش ۱۰ و ۱۱، ۱۳۸۳.
۱۸. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۱۹. عرفان، امیرمحسن، **رسانه و آموزه مهدویت**، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۴.
۲۰. قندوزی حنفی، سلیمان، **ینایع الموده**: ج ۲، چاپ سوم: دارالکتاب، ۱۴۰۴.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، چاپ سوم، ناشر: دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴.
۲۲. رحیم، کارگر، **جستارهایی در مهدویت**، چاپ اول، قم: معراج، ۱۳۸۶.
۲۳. گودرزی، غلامرضا، **تصمیم‌گیری راهبردی موعود گرا**، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۴. گودرزی، غلامرضا، **افق جهانی**، مدل مدیریت راهبردی موعود گرا، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۵. لاروس، جُر خلیل، **لغتنامه**، چاپ هجدهم، جلد اول، تهران، ۱۳۸۷.
۲۶. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، ج ۳، ۱۳۹۰.
۲۷. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ**، تهران، ۱۳۷۴.
۲۸. نوین، حسین، **نظریه توسعه انسانی و دکترین مهدویت**، مجموعه مقالات چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، جلد ۲، ۱۳۸۷.

۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران،

۱۳۹۷ ق.

۳۰. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز چاپ.

## کارویژه‌های بُعد ایده‌ای نظام سیاسی مهدوی

ابوالحسن قاسم فام<sup>۱</sup>

### چکیده

دوران ظهور، دوران تجلی حکومت حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْوِيلَهُ و برقراری عدل و داد در سرتاسر عالم است. لازمه چنین حکومتی، وجود یک نظام سیاسی قوی و محکمی است که از همه جهات و ابعاد، سرآمد بوده باشد تا بتواند از عهده این کار برآید. بنابر داده‌های روایی و نیز تأیید عقل، نظام سیاسی مهدوی، از این قوت و جامعیت برخوردار است و بر این اساس، از نظر بُعد ایده‌ای هم مبتنی بر یک سری بنیان‌های ایده‌ای است که کارویژه‌های متعددی همچون ایفای نقش در شکل‌گیری و تأسیس دولت، معین ساختن فعالیت‌ها و اهداف دولت مهدوی، ایجاد و حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی، تعیین بخشی به سایر ارکان نظام سیاسی، تأثیرگذاری بر موانع و امکانات، معضل‌گشایی، بن بست شکنی و افق‌گشایی را دارا است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بیان این کارویژه‌ها پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** مهدویت، نظام سیاسی مهدوی، کارویژه، بُعد ایده‌ای.

حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در دوران ظهور، به حکم عقل و نقل، حکومتی مقتدر و منظم خواهد بود و آثار این نظم و اقتدار، در تمامی نظام‌های حکومت ایشان بروز و ظهور خواهد داشت. یکی از نظام‌های حکومت مهدوی، نظام سیاسی است که از ابعاد و زوایای مختلف قابل بررسی است که بُعد ساختاری و رفتاری از جمله آن ابعاد است. بُعد دیگری که در این جا مهم بوده و بُعدی زیربنایی به حساب می‌آید، بُعد ایده‌ای است که از مقوله نظر است. نظام سیاسی مهدوی از این زاویه، از کارویژه‌های متعددی برخوردار است. در این باب، بر حسب تتبع نگارنده، نوشتاری مستقل یافت نشده است که بخواهد با رنگ مهدوی به این بحث بپردازد؛ گرچه به طور عام، پژوهش‌هایی انجام شده است مانند:

۱. کتاب «درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی» (۱۳۸۶ ش) نوشته نجف لک زایی که در فصل پنجم آن، اهداف و کارویژه‌های نظام سیاسی اسلام از دیدگاه قرآن و امام خمینی مورد بحث قرار گرفته است. در این کتاب گفته شده است: نظام سیاسی اسلامی در برخی کارویژه‌ها با دیگر نظام‌های سیاسی اشتراک دارد از قبیل تأمین امنیت، رفاه، نظم، بهداشت، گسترش تعلیم و تربیت و سایر امور مربوط به زندگی دنیوی؛ اما تفاوت آنجا است که نظام اسلامی موظف است زمینه‌های عبادت را فراهم کند.

۲. مقاله «نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت از منظر آیت الله جوادی آملی» (۱۳۸۹ ش) نوشته علی مجتبی زاده که در بخشی از این مقاله، رشد فرهنگی، اقتصادی، فرایند صحیح صنعتی و رشد حقوق داخلی و بین‌المللی از مهم‌ترین کارویژه‌های نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف دانسته شده است.

۳. مقاله «بررسی تشابهات کارویژه‌های حکومت موعود در اندیشه شیعه و یهود» (۱۳۹۰ ش) نوشته سعیده معین نجف‌آبادی که در این پژوهش، به کارویژه‌های اصلی هر حکومت که

عبارت‌اند از کارویژه‌های فرآیندی، سیستمی و ساختاری؛ پرداخته‌شده و در ضمن، مقایسه و تطبیق بین دو مکتب شیعه و یهود در این زمینه انجام یافته است.

۴. مقاله «کارویژه‌های نظام سیاسی و نقش آن‌ها در تغییر سبک زندگی» (۱۳۹۲ ش) نوشته شجاع احمدوند که در آن، از نقش چهار کارویژه نیل به اهداف، حفظ همبستگی، انطباق با محیط و حلّ منازعات در تغییر سبک زندگی سخن به میان رفته است.

۵. مقاله «کارویژه‌های نظام سیاسی اسلام در اندیشه سیاسی علامه طباطبایی» (۱۳۹۶ ش) نوشته مسعود پورفرد که در آن، کارکرد نظام سیاسی از منظر علامه طباطبایی در سه محور نهاد رهبری و مرکز تصمیم‌گیری نظام سیاسی، سپس دامنه و قلمرو قدرت در بخش حوزه عمومی و خصوصی و سرانجام شیوه و جهت جریان قدرت در نظام سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. چنان‌که ملاحظه می‌شود در هیچ‌کدام از منابع یاد شده - به جز منبع سوم - کارویژه‌های بُعد ایده‌ای و آن هم محدود به نظام سیاسی مهدوی مورد بحث قرار نگرفته است و تنها در منبع سوم، به‌طور کلی به برخی از کارویژه‌های حکومت موعود پرداخته شده است؛ لذا جنبه نوآوری نوشتار حاضر، ناظر به بُعد ایده‌ای در قالب نظام سیاسی مهدوی است.

ضرورت و اهمیت این پژوهش در آن است که با آگاه شدن از این کارویژه‌ها، بهتر می‌توان دوران پرشکوه ظهور را تبیین کرد و در سایه آن، بهتر می‌توان شباهت و سؤالات در این باره را پاسخ داد. برای این منظور، مفهوم‌شناسی واژگان «کارویژه»، «بعد ایده‌ای» و «نظام سیاسی مهدوی» ما را بهتر به مقصود می‌رساند.

### ۱. کارویژه

مراد از کارویژه، کارکردن و عملکرد است که معادل Function در زبان انگلیسی است.<sup>۱</sup> در تحلیل کارویژه‌های یک نظام مانند نظام سیاسی می‌توان گفت: «نظام سیاسی، مجموعه‌ای به هم پیوسته از فعالیت‌های سیاسی تلقی می‌شود که هر کدام به تنهایی بخشی از نظام سیاسی را تشکیل داده، نهادها و گروه‌های معینی را شامل می‌شود. این ویژگی سیستم سیاسی را «عناصر ساختاری» یا به طور کلی «ساختار نظام سیاسی» می‌نامند. در مقابل، نوع روابط تعریف‌شده بین ساختارهای موجود در درون نظام سیاسی را، کارکردهای همان ساختارها یا به طور خلاصه، «کارویژه‌های نظام سیاسی» می‌نامند.<sup>۲</sup>

### ۲. بُعد ایده‌ای

ایده، موتور محرک دانش در دنیای امروز بوده و مهم‌ترین دستاوردهای علمی بشر بر پایه این مفهوم استوار است.<sup>۳</sup> داشتن ایده اولین گام برای شروع هر کاری است و به طور معمول، همه ما در طول روز بدون این که آگاه باشیم در حال ایده‌پردازی برای حل مسائل و مشکلات خود هستیم؛ مثل وقتی که فرد برای صرفه‌جویی در هزینه بنزین از دوچرخه استفاده می‌کند. مفهوم ایده می‌تواند به همین سادگی بوده و یا شامل یک اختراع کاملاً نوآورانه باشد. نکته مشترک در تمام ایده‌پردازی‌ها، حل مشکل با راه‌حلی خلاقانه است. اولین محرک ایده، احساس نیاز بشر است. این روند از ابتدای حیات و تمدن بشری شروع شده و تا همیشه ادامه دارد. ایده می‌تواند شامل یک مفهوم جدید (مانند اختراع چرخ) یا ترکیب مفاهیم از قبل شناخته‌شده (مثل روشن کردن آتش) باشد. البته این نوع نگاه به ایده، نگاهی درون‌زا نگر به این مفهوم است؛ زیرا دو نوع

۱. دلاوری، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ص ۱۵۰.

۲. مجتبی زاده، نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت از منظر آیت‌الله جوادی آملی، ص ۳۸.

۳. فخاری، تحلیل مفهومی ایده، ص ۶۵.

نگاه به مفهوم ایده وجود دارد: نگاه برون‌زا نگر و نگاه درون‌زا نگر. در نگاه اول، ایده مترادف با مفهوم باور بوده و انسان با این وضعیت مواجه می‌شود که ایده‌ها از پیش وجود دارند. درست مانند تعریف خردگرایان از منافع که آن‌ها را امری برون‌زا و از پیش داده‌شده در نظر می‌گیرند. در این وضعیت انسان به عنوان یک کنش‌گر فعال و برسازنده‌ی معنا نقشی در ایجاد ایده نخواهد داشت. برخی برای این‌که بتوانند از ایده‌ها برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی استفاده کنند، از دیدگاه دوم بهره می‌گیرند؛ دیدگاهی که ایده را علاوه بر این‌که امری ذهنی می‌داند، امری برساخته‌ی انسانی در نظر می‌گیرد. طبق این نگاه، ایده امری درون‌زا خواهد بود؛ به این معنا که انسان ایده را بر حسب ضرورت و متناسب با تحولات و تغییرات محیطی که در آن قرار دارد و در حال تعامل با آن است، بر می‌سازد؛ بنابراین ایده برای تأثیرگذاری بر پدیده‌های جهان اجتماعی، معنایی را در خود حمل می‌کند که همان قصد و نیت برای انجام کنش انسانی است. بر این اساس ایده می‌تواند زمینه‌ساز کنش انسان در جهان بیرون از ذهن باشد.<sup>۱</sup> نگاه مورد نظر نسبت به ایده در این نوشتار، جامع هر دو نگاه است.

هر نظام سیاسی مبتنی بر یک‌سری بنیان‌های نظری (ایده‌ای) است که در حکم علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تأسیس دولت به شمار می‌روند و ریشه در باورها، ارزش‌های بنیادین، آرمان‌ها، منافع، ایدئولوژی، فرهنگ سیاسی و... مردم دارند، به‌گونه‌ای که تعبیر و تفسیر سیاست ملی و بین‌المللی با آرمان‌ها، ارزش‌ها و تمایلات آمیخته است.<sup>۲</sup> در واقع، بُعد ایده‌ای که از آن به «ایدئولوژی»، «قواعد تشکیل‌دهنده حاکمیت»، «هویت ملی»<sup>۳</sup> و «بُعد ذهنی» هم یاد می‌شود، در بردارنده ایده حاکمیت، تئوری‌ها و سازوکارهای نظری اداره جامعه توسط نظام حاکم و مبنای

۱. آهار و سلیمی، تحلیل پدیده‌های اجتماعی بر مبنای ایده، ص ۹-۱۰.

۲. قیصری و قربانی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، ص ۱۳۶.

۳. همان.

شکل‌گیری نهادها و تبیین رابطه حکومت با جامعه است. به تعبیر دیگر ذهنیت مردم برای ارزیابی حاکمیت بر این مباحث استوار می‌شود.<sup>۴</sup>

### ۳. نظام سیاسی مهدوی

از آنجاکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از امامان دین مبین اسلام است و امام به معنای مفسر و مبین احکام و معارف دین است؛ پس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آئینه تمام‌نمای اسلام است؛ لذا نظام سیاسی مهدوی، مصداق تامّ و کامل نظام سیاسی اسلام (به معنای کاملش) یا نظام سیاسی امامت خواهد بود. الگوی نظام سیاسی اسلام را در عرصه عمل می‌توان در دو سرفصل تبیین نمود: ۱. تأکید ویژه بر پیاده‌سازی قوانین و احکام الهی در جامعه به صورت تمام‌وکمال که همان برنامه کامل و اصیل زندگی سعادت‌مندان و ضامن تحقق هدف آفرینش انسان است و نفی اجرای قانون غیرالهی یا مغایر با دستورات خداوند متعال. ۲. تعیین شخص حاکم به عنوان خلیفه و جانشین خداوند تبارک و تعالی که تعیین این جانشینی و خلافت صرفاً باید از ناحیه خداوند صورت بگیرد که در غیر این صورت مشروعیتی ندارد. وظیفه حاکم مذکور نیز، پیاده‌کردن دستورات الهی و قوانین او در عرصه زندگی فردی و اجتماعی جامعه و صیانت از محتوای دین و احکام الهی از تغییر و تبدیل و تحریف‌ها و بدعت‌های مختلف است.<sup>۵</sup>

طبق نقل برخی منابع، نظام سیاسی اسلام، نظامی است که مبتنی بر پنج اصل باشد: ۱. توحید و خدامحوری. ۲. قانون و قانون‌گذاری. ۳. نگرش خاص به انسان و توانمندی‌های سرشت او. ۴. نگرش ابزاری به حکومت و تشکیلات سیاسی و نه به عنوان یک ارزش و هدف انسانی. ۵.

۴. ره پیک و زمانی، امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ ابعاد، شاخص‌ها و راه‌کارها، ص ۱۴.

۵. حجت خواه و شکوه، واکاوی نسبت جایگاه شورای نگهبان با ولایت فقیه در پرتو نظریه سیاسی اسلام، ص ۱۰۹.

اقتدار و توانمندی.<sup>۱</sup> برخی دیگر، اصول نظام سیاسی اسلام را عبارت از پنج اصل کرامت انسانی، قانون مداری، شایسته‌سالاری، اصالت خدمت و فراگیری دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

## کارویژه‌های بُعد ایده‌ای نظام سیاسی مهدوی

بُعد ایده‌ای نظام سیاسی مهدوی کارویژه‌های متعددی دارد؛ از جمله:

### ۱. ایفای نقش در شکل‌گیری و تأسیس دولت

بنیان‌های نظری در حکم علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تأسیس دولت به شمار می‌روند و ریشه در باورها، ارزش‌های بنیادین، آرمان‌ها، منافع، ایدئولوژی، فرهنگ سیاسی و... مردم آن دارند به گونه‌ای که تعبیر و تفسیر سیاست ملی و بین‌المللی با آرمان‌ها، ارزش‌ها و تمایلات آمیخته است.<sup>۳</sup> به عنوان مثال، حکومتی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه تأسیس کرد، برگرفته از تعالیم دینی و معارف اسلامی بود که با کشیدن خط بطلان بر فرهنگ جاهلی، ارزش مداری را در جامعه حاکم کرد.

زیربنایی‌ترین اصل اعتقادی اسلام، اصل توحید است که سایر اصول اعتقادی نیز از آن سرچشمه می‌گیرند. همین اصل بنیادی، اساس و زیربنای نظریه سیاسی اسلام است. بر پایه همین اصل بنیادی، حاکمیت فقط از آن خداوند است و اِعمال آن توسط هر شخص انسانی در هر عصری، آن‌گاه مشروع و مجاز می‌شود که متکی بر اجازه خداوند باشد؛ لذا مشروعیت حاکمیت سیاسی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم: فقط با اجازه خداوند پدید می‌آید و جز این راهی برای مشروعیت حکومت یافت نمی‌شود. افزون بر این، در نظریه سیاسی اسلام، مبنا و محور هر گونه قانون‌گذاری خداوند است و احکام و قوانین صادر شده از سوی هر عنصر انسانی حتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در صورتی مشروع و مطاع هستند که متکی بر اذن خداوند باشند.

۱. حاجی صادقی، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، ص ۱۰۷-۱۶۵.

۲. نصرتی، نظام سیاسی اسلام، ص ۱۶۶-۱۷۴.

۳. همان.

نظام سیاسی مهدوی هم با تکیه بر همین اصل مهم شکل خواهد گرفت و این اصل اساسی را در سرتاسر جهان گسترش خواهد داد به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام در تفسیر و تطبیق آیه شریفه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً»<sup>۱</sup> می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»<sup>۲</sup>؛ هرگاه قائم قیام کند، زمینی باقی نخواهد ماند مگر این که در آن ندا داده می‌شود به شهادت بر یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

## ۲. معین ساختن فعالیت‌ها و اهداف دولت مهدوی

بنیان‌های ایده‌ای، فعالیت‌های دولت‌ها را معین کرده و به آن‌ها جهت می‌دهند و نیز اهداف ابتدایی، میانی و پایانی دولت‌ها را ترسیم می‌کنند؛ بدین معنا که ایده حاکمیت، عمل سیاسی دولت را به نوعی تعیین و هدایت می‌کند یا به آن الهام می‌بخشد.<sup>۳</sup> بر این اساس، کارگزاران طبق برنامه مشخص عمل می‌کنند و دچار تحیر و سرگردانی نمی‌شوند.

همان‌گونه که توحید و ارزش‌های ناب اسلامی، زیربنای تأسیس دولت مهدوی است؛ مشخص‌کننده فعالیت‌ها و اهداف آن نیز است، یعنی در همه آن‌ها، ایده و فکر توحیدی و دینی خودنمایی می‌کند. طبق روایات، آن حضرت، «بِملک سبعا أو تسعا فیماً الارض قسطاً و عدلاً»<sup>۴</sup>؛ هفت یا نه سال بر روی زمین حکومت می‌کند و زمین را بر از عدل و داد می‌نماید و در حکومت عدل او امنیت برقرار می‌شود: «إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجاً وَ مَرْجاً وَ تَطَّاهَرَتِ الْفِتَنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيراً وَ لَا صَغِيرَ يُؤَقِّرُ كَبِيراً فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَّتَنَا»<sup>۵</sup>؛ هر گاه دنیا پر از هرج و مرج شود و فتنه‌ها پی در پی فرود آیند و راه‌ها بسته شوند و

۱. آل عمران: ۸۳.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، باب ۲۷، ح ۸۹.

۳. قیصری و قربانی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، ص ۱۳۶.

۴. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۱۹۶، فصل ۲، باب ۱.

۵. خزاز رازی، کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر، ص ۶۳.

مردم اموال یکدیگر را غارت برند، پس هیچ بزرگی به کوچک رحم نمی‌کند و هیچ کوچکی به بزرگتر احترام نمی‌گذارد. در این حال خداوند، مهدی ما را برمی‌انگیزاند. حضرت در آن دوران به مؤمنان عزت می‌بخشد و دشمنانشان را خوار می‌سازد: «يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ»<sup>۱</sup> به آبادانی بلاد می‌پردازد تا حدی که «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ»<sup>۲</sup> هیچ زمین ناآبادی باقی نمی‌ماند جز این که آباد می‌شود و به یمن وجودش «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ... عَلِمًا بَعْدَ جَهْلِهَا»<sup>۳</sup> خداوند به وسیله او زمین را بعد از جهالت پر از دانش می‌کند. در پرتو انتشار علم، کتاب و سنت فراموش شده احیا می‌شود: «... وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»<sup>۴</sup> و امام عصر عجل الله فرجه «يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»<sup>۵</sup>؛ مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل می‌کند. همان طور که پیامبر امر جاهلیت را نابود ساخت، حضرت نیز جاهلیت پیش از خود را نابود خواهد کرد و اسلام را از سر خواهد گرفت. همه این اقدامات و اهداف، نشأت گرفته از ایده‌های متعالی اسلام ناب است.

### ۳. ایجاد و حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی

نظام ایده‌ای موجب ایجاد و حفظ وحدت و همبستگی در تمامی سطوح جامعه اعم از کارگزاران و شهروندان می‌شود؛ چون هر شخصی طبق مبانی فکری و عقیدتی سخن گفته و رفتار می‌نماید. البته منظور این نیست که هیچ اختلاف و نزاعی به وجود نمی‌آید؛ بلکه مراد این است که نظام ایده‌ای این قابلیت را دارد که موجب حفظ انسجام شود؛ اما این که در مقام عمل و فعلیت، افراد به چه میزان از مبانی فکری بهره می‌گیرند، بحث دیگری است.

۱. طوسی، الغيبة، ص ۱۸۴.

۲. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

۳. همان، ص ۲۶۰، باب ۲۴، ح ۵.

۴. شریف الرضی، نهج البلاغة، ص ۱۹۶، خطبه ۱۳۸.

۵. نعمانی، الغيبة، ص ۲۳۱، باب ۱۳، ح ۱۳.

هر نظام اجتماعی برای پایداری و پویایی خود نیازمند فضایی آرام و به دور از هر گونه تضاد و تنش است تا بتواند به اهداف خود دست یابد. این مهم نیازمند زمینه‌هایی است که بدون آن‌ها پیشرفت غیرممکن است. یکی از این زمینه‌ها وجود وفاق ملی و همبستگی اجتماعی در سطح جامعه است. از این رو امروزه همه نظام‌های سیاسی جهان با درک درست از این واقعیت به دنبال تحقق و تثبیت همگرایی در جوامع خود هستند.

دولت و جامعه مهدوی در این فضیلت نیز سرآمد جوامع انسانی است و یکی از راهبردهای امام‌زمان علیه السلام پس از ظهور، ایجاد همبستگی اجتماعی در بین جوامع بشری است و برای رسیدن به این وفاق، شیوه‌ها و راهکارهایی را به کار خواهد برد که می‌تواند الگویی شایسته برای جوامعی باشد که می‌خواهند از جامعه و ملتی همگرا برخوردار باشند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به وسیله او بین دل‌های پراکنده و مخالف یکدیگر ائتلاف می‌بخشد»<sup>۲</sup> در برخی زیارات آمده است: «السَّلَامُ عَلَى الْمُتَهْدِي الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ»<sup>۳</sup>؛ سلام بر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف که خداوند وعده داده است که به وسیله او همبستگی به وجود آورده و پراکندگی را برطرف کند. قریب به این مضمون در دعای افتتاح نیز آمده است: «اللَّهُمَّ ائْتِم بِهِ شَعَثَنَا وَ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا»<sup>۴</sup>؛ خدایا به واسطه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پراکندگی ما را به همبستگی مبدل کن و از هم‌گسیختگی ما را التیام بخش.

#### ۴. تعیین بخشی به سایر ارکان نظام سیاسی

بنیان‌های نظری به ساختارها، کارگزاران و رفتارها تعیین می‌بخشند؛ یعنی در مورد ساختار یک نظام سیاسی، مثلاً مشخص می‌کنند که این ساختار باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و مرکب از

۱. مریجی و دیگران، تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی در جامعه مهدوی، ص ۵۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۱۴، بَابُ الْإِشَارَةِ وَالنَّصِي عَلَى أَبِي الْخَسَنِ الرِّضَا، ح ۱۴. «يُصْلِحُ بِهِ ذَاتَ الْبَيْنِ وَ يَلْمُ بِهِ الشَّعْثَ».

۳. شمس‌الدین، المزار، ص ۲۰۹.

۴. کفعمی، المصباح، ص ۵۸۱.

چه اجزایی باشد یا درباره کارگزاران، تعداد کارگزاران و ویژگی‌های آنان را ترسیم می‌کند و نیز در مورد رفتارها، مشخص می‌کنند که چه رفتارهایی برای اجرا مناسب هستند و با افراد مختلف جامعه در سطوح مختلف چگونه باید رفتار کرد و مسائلی از این قبیل.

در دعای افتتاح آمده است: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا الْبَغْيَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»<sup>۱</sup> خدایا به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را به آن عزیز گردانی و نفاق و اهلش را به وسیله آن خوار سازی و ما را در آن دولت، از دعوت‌کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن، روزی مان فرمایی.

ویژگی‌هایی که برای دولت مهدوی در این فراز دعا ترسیم شده است، برگرفته از بنیان‌های نظری نظام سیاسی مهدوی است که این تعیین و تشخیص را به ساختار این نظام بخشیده است. کارگزاران این نظام نیز بر پایه ساحت ایده‌ای آن، باید افراد شاخص و ممتازی باشند؛ چراکه کارگزار حکومتی هستند که در رأس آن امام معصوم است و قلمرو آن جهانی بوده و مطلوب نهایی همه انبیا و اولیا است؛ لذا طبق روایات، وزیر این حکومت، شخصی مانند حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام<sup>۲</sup> و کارگزاران آن، چهره‌های درخشان تاریخ مانند اصحاب کهف، مؤمن آل فرعون، یوشع، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد، مالک اشتر و... است.<sup>۳</sup> ویژگی‌های این کارگزاران هم از تشخیص

۱. همان.

۲. بحرانی، حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، ج ۶، ص ۳۰۷، باب ۳۳، ح ۰۳. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «و هو الوزير الامين للقائم عَلَيْهِ السَّلَام و حاجبه و نائبه»؛ و او (حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام) وزیر دست راست قائم عَلَيْهِ السَّلَام و دربان و نائب اوست.

۳. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكِعْبَةِ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يُعْدِلُونَ وَ سَبْعَةَ مِنْ أَصْحَابِ الْكِهْفِ وَ يَوْشَعَ وَصِيَّ مُوسَى وَ مُؤْمِنَ آلِ فِرْعَوْنَ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَ أَبَا دَجَانَةَ الْأَنْصَارِيَّ وَ مَالِكَ الْأَشْطَرَّ»؛ هرگاه قائم آل محمد ظهور کند، بیست و هفت مرد از پشت کعبه خارج خواهد کرد؛ که این‌ها پانزده نفر از قوم موسی (که به سوی حق هدایت می‌کنند و با آن، عدالت را اجرا می‌کنند) و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع وصی موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک اشتر هستند. طبری آملی صغیر، دلائل الامامة، صص ۴۶۳ و ۴۶۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام مِنْ ظَهْرِ هَذَا الْبَيْتِ، بَعَثَ اللَّهُ مَعَهُ سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ

برخوردار است؛ لذا در روایات داریم که اصحاب خاص حضرت راهبان شب و شیران روزند<sup>۱</sup> قلوبشان محکم‌تر از پاره‌های آهن است و هر کدام از آن‌ها دارای نیروی چهل مرد هستند.<sup>۲</sup> با توجه به مطالب یاد شده، تعیین و تشخیص در ساحت رفتار نیز معلوم می‌شود. نظامی که ایده و فکر آن توحیدی است؛ در بُعد اجرا و رفتار هم نمود توحیدی خود را آشکار می‌کند؛ لذا در روایات می‌خوانیم که آن حضرت به مقتضای آیه شریفه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»<sup>۳</sup> از دشمنان الهی انتقام خواهد گرفت<sup>۴</sup> و زمین را از شرک و کفر پاک‌سازی خواهد کرد<sup>۵</sup> و از سوی دیگر نسبت به مؤمنان بخشنده و نسبت به مساکین مهربان خواهد بود.<sup>۶</sup> کارگزاران حضرت نیز طوری فرامین امام را به منصفه اجرا می‌گذارند که رضایت عمومی را به دنبال خواهد داشت به گونه‌ای که «بِرِضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوِّ»<sup>۷</sup> در روزهای خلافتش، اهل زمین و آسمان و پرندگان هوا خشنود خواهند شد.

رَجُلًا، مِنْهُمْ أَرْبَعَةٌ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ هُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدُّونَ، وَ أَصْحَابُ الْكَهْفِ ثَمَانِيَةٌ وَ الْمَقْدَادُ وَ جَابِرُ الْأَنْصَارِيِّ وَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ يُوْسَعُ بْنُ نُونٍ وَ صِصَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ هرگاه قائم آل محمد از پشت خانه کعبه ظهور کند، خداوند بیست‌وهفت مرد را با او مبعوث می‌کند؛ که این‌ها چهارده نفر از قوم موسی (و آن‌ها کسانی هستند که خداوند متعال در موردشان فرمود: و از قوم موسی امتی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و با آن، عدالت را اجرا می‌کنند) و هشت نفر اصحاب کهف و مقداد و جابر انصاری و مؤمن آل فرعون و یوشع بن نون و صیصی موسی هستند.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، باب ۲۶، ح ۸۲. امام صادق ۷: «رَجُلًا لَا يَتَأَمُونَ اللَّيْلَ... رُهْبَانًا بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ».

۲. ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳، باب ۵۸ (باب فی نوادر الکتاب)، ح ۲۷. امام صادق ۷: «إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لِيُغْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ».

۳. فتح: ۲۹.

۴. طبری املی صغیر، دلائل الامامة، ص ۴۵۲. امام باقر ۷: «فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَدْلِكَ الْقَائِمُ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ»؛ پس خداوند به ملائکه فرمود: به دست قائم ۷ قاتلان امام حسین ۷ انتقام خواهیم گرفت.

۵. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۵۹، فصل ۲، باب ۳۴. امام باقر ۷: «لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ (۳۹ انفال) إِذَا جَاءَ تَأْوِيلُهَا يُقْتَلُ الْمُشْرِكُونَ حَتَّى يُوْحِدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شَرِكُ وَ ذَلِكَ فِي قِيَامِ قَائِمِنَا»؛ تأویل آیه ۳۹ انفال هنوز نیامده، پس هرگاه تأویل آیه بیاید، مشرکان کشته می‌شوند تا زمانی که موحد به خدای یکتا شوند و بساط شرک برچیده شود، و این امر در قیام قائم ما محقق می‌شود.

۶. همان، ص ۲۸۴، فصل ۲، باب ۴۵. «عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيدًا عَلَى الْعُمَالِ جَوَادًا بِالْمَالِ رَحِيمًا بِالْمَسَاكِينِ»؛ از نشانه‌های مهدی است: سخت‌گیری در برخورد با کارگزاران، بخشندگی مال، مهربانی و رحمت با تهیدستان.

۷. اربلی، كشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۴۶۹.

## ۵. تأثیرگذاری بر موانع و امکانات

این کارویژه به این معناست که پاره‌ای از نظام‌های ایده‌ای با مشروع یا نامشروع قلمداد کردن برخی ابزارها، در استخدام یا عدم استخدام آن‌ها تأثیر می‌گذارند و بدین ترتیب بر میزان (کم یا زیاد شدن) امکانات و موانع در فرایند حرکت به سوی تحقق اهداف تأثیر می‌گذارند.<sup>۱</sup> به‌طور طبیعی نظام سیاسی مهدوی که بر پایه ارزش‌های ناب اسلامی پی‌ریزی خواهد شد، از ابزار و امکانات نامشروع اجتناب کرده و اصولاً نیازی به استفاده از آن‌ها نخواهد داشت؛ زیرا استفاده از چنین ابزارها و امکاناتی ناشی از جهل و ضعف بوده که ساحت پاک حکومت مهدوی از آن منزّه است. در مقابل، خداوند متعال همه زمین و آسمان را بسیج خواهد کرد<sup>۲</sup> تا دولت مهدوی به بهترین شکل ممکن در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... کارآمدی خود را به عرصه اجرا بگذارد.<sup>۳</sup>

## ۶. معضل گشایی

نظام‌های سیاسی همواره از یک سواز جانب ایده‌های رقیب و از سوی دیگر با توجه به پیچیدگی‌های محیط و انتظارات جدید شهروندان با مسائل، شبهات و چالش‌هایی مواجه می‌شوند که می‌توان از آن‌ها تعبیر به معضل کرد.<sup>۴</sup> وجود معضلات پیش‌بینی شده یا نشده در هر جامعه و کشوری امری اجتناب‌ناپذیر است و هر جامعه‌ای باتکیه بر نظام ایده‌ای، متناسب با فرهنگ، آداب و باورهای خود برای برخورد با معضلات، راه‌حل‌هایی پیش‌بینی و ارائه می‌کند و تجربه‌های گذشته را توشه راه آینده می‌سازد. این معضلات به دو شکل نمود پیدا می‌کند: نظری و عملی. نظام ایده‌ای باید به چالش‌های نظری متعددی که متوجه عناصر اصلی آن می‌شود و

۱. قیصری و قربانی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، ص ۱۳۶.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۹۲، فصل ۷، باب ۴. امیرالمؤمنین ۷: «لَوْ قَد قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا»؛ اگر قائم ما قیام کند، آسمان برکت‌های خود را فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را می‌رویاند.

۳. رک: طیبی، فی رحاب حکومت الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه، ص ۲۱۵ به بعد.

۴. قیصری و قربانی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، ص ۱۳۷.

به ویژه از سوی ایده‌های رقیب مطرح می‌شوند پاسخ دهد و نیز در برخورد با معضله‌های عملی، یا باید به توجیه آن‌ها بپردازد؛ زیرا در واقعیت ممکن است معضلی موجود نباشد؛ بلکه عده‌ای آن را معضل فرض کنند یا این که در برخورد با معضلات موجود، آنجا که لازم است تا ابتدا از معضله‌ها در سطح ایده‌گه‌گشایی شود، از کارآمدی لازم برخوردار باشد یعنی بتواند پاسخ نظری مقتضی برای حل و رفع چالش‌های عملی موجود ارائه کند.<sup>۱</sup>

نظام سیاسی مهدوی تا حدی کارآمد است که در آن دوران اصلاً نظامی وجود ندارد که بتواند با آن رقابت کند و در نتیجه، معضلی را برای نظام سیاسی مهدوی پدید آورد؛ لذا حکومت مهدوی یا اصلاً با معضل مواجه نیست یا اگر هم باشد؛ در همان اوایل حکومت حضرت که دوران پی‌ریزی ارکان حکومت جهانی است مواجه است که باتوجه به حقانیت حکومت مهدوی و مبانی استوار آن، قابل حل است.

## ۷. بن بست شکنی

منظور از بن بست، مسائلی است که در ظاهر فاقد راه حل هستند. بن بست، مسئله یا موضوعی است که به راحتی و بر اساس رویه‌های عادی نمی‌توان آن را حل کرد. بن بست‌ها معمولاً در روند اجرای قانون و در نتیجه تضادها و اختلاف‌هایی که میان برخی از بندهای قوانین وجود دارد بروز می‌کنند یا این که در نتیجه تلاش برای حل معضله‌ها، آن‌گاه که حل آن‌ها با پاره‌ای از آرمان‌ها، ارزش‌ها، شعارها، قوانین و... در تعارض باشد بروز می‌کنند.<sup>۲</sup>

فرض وجود بن بست واقعی در نظام سیاسی مهدوی، فرض نادرستی است. بن بست واقعی در نظام‌های سست بنیاد و سست نهاد، متصور است. در دوران ظهور، نه تنها فقط کارگزاران امام افرادی صالح و شایسته‌اند؛ بلکه عقل‌های آحاد بشر به کمال می‌رسند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُوبَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»<sup>۱</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های ایشان را با آن جمع می‌کند و خرد‌هایشان با او کامل می‌شود؛ لذا سستی به‌طور مطلق در دوران ظهور، منتفی است؛ چراکه سستی با کمال عقل سازگاری ندارد.

## ۸. افق‌گشایی

ایده‌های یک نظام سیاسی علاوه بر این که باید در رفع معضل‌ها و بن‌بست‌ها نقش مفید و مؤثر خود را در کارآمدسازی نظام‌های سیاسی اثبات کنند، همچنین باید با هموارکردن مسیر دستیابی به ارزش‌هایی همچون توسعه، رفاه، امنیت، آزادی، مردم‌سالاری و... افق‌های جدید و روشنی را برای شهروندان و نظام سیاسی نوید دهند. افق‌گشایی در دو ساحت نظر و عمل، جامه عمل می‌پوشد.<sup>۲</sup>

ایده‌متعالی نظام سیاسی مهدوی ایجاب می‌کند که مسیر دستیابی به ارزش‌هایی همچون توسعه، رفاه، امنیت، آبادانی و... برای شهروندان کاملاً هموار گردد و در نتیجه افق درخشانی در انتظار آنان باشد. به‌عنوان نمونه، اوضاع در آن عصر به‌گونه‌ای می‌شود که طبق تعبیر امام صادق علیه السلام، خداوند عزوجل گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما را چنان توانا می‌کند که میان آنان و قائم پیکی نباشد، از همان جایی که هست با شیعیان سخن می‌گوید و آن‌ها سخنانش را می‌شنوند و او را می‌بینند<sup>۳</sup> یا امنیت طوری حاکم می‌شود که «حَتَّى تَمُشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَالشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا زَنْبِيلُهَا لَا يَبِيحُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ»<sup>۴</sup> تا آنجا که زن زنبیل به سر،

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵، کتاب العقل و الجهل، ح ۲۱.

۲. قیصری و قربانی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، ص ۳۳۸.

۳. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۱، کتاب الروضة، ح ۳۲۹. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ».

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۱۵.

عراق را تا شام می‌پیماید و جز بر سبزه‌ها گام نمی‌نهد و هیچ درنده‌ای آشفته و هراسانش نمی‌کند.

## نتیجه‌گیری

نظام سیاسی مهدوی از زوایا و ابعاد مختلف قابل تحلیل و بررسی است. یکی از این ابعاد، بُعد ایده‌ای است که نظام سیاسی دوران ظهور، مبتنی بر آن است و در بردارنده ایده حاکمیت، تئوری‌ها و سازوکارهای نظری اداره جامعه توسط نظام حاکم و مبنای شکل‌گیری نهادها و تبیین رابطه حکومت با جامعه است. بر این اساس، نظام سیاسی مهدوی، کارویژه‌هایی را بر عهده دارد. برخی از این کارویژه‌ها که در این نوشتار به تصویر کشیده شده‌اند عبارت‌اند از: ایفای نقش در شکل‌گیری و تأسیس دولت، معین ساختن فعالیت‌ها و اهداف دولت مهدوی، ایجاد و حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی، تعیین بخشی به سایر ارکان نظام سیاسی، تأثیرگذاری بر موانع و امکانات، معضل‌گشایی، بن‌بست‌شکنی، افق‌گشایی.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمة فی معرفة الأئمة**، محقق / مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
۴. اهار، لیل و سلیمی، **تحلیل پدیده‌های اجتماعی بر مبنای ایده**، مجله حکمت و فلسفه، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، **حلیة الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار علیهم السلام**، انتشارات مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم، ۱۴۱۱ ق.
۶. حاجی صادقی، عبدالله، **فلسفه و نظام سیاسی اسلام**، انتشارات زمزم هدایت، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۰ ش.
۷. حجت خواه محمد علی و شکوه، واکاوی نسبت جایگاه شورای نگهبان با ولایت فقیه در **پرتو نظریه سیاسی اسلام**، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره ۳۴، اسفند ۱۳۹۹ ش.
۸. خزاز رازی، علی بن محمد، **کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر**، محقق / مصحح: عبد اللطیف حسینی کوهکمری، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۹. دلاوری، رضا، **فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین الملل**، انتشارات دلاوری، قم، ۱۳۷۸ ش.

۱۰. ره‌پیک، سیامک و زمانی، امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز ۱۴۰۴؛ ابعاد، شاخص‌ها و راه کارها، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۱۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، محقق/ مصحح: صبحی صالح، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. شمس‌الدین، محمد بن مکی، المزار، محقق/ مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام / محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، مؤسسة السيدة المعصومة سلام الله علیها، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۱ ق.
۱۴. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، محقق/ مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، انتشارات بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. طبسی، نجم‌الدین، فی رحاب حکومت الامام المهدی عليه السلام، مترجم: احمد سامی وهبی، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۴۲۵ ق.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، الغيبة، محقق/ مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، محقق/ مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۸. فخاری، رضا، تحلیل مفهومی ایده، مجله پژوهش و حوزه، شماره ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۹. قیصری، نورالله و قربانی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۲۰. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقية)، انتشارات دارالرضی (زاهدی)، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۵ ق.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. مجتبی زاده، علی، **نظام سیاسی اسلام در عصر غیبت از منظر آیت الله جوادی آملی**، مجله حکومت اسلامی، شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۹ ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، محقق / مصحح: جمعی از محققان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. مریجی، شمس الله و چراغی کوتیانی، **تبیین جامعه شناختی مؤلفه های همبستگی اجتماعی در جامعه مهدوی**، مجله مشرق موعود، شماره ۱۴، ۱۳۸۹ ش.
۲۵. نصرتی، علی اصغر، **نظام سیاسی اسلام**، مرکز نشر هاجر، چاپ سیزدهم، قم، ۱۳۹۳ ش.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

## راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های پیش‌رو در جهت شکل‌گیری جامعه تربیتی مهدوی محور

حجت‌الهدی چراتی<sup>۱</sup>

مرضیه عیوضی<sup>۲</sup>

### چکیده

تربیت مهدوی در مکتب شیعه بر پایه تمام ابعاد آموزه‌های دینی استوار بوده و نیازمند شناسایی آسیب‌ها و ارائه راهکارهای درست در جامعه می‌باشد. این تربیت با هدف پرورش انسان‌های موحد، امیدوار و منتظر مصلح جهانی، باید از اندیشه‌های انحرافی و پوچ فاصله گرفته و با برنامه‌ریزی صحیح، زمینه‌ساز جامعه‌ای پویا و آماده برای ظهور گردد. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای، تلاش دارد راهکارهایی برای رفع آسیب‌ها و شکل‌گیری جامعه‌ای تربیت‌محور ارائه دهد، به‌ویژه در بسترهایی چون مدرسه و دانشگاه.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی صحیح تربیتی از سنین کودکی، اساس دستیابی به جامعه‌ای مهدوی است. در این مسیر، معرفی الگوهای محبوب و هم‌تراز با جامعه مهدوی، تولید آثار رسانه‌ای جذاب و متناسب با نیازهای نسل جوان، و آماده‌سازی معلمان و مربیان برای پرورش افکار صحیح در حوزه مهدویت از جمله راهکارهای اصلی به‌شمار می‌رود. این اقدامات می‌تواند فضای جامعه را برای تحقق آموزه‌های مهدوی و زمینه‌سازی ظهور آماده سازد.

**واژگان کلیدی:** آسیب، راهکار، تربیت مهدوی، مدرسه و دانشگاه، مهدویت، جامعه

۱. دکترای تاریخ اسلام. hedaricharati@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد دانش اجتماعی مسلمین (دانشگاه تهران). me.eyvazi@yahoo.com

بدون تردید، هدف الهی از آفرینش، تربیت و تکامل بشر است؛ این هدف را می‌توان با تلاش در جهت تحقق جامعه‌ای مهدوی ترسیم کرد. از جمله اعتقادات بنیادین مذهبی که منزلت خاصی در تفکر اسلامی برخوردار است، اعتقاد به مهدویت است. در راستای تحقق این مقصود، برنامه جامع و کلان تربیتی برای انسان تنظیم شده که یک زنجیره تربیتی با حلقه‌های پیوسته و منظم است. برای داشتن زندگی مهدوی و قرار گرفتن در مسیر جامعه آرمانی و تسریع در ایجاد مقدمات ظهور و زمینه‌سازی آن، باید افکار و تمایلات افراد را به این سمت، سوق دهیم که خودشان خواهان ایجاد و تربیت نسلی منتظر و منطبق با مکتب تشیع باشند. همچنین این آموزه‌ها به لحاظ ریشه داشتن در مبانی اعتقادی و عملی شیعیان، دارای نقشی مهم در همه ابعاد زندگی آنهاست.<sup>۱</sup> تعلیم و تربیت اسلامی تحت تأثیر ارزش‌ها و آرمان‌های برآمده از آموزه‌های دینی و جهان‌بینی اسلامی، اهدافی مانند رشد و هدایت، قرب الهی، ایمان و تقوی و... را پیگیری می‌کند؛ به طوری که کار ویژه شکل‌گیری جامعه بر اساس مهدویت بر پایه‌های تربیت دینی در بستر اسلامی همانا شکل‌دهی به باورها و ایمان و اعتقادات افراد متناسب با ارزش‌ها و تعالیم دینی است؛ اما موضوع مهدویت و انتظار در طول تاریخ، از تحریف دو گروه بدخواهان و توطئه دشمنان و بدفهمان عرصه مهدویت مصون نمانده و با افکار و ایده‌های انحرافی و خرافی آسیب‌هایی، جبران‌ناپذیر را متحمل شده است؛ بنابراین، هدف از پرداختن به این مسئله، برنامه‌ریزی اساسی متخصصان، در حوزه مهدویت و حوزه‌های تربیتی و شناختی نوجوانان و جوانان، آسیب‌هایی که متوجه مهدویت بوده را شناسایی کرده و با ارائه راهکارهای منسجم و کامل‌کننده نسلی پویا و سازنده برای دوران غیبت و نهایتاً آماده برای ظهور تربیت کند. این پژوهش در نظر دارد به تحلیل و بررسی راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های پیش رو در جهت شکل‌گیری جامعه تربیتی

۱. صمدی، مهدویت؛ رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل‌دهی جامعه مهدوی، ص ۷۰.

مهدوی محور پردازد. در این نوشتار در پی پاسخ به این سؤالات هستیم: راهکارهای اصلی در پیشبرد جامعه به سوی تربیت مهدوی به خصوص میان قشر جوان چیست؟ ارائه راهکارهای مؤثر در تربیت مهدوی و پیشگیری از بروز آسیب‌ها از مجرای کدام نهادهای تربیتی امکان‌پذیر است؟ آسیب‌های احتمالی در صورت اهمال و غفلت متولیان دینی که متوجه افکار مهدوی جامعه می‌شود، کدام است؟

آنچه به عنوان فرضیه در این پژوهش مطرح شده است بدین‌گونه است: ارائه راهکارهای مؤثر در پیشگیری و یا برون‌رفت از آسیب‌های پیش‌رو در جهت شکل‌گیری جامعه تربیتی مهدوی محور در ایجاد جامعه پویا و سرزنده تأثیر بسزایی دارد.

فرضیه دوم؛ در نهادینه کردن مبانی اعتقادی و عملی مهدویت، ارگان‌ها و سازمان‌های تربیتی مرتبط با قشر جوان و نوجوان می‌تواند نقش مؤثری ایفا نموده و مقدمات لازم در امر ظهور را با ایجاد آگاهی در جامعه بر عهده داشته باشد.

فرضیه سوم؛ ایجاد برنامه‌های آگاهی‌بخشی برای متولیان دینی و کارگزاران امر آموزشی مهدویت به میزان قابل توجهی از به‌وجود آمدن آسیب‌ها و شبهات مهدوی جلوگیری کرده و زمینه برای رشد افکار جوانان و نوجوان در محیط سالم تربیتی فراهم می‌سازد.

ضرورت انجام این نوشتار در این دوره بدین جهت است که با توجه به این که کار گروه‌های بسیاری برای تربیت و شکل‌دهی روح انسان‌ها برنامه و راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهند. از

این‌رو، در جامعه‌ای مهدوی ضروری است ما نیز الگوهایی مناسب اسلامی و راهکارهایی برای تحقق جامعه مهدوی در راستای مقابله با تهاجمات فرهنگی - دینی داشته باشیم. افزون بر کارکرد تربیت مهدوی در تعمیق و ترویج باورها و اعتقادات منجی‌گرایانه و تأکید بر نقش آموزه انتظار و مهدویت در زندگی فردی و اجتماعی، توجه به نقش انسان و مقوله نیروسازی و تربیت منتظران واقعی در راستای تحقق انقلاب جهانی حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه التّریف و کاربرد راهکارهای اجرایی در ایجاد جامعه‌ای سالم به لحاظ آسیب‌های اجتماعی است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی

انسان، علت‌العلل همه‌تغییر و تحولات اجتماعی است؛ بنابراین تربیت مهدوی با وجود اینکه مبتنی بر فلسفه‌تعلیم و تربیت اسلامی<sup>۱</sup> بوده؛ اما باید تربیتی با رویکرد جهانی شدن داشته و نقشی محوری در یافتن راهکارهای مؤثر برای درک این مهم ایفا کند؛ بنابراین، لازم است متولیان متخصص در آماده‌سازی جامعه با هوشمندی در سرمایه‌گذاری بر روی اجتماعات مؤثر (برای نمونه مدارس و دانشگاه‌ها)، با توجه به تنوع اقشار مردمی اندیشیده و با شناسایی آسیب‌های احتمالی، مقابله با گروه‌های انحرافی که در تلاش برای دور کردن جامعه از فضای اندیشه مهدوی هستند، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند.

بنابراین، ضروری است در راستای تدبیر اقدامات تربیتی و راهبردهای مهندسی فرهنگی، متولیان فرهنگ و اندیشه‌اجتماع، فعالیت‌های فرهنگی را هماهنگ با آرمان ظهور و در راستای تسهیل و تسریع ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریح تنظیم نموده و قوانین و برنامه‌هایی را در این جهت‌گیری تدوین کنند و راهکارهای عملی کردن آن را نیز اندیشیده و پیشنهاد دهند.<sup>۲</sup>

مطالعات مختلفی در زمینه مهدویت و اهمیت تربیت در اقشار مختلف جامعه صورت گرفته، مقالات و پژوهش‌های متعددی نیز انجام شده است. همین‌طور کتاب‌های متعددی تحت عناوین تربیت مهدوی به چاپ رسیده‌اند؛ وجه امتیاز نوشتار حاضر ارائه راهکارهایی عملی و شناخت آسیب‌هایی که از دریچه‌ی مدرسه و دانشگاه در بُعد تربیتی و آینده‌سازی و اثر جدی در ایجاد فرهنگ مهدوی می‌تواند داشته باشد، بررسی شده است. در کتاب خانواده و تربیت مهدوی دکتر مرتضی آقائهرانی<sup>۳</sup> در سال ۸۹ به‌خلاف پژوهش در عرصه‌ی علوم تربیتی و معارف مهدوی پرداخته و بنیان‌های اساسی تربیت مهدوی را در سه دوره کودکی، نوجوانی و جوانی در

۱. تربیت اسلامی می‌تواند به‌تنهایی در ابعاد ملی، منطقه‌ای، فردی، اجتماعی و... به‌طور جداگانه موردبررسی قرار گیرد.

۲. حائری پور، شاخص‌های فرهنگی جامعه‌زمینه‌ساز ظهور، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. آقائهرانی، خانواده و تربیت مهدوی.

خانواده مطرح کرده است. نجمه نجم<sup>۱</sup> در سال ۹۶ آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت را نگاشته و با تأمل و بررسی دقیق در منابع روایی، عقیدتی و تربیتی و تنظیم شاخص‌های تربیتی عقیده به مهدویت، برای ارزیابی آثار تربیتی این عقیده در هر عصر، ضمن صحبت از راهکارها، آموزه‌های تربیتی مهدوی، روش‌ها و اسلوب‌های تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه آثار تربیتی آن راهکارها را بر متریبان بررسی و برخی شواهد تاریخی دال بر وجود این آثار در هر عصری را بیان می‌کند. همچنین مقالات بسیاری در حوزه تربیت مهدوی و تربیت زمینه‌ساز با ارائه راهبردها و راهکارها در نهمین همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت<sup>۲</sup> در سال ۹۳ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### مفاهیم نظری

تعریف واژه‌های مورد تحقیق در نوشتار برای روشن شدن بحث یکی از ملزومات مقاله است، بدین منظور ما نیز برانیم که کلماتی که پایه و اساس مقاله هستند را در جملاتی مختصر معرفی کنیم که عبارت‌اند از: تربیت مهدوی، آسیب‌شناسی

تربیت مهدوی: «ایجاد زمینه مناسب، برای رشد و شکوفایی فطرت الهی، در جهت درک مراتبی از عبودیت پروردگار، در راستای حیات طیبه، مبتنی بر رضایت حجت خدا.» در حقیقت تعلیم تربیت مهدوی، تلاش و کوششی برای فعلیت یافتن همه استعدادها در جهت تقرب و بندگی خدا و ایجاد شرایط لازم برای ولایت و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. در این نظام تربیتی که مبتنی بر قرآن و سیره‌ی معصومین است، تربیت و هدایت مردم در رأس همه‌ی برنامه‌ها قرار دارد.<sup>۳</sup> رویکرد تربیت مهدوی مبتنی بر فلسفه انتظار، دلالت‌های متعددی برای برنامه‌های آموزشی، تربیتی و درسی دارد. به طوری که برنامه‌ها باید بتواند ضمن انتقال دانش، تقویت نگرش و توسعه‌ی رفتارهای عملی و آمادگی‌های فردی و اجتماعی افراد، زمینه‌ی تحقق

۱. نجم، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت.

۲. همایش بین‌المللی دکتربین مهدویت، تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها (در سه جلد).

۳. بنده کریم، عوامل تأثیرگذار بر تربیت مهدوی، در: تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها، ج ۳، ص ۲۵۷.

اهداف تربیت مهدوی و آرمان‌های فلسفه‌ی انتظار را افزایش دهد. (مزروقی، ۱۳۸۷؛ پهلوان، ۱۳۸۲) در این مقاله منظور محقق از تربیت مهدوی، الگوسازی و بهره‌مندی از آن در عرصه‌های مختلف و توجه به نوع زمینه‌سازی نهادها و سازمان‌های تربیتی در میان قشر جوان جامعه مطرح شده است.

آسیب‌شناسی دینی: آسیب‌شناسی دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است که وارد شود. آسیب‌شناسی جامعه دینی؛ یعنی شناخت آفات و آسیب‌هایی که ممکن است یک جامعه دینی (به جهت داشتن ماهیت دینی) بدان‌ها مبتلا شود.<sup>۱</sup> آسیب‌شناسی دینی عبارت است از بررسی و شناخت عوامل کج‌روی و ناهنجاری‌های فرایند فهم عالمانه و دقیق در حوزه‌های مختلف دینی از جمله عقاید، احکام، اخلاق و مقررات مربوط به زندگی اجتماعی انسان که از منابع عقل، وحی و سنت حاصل می‌شوند.<sup>۲</sup> آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت، خود، موردی از بحث عام‌تر آسیب‌شناسی تربیت دینی و اسلامی است. به عبارت دیگر، همه انواع آسیب‌شناسی در تربیت دینی، در هریک از موارد آن نیز صادق خواهد بود. به این ترتیب، رابطه‌ی آسیب‌شناسی تربیت دینی با آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت، رابطه‌ی کلی و جزئی خواهد بود؛ یعنی آنچه به طور کلی در مورد نخست صادق است، به نحو جزئی و مصداقی، در مورد دوم نیز صادق خواهد بود. بر این اساس، چارچوب آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت باید بر حسب چارچوب کلی آسیب‌شناسی تربیت دینی و اسلامی صورت‌بندی شود.<sup>۳</sup> یکی از مهم‌ترین منابع انتقال معارف شناختی و ته‌نشین کردن اصول اعتقادی مهدوی نیز بر عهده ارگان‌هایی همچون مدرسه و دانشگاه است که به آن پرداخته شده است.

۱. دژاکام، تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۶-۴.

۲. طاهری، آسیب‌شناسی معرفت دینی با تأکید بر آرای علامه طباطبایی، ص ۹.

۳. باقری، آسیب و سلامت در تربیت دینی، ۱۳۸۰.

## جامعه مهدوی محور

اندیشه ساختن جامعه‌ای مطابق با آموزه‌های صحیح از مبانی مهدوی، از دیرباز ذهن متفکران و دلسوزان بشر را به خود مشغول کرده است. از این رو برای رسیدن به این هدف راه‌حل‌هایی ارائه شده است. راهکارهای شیعه، بهره‌گیری از سرمایه‌های دینی از ابتدا تا دوران غیبت است. جامعه مهدوی در صورتی می‌تواند در ترسیم وضعیت آینده جهان، جامعه‌ای با کیفیت و اثرگذار و الگویی برای دیگر ملت‌ها باشد که راهکارهایی عملی در انتقال اصول و آرمان‌های خود طرح‌ریزی کند و در این مسیر بتواند آسیب‌های پیش‌روی خود را تشخیص داده و با تصمیم‌گیری‌های درست از اثرات سوء آن بر اقشار مختلف جامعه بکاهد.

به دلیل گستردگی حیطه بحث در باب جامعه مهدوی و اهمیت شناخت ابعاد آن، این نوشتار برای نمونه، دو اجتماع تربیتی مدرسه و دانشگاه را انتخاب کرده است. بدین منظور، با ارائه و کاربست راهکارهای پیشنهادی بر آن‌ها، می‌توان امیدوار بود در برنامه‌ریزی کلان به کل جامعه تعمیم داد. این دستگاه تربیتی به جهاتی دارای اهمیت هستند که عبارت‌اند از: آموزش پذیر بودن سریع‌تر در نوجوانان و جوانان به دلیل پاک‌ی نفوس؛ انتقال آموزه‌های صحیح مهدوی از کودکی تا بزرگسالی با بیشترین قالب اثرگذاری؛ به جهت اثرگذاری آموزه‌های مهدوی در میان نوجوانان و جوانان و بازتاب آن در جامعه و قابلیت تعمیم‌دهی در بهترین شرایط است، بدین صورت که: با به‌کارگیری راهکار الگودهی‌های مهدوی در میان نسل جوان و نهادینه کردن آن، این طیف از جامعه، پذیرای آگاهانه آن هستند و به‌صورت زنجیروار، آموزه‌های مهدوی در کل جامعه پذیرفته‌شده و اثری ماندگار در راستای پیشبرد جامعه به سمت سلامت دینی - مهدوی خواهد داشت. به تبع آن نیز آسیب‌هایی که متوجه جامعه مهدوی است به مراتب کمتر شده و قابلیت کنترل آن توسط متخصصین مهدویت فراهم می‌گردد؛ زیرا مدرسه و دانشگاه می‌تواند به‌عنوان راهبر در جامعه نقش‌آفرینی کند و به‌عنوان اجتماعی کوچک‌تر به‌صورت

نمونه‌ای عملی شده و موفق برای جامعه بزرگ‌تر، چه بسا در سطح جهانی نشانگر جهانی با کمترین حالت آسیب و تشنج خواهد بود.

### ۱. جایگاه امام در جامعه

پذیرش امامت و وصایت، پذیرش یک فرد نیست، پذیرش یک ضرورت است که در هر زمان در وجود فردی مصداق می‌یابد. شناختن نام مبارک امام و نام والدین او، تاریخ تولد، آغاز و مدت امامت و نکاتی از این دست، معرفت به حَسَب و نَسَب امام است و این مرتبه از شناخت، پایین‌ترین مرتبه شناخت مقام امام و امامت است. این دانستنی‌ها گرچه تا اندازه‌ای لازم و در بعضی موارد ضروری است، اما چندان مهم و کافی نیست. مهم، حقیقت معرفت به امام، آن است که از راه معرفت امامت به دست می‌آید. بر اساس روایاتی نظیر «هر فردی که بمیرد درحالی که امام‌زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»<sup>۱</sup> «خدا را به خدا بشناسید و رسول را به رسالتش و اولوالأمر را به فرمان‌دادنش و به نیکی‌ها و عدالت و نیکوکاری.»<sup>۲</sup> حیات عاقلانه و دور شدن از مرگ جاهلی در گرو شناخت امامی است که ویژگی‌های او عمل به معروف و برپا ساختن عدل و احسان است. کسب این معرفت عمیق و ثمربخش به امام معصوم هر عصر، وظیفه‌ای همگانی است تا در پرتو آن، انسان‌ها به حیات انسانی دست یابند و آن‌گاه جامعه‌ای که مردمانش به حیات انسانی رسیده باشند، در تمام شئونش، انسانی خواهند بود.<sup>۳</sup> فهم درست جایگاه امام در جامعه به تعمق در اعتقادات دینی، اخلاق و عقاید اسلامی کمک می‌کند و می‌تواند به تقویت معنویت و ارتقای انسانیت کمک کند. برای مسلمانان، این فهم مسئولیت‌هایی را نیز به همراه دارد که باید به تعهد و اجرا بپردازند. برای ریشه‌ای کردن این فهم

۱. مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۸۱؛ کلینی، الکافی، ص ۲۱-۱۹؛

ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ص ۲۸۵.

۲. وَ اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولَ بِالرَّسَالَةِ وَ أُولَى الْأَمْرِ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ؛ بابویه، التوحید، ص ۲۸۵.

۳. جوادی‌آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۴۴.

و درک ضرورت وجود امام در جامعه، توجه به سمت نوجوان و جوانان معطوف می‌شود تا با برقراری تربیت مهدوی حس نیاز به تکامل بشری در کنار پیشرفت‌های مادی برای ایشان ضرورتی انکارناپذیر باشد.

## ۲. مرگ جاهلی

زندگی جاهلانه مفهومی کلی است که مصادیق و مراتب متفاوتی دارد، از مراتب سطحی و ضعیف تا عمیق؛ در زندگی پیش از اسلام عرب که از آن به دوران جاهلیت یاد می‌شود، سیاه‌ترین روزگار اعراب بود که کمتر اثری از فرهنگ و تمدن بشر در آن مشاهده می‌شد. هرچند بعثت نبی اکرم ﷺ بر آن خط بطلان کشید، آنچه تا ظهور حضرت ولی عصر عجله الله تعالی فرجه به نام جاهلیت جریان دارد و در روایات و متون ذکر شده است، درباره درجات عمیق جاهلیت است؛ زیرا این مرتبه‌ی از جاهلیت به معنی فقدان مظاهر زندگی و تمدن و از دست دادن رفاه و ابزار نیست، چه بسا متمکنان بسیاری بودند که بسیاری از ابزار رفاه و مظاهر تمدن و زندگی را در اختیار داشتند؛ اما از منظر قرآن حیاتی جاهلانه داشته‌اند همانند اقوام عاد، ثمود، اصحاب حجر و یا امپراتوری‌های ایران و روم بوده‌اند.

معیار جاهل زیستن و جاهلانه مردن آن است که انسان با خدای خویش و نمایندگان خدا آشنا نباشد، حال آنکه ابدیت را در پیش دارد. تعبیر «مات میتة جاهلیته» که در خصوص شناخت امام هر عصری است، مراد نفی حقیقت است؛ یعنی چنین شخصی از اساس، حیاتی جاهلانه داشته و هرگز از زندگی معقولی بهره‌ای نبرده است و بر همین اساس نیز مرگش جز مرگ جاهلانه نخواهد بود.<sup>۱</sup> آن که به مرگ جاهلی از دنیا برود، جاهلانه زیسته است و هرکه جاهلانه زندگی کند، از حیات حقیقی بهره ندارد. آن که امام عصر خویش را نشناسد و در پرتو خورشید ولایت او قرار نگیرد، زندگی جاهلانه دارد و از حیات انسانی تهی است، گرچه حیات حیوانی دارد. همان طور که اگر

۱. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، صص ۳۳-۳۵.

فردی با علم و عمد در برابر حقانیت و حقیقت قرآن خضوع نکند و آن را نپذیرد و کلام الهی را نشناسد، در فرهنگ قرآن مرده خوانده می‌شود،<sup>۱</sup> آن‌که با امام‌زمان خویش رابطه و لوی برقرار نسازد و ولایت امام‌زمان خود را نشناسد یا آن را برنتابد، حقیقتاً مرده است و هرگز از زندگی قرآنی که هماهنگ با حیات و لوی است بهره‌ای ندارد.<sup>۲</sup> در همین راستا، ارائه و معرفی الگوهای متناسب با زندگی هماهنگ با ولایت و قرآن در جهت دهی دیدگاه جوانان و نوجوانان اثری پررنگ داشته و غور در رفتار اساتید مهدوی می‌تواند تفکر و رفتار اسلامی - مهدوی را برای این قشر از افراد جامعه ترسیم نماید و ایشان به عینه شاهد زیبایی‌های تجلی این‌گونه اعمال و سکنت را در الگوهای خود باشند تا بتوانند در خیل عظیمی از تهجمات و شناساندن الگوهای متناسب با زندگی جاهلانه، انتخابی صحیح داشته باشند.

### ۳. لزوم شناخت آسیب‌ها

هرگاه مفاهیم و آموزه‌های مهدوی در دین مورد بدفهمی قرار گیرد یا به صورت نابجا القا شود، آسیب‌های چشمگیری در این حوزه آشکار خواهد شد. متصدیان امر فرهنگ مهدویت با وجود تلاش زیاد برای تبیین و ترویج این فرهنگ، با ناکامی‌ها و بن‌بست‌های بسیاری روبه‌رو بوده‌اند. البته بسیاری از این ناکامی‌ها بر می‌گردد به کج‌روی و کج‌اندیشی‌هایی که در این حوزه توسط برخی از مروجان این فرهنگ در نهادها و کارگروه‌های تربیتی فعال هستند، صورت گرفته است. از این‌رو جا دارد که به جد به شناختن این کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌ها که دلیل اصلی در ایجاد آسیب‌های فردی و اجتماعی است، اقدام گردد؛ زیرا بنیان رفتاری و تربیتی انسان، بر باورها و اعتقادات استوار است. نسل جوان که در اصل مباحث مهدویت دچار تردید و دو دلی است، یک نسل آسیب‌پذیر است. برای تعیین میزان آسیب‌پذیری جا دارد پژوهش‌های میدانی و مطالعاتی

۱. بیس: ۷۰.

۲. همان، ص ۳۶.

عمیق و گسترده‌ای در این زمینه نسبت به اقشار مختلف جامعه با اولویت اهمیت بُعد تربیتی و به دست آوردن سریع‌ترین نتایج، صورت گیرد تا به صورت دقیق و علمی میزان برخورداری طیف‌های سنی مختلف به خصوص جوانان از اعتقادات عمیق و یقینی نسبت به مهدویت، مشخص گردد. این امر کمک می‌کند تا بتوانیم روشن‌تر و دقیق‌تر راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌ها که همانا توجه به معضلات جامعه بزرگ‌تر بوده و به تبع آن به‌کارگیری روش تربیت مهدوی است را ارائه دهیم. همچنین برای برنامه‌ریزی‌های دقیق و صحیح باید بدانیم آیا نسل ما، در این زمینه یک نسل آسیب‌پذیر است یا از قوت یقین و ثبات عقیده برخوردار است. قبل از هر چیزی مهم‌ترین مؤلفه برای تربیت باورهای موردنیاز در امور تربیت مهدوی عبارت‌اند از: راه‌شناسی، آسیب‌شناسی، دشمن‌شناسی، راهنما شناسی.

### ۳-۱. راه‌شناسی

رفتن و رسیدن به هر هدفی، می‌تواند راه‌های متفاوتی داشته باشد. از این‌رو، شناخت نزدیک‌ترین و بهترین راه برای رسیدن به هدف، همیشه مدنظر انسان‌های عاقل و آگاه بوده است. شهید مطهری رحمته‌الله در این زمینه می‌نویسد: «بشر در مسیر تکاملی خود مانند قافله‌ای است که در راهی و به سوی مقصد معینی حرکت می‌کند ولی راه را نمی‌داند؛ هرچند یک بار، به کسی برخورد می‌کند که راه را می‌داند و با نشانی‌هایی که از او می‌گیرد ده‌ها کیلومتر راه را طی می‌کند... تا تدریجاً خود قابلیت بیشتری برای فراگیری پیدا می‌کند و می‌رسد به شخصی که نقشه‌ی کلی راه را از او می‌گیرد و برای همیشه با دردست داشتن آن نقشه از راهنمایی جدید بی‌نیاز می‌گردد.»<sup>۱</sup> وجود ارگان‌ها و سازمان‌های تربیتی به عنوان جامعه‌ای با مقیاس کوچک‌تر نسبت به کل جامعه، در نقش ایجادکننده و هموارکننده، راه صحیح‌آشنایی و آگاه‌کننده مهدویت، می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌ها و فتنه‌هایی که تهدیدی برای نسل جوان هستند، فرصت مغتنمی باشد تا

۱. مطهری، مجموعه آثار: ختم نبوت، ج ۳، ص ۱۶۱.

باورها و اعتقادات اصیل مهدوی را انتقال داده و زمینه‌ساز حکومت مهدوی باشد. در این جامعه کوچک، بهترین و کم‌هزینه‌ترین راهکار برای شناساندن راه، معرفی الگوها و اسطوره‌های دینی - مذهبی هستند که در بین تمام و یا حداقل قسمت اعظمی از افراد جامعه محبوب و قابل قبول هستند. بدین ترتیب، با ارائه نقشه راه در اذهان افراد آسیب‌ها را نیز کنترل کرده و از پتانسیل‌های موجود بهره‌برداری کرد.

### ۲-۳. آسیب‌شناسی

باور به آموزه «مهدویت» و ایجاد فرهنگ تربیت مهدوی مانند هر اندیشه و فرهنگ دیگری آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که در صورت توجه نکردن به آن و اقدام برای رفع مسئله، می‌تواند آثار منفی و مخربی به وجود آورد. این آسیب‌ها در هر زمان، این قابلیت را دارد متفاوت از زمان دیگر باشد. از این رو، نهادهای تربیتی با ایجاد زمینه و ساختارهای مستحکم در امر تربیت قشر جوان و نوجوان به عنوان پایه‌های فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگ‌سازان آتی، مسئولین، خانواده‌های آینده، موظف هستند در مقابله با آسیب‌ها و آسیب‌شناسی دریچه‌های اخلاق در امر تربیت مهدوی، به صورت مستمر به روزرسانی شوند.

نکته قابل تأمل در امر تربیت مهدوی و مقوله انتظار این است که طولانی بودن مسیر و گذر زمان‌های بسیار بر این موضوع، باعث شده آسیب‌های بسیاری، این ارزش الهی را تهدید کند و راه را برای رسیدن به هدف مطلوب که همانا تربیت افرادی آگاه، متخصص، عمل‌گرا و... است، مشکل‌تر کند. اهمیت آسیب‌شناسی به حدی است که دانشمندان علوم اجتماعی، در هم شکستن سازمان اجتماع را با آسیب‌شناسی مترادف می‌دانند و معتقدند آسیب‌شناسی اجتماعی هرگونه سستی و از هم‌گسیختگی اجتماعی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup> بدیهی است شناخت آسیب‌ها در راه انتظار تأثیر فراوانی در تربیت نسل جوان و تبیین راه دارد. از این رو برای کنترل آسیب‌ها لازم

۱. ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی، ج ۵، ص ۱۵.

است شناختی وسیع از نوع آن‌ها داشته باشیم و انواع آسیب‌های مهدوی را بشناسیم که عبارت‌اند از: ۱. مفهوم‌های اساسی جامعه مهدوی، ۲. آسیب‌های فکری و اعتقادی که خود شامل انواع مختلفی است از جمله: عدم درک صحیح از اضطرار به حجت، برداشت انحرافی از مفهوم غیبت، برداشت انحرافی از مفهوم انتظار، آمیختگی نشانه‌های ظهور با شرایط ظهور، زمینه‌سازی از راه گسترش ظلم و فساد، توقیت (مشخص زمان ظهور)، تطبیق (مطابقت دادن نشانه‌های ظهور بر وضعیت هر زمان)، طرح مباحث غیرضروری، کوتاهی متولیان در ارائه معارف، ۳. آسیب‌های رفتاری که آن نیز دارای اجزای بسیاری است، برای مثال، ایجاد هرج و مرج و بروز اختلافات شدید، ظهور مدعیان دروغین، عدم تناسب سطح معارف منتظران با شرایط عصر حاضر و... به همین جهت، برای شناخت آسیب‌ها نیازمند ایجاد ارگان‌ها، سازمان‌ها، نهادها، مجموعه‌های کوچک و بزرگ از انواع سلاقی و فکرها هستیم تا بتوانیم زوایای پیدا و پنهان آسیب‌های مهدوی را کشف کرده و متناسب با همان سلاقی راهکار ارائه دهیم، برای نمونه شناخت گذرگاه‌های آسیب در مدارس و دانشگاه‌ها راهی روشن به سمت شناخت آسیب‌های اجتماع بزرگ‌تر است؛ زیرا پرورش مهدوی طیف جوان و نوجوان منتهی به ایجاد جامعه مهدوی با تربیت افرادی مهدی فهم می‌شود.

### ۳-۳. دشمن‌شناسی

از جمله اموری که برای موفقیت در مسیر پیش‌روی هر هدفی نیاز است شناخت دشمنان و مخالفان آن امر است. در شناخت مهدویت، منجی‌گرایی و ایجاد زمینه برای تربیت نسل جوان و نوجوان با آموزه‌های مهدوی دو گروه مانع بوده و تلاش بسیاری برای جلوگیری از تحقق این امر انجام داده‌اند: اول، مخالفانی که از همان ابتدای رسالت پیامبر و ائمه با چهره‌هایی گوناگون این کار را کرده و ضربه‌های فراوانی زدند، هرچند موفق به شکست اسلام نشدند؛ اما موانع بسیاری را ایجاد کرده و مسیر حرکت به سمت تعالی و ظهور را سخت‌تر کردند. از وظایف نهادهای

تربیتی شناساندن این گروه‌ها و راهکار غلبه بر ایشان بوده تا بتوانند نسلی آگاه و مسلط بر امور زندگی فردی و اجتماعی خود تربیت کرده و زمینه‌های ظهور در مقیاس کل جامعه را فراهم آورند. دوم، افراد و گروه‌های به ظاهر مسلمانی هستند که در گذر ایام با شگردهای به‌روزرسانی شده و استفاده از امکانات وسیع اعم از فناوری‌های به‌روز، فضای مجازی و... و با اظهار بر اعتقاد به مصلح موعود، اما؛ منکر وجود امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی ورحمة‌الله‌علیه هستند. اینان نیز از دشمنانی هستند که باید شناخته و شناسانده شوند و اهداف و برنامه‌های ایشان را در قالب برنامه‌های آموزنده، جذاب و گیرا به گروه جوانان و نوجوانان در معرض خطر، اطلاع‌رسانی کرد. از مهم‌ترین عواملی که گروه‌های مختلف را با افکاری متنوع به دشمنی وا می‌دارد، منفعت‌گرایی و داشتن روحیه‌ی استکباری است.<sup>۱</sup> به همین جهت یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه‌های انتقال این آموزه چه در جهت تخریب و یا ساختن مبانی صحیح اسلامی و مهدوی آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها است، همچنین ساختن و تولید فیلم‌ها، کلیپ‌های کوتاه و عمیق، فعالیت‌های وسیع و کارآمد در فضای مجازی و به‌طورکلی تفکر در به دست آوردن رسانه‌های جمعی که مورد توجه افراد عام و خاص جامعه هستند می‌تواند سره را از ناسره بشناساند و راه را برای ایجاد زمینه جامعه‌ای سالم و پویا فراهم آورد و در راستای ایجاد تربیت اسلام صحیح به تربیت مهدوی اصیل دست یابد.

### ۳-۴. راهنما شناسی

راهنما و راهبر برای تربیت و رشد، در هر موضوعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای تبیین صحیح آموزه‌های مهدوی و انتقال امور مهدوی نیز انسان به خصوص در سنین پایین و جوانی نیازمند راهنما است. وجود راهنما به قدری در تربیت انسان مؤثر است که خداوند اساس هدایت و تربیت بشر را بر وجود راهنما و راهبر قرار داده است.

۱. کیانی، تربیت نسل منتظر، ص ۱۰۵-۱۰۴.

بهترین نمود آن، در دوران کودکی که تعلیم و تربیت آغاز می‌گردد و دوره نهادینه‌سازی باورهای بنیادین و اصیل است، وجود راهنما (که به صورت کلی و متناسب با نمونه نوشتار حاضر آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها هستند) ضرورتی انکارناپذیر دارد، زیرا به دلیل نیازهای کودک و نیاز به آموختن و تجربه در محیط اجتماعی، خانواده به تنهایی قادر به تأمین خواسته‌های این نسل نیستند. به همین جهت از مهم‌ترین راهکارهای عملی تربیت نوجوان و جوان مهدی‌باور و برای جلوگیری از آسیب عدم وجود راهبر، انتخاب معلمان شایسته و مربیان صالح و آگاه به مبانی اعتقادی و ارزشی مهدوی امری ضروری است. در همین راستا در فهم میزان اهمیت انتخاب راهنمای شایسته با نگاه به سیره پیامبر این‌گونه آمده است: روزی پیامبر ﷺ به بعضی از کودکان نگاه کرد و فرمود: «وای بر فرزندان آخرالزمان از روش ناپسند پدرانشان!» گفتند: «یا رسول‌الله! از پدران مشرک آنان؟» فرمود: نه! از پدران مسلمان که به فرزندان خود، هیچ‌یک از احکام دینی را نمی‌آموزند و اگر فرزندان نیز در پی فراگیری (از معلمان و مربیان شایسته) برآیند، آنان را باز می‌دارند و تنها به اندک درآمدهای مالی ایشان خرسند می‌گردند. پس بدانید که من از چنین پدرانی بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.<sup>۱</sup> به همین جهت وجود و انتخاب مربیان آگاه و توانمند در مدارس، اثری عمیق بر اذهان کودکان داشته و نقشه راه را برای آینده و دوران جوانی آن‌ها ترسیم می‌کند. توجه به تفاوت رفتاری در بین مربیان مدرسه و دانشگاه در انتخاب نوع تربیت و اطلاعات متناسب با درک ایشان در اثرگذاری و ایجاد نتیجه مطلوب بسیار مهم است. تربیت در مدارس به صورت ریشه‌ای بوده و به کاربردن هر نوعی از تعابیر مهدوی در شکل‌گیری ساختار ذهنی کودکان مؤثر است؛ زیرا خروجی زمینه‌سازی‌های ساخته‌شده در مدارس به صورت عینی در دوره جوانی و در دانشگاه‌ها قابل مشاهده بوده و در صورت تربیت آگاهانه و تخصص‌گرایانه مهدوی می‌توان امیدوار بود سیر تکاملی زمینه‌سازی برقرار بوده و دانشگاه به عنوان منبع القای

۱. سبزواری، جامع‌الآخبار، ص ۱۰۶؛ اقاتهرانی، خانواده و تربیت مهدوی، ص ۳۳۹.

انرژی و کاتالیزوری در پیشبرد اهداف مهدی باوری ایفای نقش می‌کند. از این‌رو، در این قسمت به نقش مدرسه و دانشگاه می‌پردازیم:

### نقش مدرسه و مربیان در آسیب‌شناسی

تعلیم و تربیت، مجموعه‌ای از تدابیر با هدف پرورش دادن استعدادهای درونی و به فعلیت در آوردن و شکوفاسازی شخصیت انسان است.<sup>۱</sup> مدرسه نیز به عنوان کانون علم و آموزش، مهم‌ترین نهاد تربیتی در شکل‌دهی به شخصیت و آرمان‌های انسان به شمار می‌رود که در رشد و توسعه و ارتقای انسان و تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی و حرکت جامعه به سوی آرمان‌ها نقش بسزایی دارند. از این‌رو، ارسطو می‌گوید: «در میان تمام چیزهایی که بیان کرده‌ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز، حتی اگر توسط تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود، در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به وسیله‌ی آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش و پرورش نیز با قوانین مزبور تطابق داشته باشند.»<sup>۲</sup> بنابراین، امروزه به تعلیم و تربیت نه به عنوان یک ابزار، بلکه به عنوان یک فرهنگ تأثیرگذار می‌نگرند. هرگونه تغییر اجتماعی و حرکت اصلاح‌طلبانه باید از طریق تعلیم و تربیت، آن هم معطوف به نسل جوان و نوجوان آغاز شود و آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان نهاد پیشرو به این اهداف مدد رساند.<sup>۳</sup> نقش مدرسه و مربیان در جلوگیری از تحریف و آسیب‌های وارد بر دین به طور کلی و در آموزه‌های مهدویت بسیار مهم و تأثیرگذار است. این نقش به شیوه‌های مختلفی می‌تواند اجرا شود:

۱. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۸۳.

۲. اسمیت، فلسفه آموزش و پرورش، ص ۵۹.

۳. کریمی، سازه‌های تربیت و دموکراسی، ص ۲۲.

۱. آموزش مبانی اصیل دینی و مهدوی: مدرسه‌ها و مربیان با ارائه آموزش‌های صحیح و دقیق درباره مفاهیم اصیل دینی و مطالب مربوط مهدویت از دیدگاه شیعه، اصول اخلاقی و تعالی‌های انسانی، به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا اصول اساسی دین را به درستی یاد بگیرند و تحریفات را شناسایی کنند.

۲. پرورش اندیشه‌های منطقی و تفکر انتقادی: مربیان با ترویج تفکر انتقادی و اندیشه‌های منطقی در دانش‌آموزان، آن‌ها را ترغیب به بررسی و تحلیل مفاهیم مهدوی، موعودگرایی، منجی‌گرایی و... می‌کنند و از تنش‌ها و تناقضات میان تفسیرهای نادرست جلوگیری می‌کنند.

۳. آشنایی با تاریخ و منابع مهدوی: آشنایی با تاریخ اسلام و منابع دینی که به صورت مفصل امور مربوط به مهدویت در آن‌ها شرح داده شده است، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مفاهیم گسترده دینی را در زمینه تاریخی و محتوایی بهتر درک کنند و از تحریفات تاریخی جلوگیری کنند.

۴. تربیت اخلاقی و رفتار انسانی: مربیان با تربیت دانش‌آموزان به عنوان انسان‌های اخلاقی، دینی و انسانی و مهدویت محور، آن‌ها را از تعارضات اخلاقی و تحریف ارزش‌های مهدوی به دور نگه می‌دارند.

۵. پذیرش تنوع دیدگاه منجی‌گرایانه صحیح و احترام به دیگران: مدرسه‌ها و مربیان می‌توانند به دانش‌آموزان آموزش دهند که چگونه به تنوع‌های فرهنگی و مهدوی که در چارچوب ادیان الهی بوده احترام بگذارند و در کنار هم زندگی کنند در عین حال به رشد و تعالی یکدیگر نیز کمک کنند.

۶. تشویق به مشارکت فعال در جامعه: مربیان با تشویق به مشارکت دانش‌آموزان در امور جامعه‌ای و اجتماعی، آن‌ها را به پیشگیری از آسیب‌ها و تحریفات دینی و مهدوی در محیط‌های اجتماعی کمک می‌کنند.

۷. توسعه ارتباط با خانواده‌ها: مدرسه‌ها و مربیان می‌توانند با برقراری ارتباط مستمر با خانواده‌ها، از نزدیک مشکلات و نیازهای دانش‌آموزان را بشناسند و به تقویت ارتباط خانوادگی برای جلوگیری از تحریفات مهدوی و افتادن در دام فرقه‌های دروغین که ادعای مهدی‌گرایی دارند، کمک کنند.

به‌طور کلی، مدرسه و مربیان با ایفای نقش‌های فوق‌الذکر، می‌توانند به جلوگیری از تحریف و آسیب‌های وارد بر دین که از مهم‌ترین آموزه‌های آن نهادینه‌کردن مسائل مهدویت و موعودگرایی است، کمک کرده و دانش‌آموزان را به‌عنوان افراد مسئول، با شناخت صحیح از دین، آماده به زندگی در جوامع متنوع و پویا سازند.

### ۳-۴-۲. نقش دانشگاه و اساتید در آسیب‌شناسی

تربیت مهدوی، بُن‌مایه تکوین و تضمین جامعه زمینه‌ساز در توسعه و تحکیم فرهنگ انتظار است. تا زمانی که تربیت مهدوی بر پایه‌های معرفتی و ارزش خاص خود، در ساختار، نگرش، رفتار سازمان‌ها و نهادهای مربوطه توسعه نیابد، به زمینه‌سازی ظهور که آماده‌کردن جامعه‌ای مطابق با شرایط و مقتضیات فرهنگی و ارزش‌های دینی و توحیدی است، نمی‌توان امیدوار بود. در روایتی از امام صادق علیه السلام این‌گونه آمده است: «... أُنْتَجِبَ لِذَلِكَ الْوَقْتِ عِبَادًا لِي أُمَّتَحَنُتْ قُلُوبُهُمْ لِلْإِيْمَانِ وَ حَشَوْتُهُا بِالْوَرَعِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ الْيَقِيْنِ وَ التَّقْوَى وَ الْخُشُوعِ وَ الصِّدْقِ وَ الْجِلْمِ وَ الصَّبْرِ وَ الْوَقَارِ وَ الرُّهْد...»<sup>۱</sup> «... و برای این زمان (ظهور)، بندگان را برگزیدم که دل‌هایشان را به ایمان آزمودم و آنان را از ورع، اخلاص، یقین، پارسایی، خشوع، راستی، صبر، شکیبایی و وقار، پرهیز و زهد سرشار کردم.»<sup>۱</sup> فرهنگ انتظار در متن جریان زندگی منتظران، منشأ آگاهی و هوشیاری و بیداری دائمی است و یک رویارویی فعال به شمار می‌رود، نه انفعالی و واکنشی که در

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴.

درون خود، تغییر و تحول به همراه دارد.<sup>۱</sup> از این رو، دانشگاه‌ها و اساتید نقش بسیار مهمی در جلوگیری از تحریف و آسیب‌های وارد بر دین دارند. این امور به شکل‌ها و ابعاد مختلف می‌توانند تأثیرگذار باشند از جمله:

۱. تدریس و پژوهش: اساتید در دانشگاه مسئولیت تدریس و ترویج دانش اصیل و دقیق دینی را دارند که بر پایه آن لزوم اعتقاد بر مهدویت و درستی آموزه‌های آن را در اذهان جوانان القا کرده و زمینه‌های ظهور برای صورت چیدمانی صحیح در بستری تفکر عقلانی داشته باشند. با ارتقای فهم صحیح و دقیق اصول دینی و مهدوی ترسیم تصویری درست از آن، می‌توانند از تحریفات و اشتباهات جلوگیری کنند.

۲. تحقیقات دینی در بستر مهدویت: اساتید می‌توانند تحقیقات علمی در حوزه‌های دینی با موضوعات مهدوی، آسیب‌های عدم توجه به آن، راهکارهای آموزش اصولی و عقلانی مهدویت و مهدی باوری و در کنار آن مهدی باوری را انجام دهند تا اصول و ارزش‌های دینی را با توجه به منابع اصیل تبیین کنند. این تحقیقات می‌توانند به تصحیح افکار اشتباه و تحریفات از جمله گرایش به سمت مدعیان دروغین مهدویت کمک کنند.

۳. آموزش انتقادی: دانشگاه‌ها محیطی را فراهم می‌کنند که دانشجویان می‌توانند به صورت انتقادی به موضوعات متنوع دینی به خصوص دیدگاه‌های مهدوی در آیین‌های مختلف نگاه کنند و در بستری سالم و به دور از تبلیغات منحرفانه‌ی برخی فرقه‌های افراطی از تفکر کنترل نشده و تحریف‌گری جلوگیری کنند و با منطق و ادله قوی آموخته‌های خود را به خانواده، گروه‌های دوستانه و درنهایت به کل جامعه تسری دهند.

۱. اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مطهری، قیام و انقلاب امام مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۴.

۴. ترویج اخلاقیات مهدوی: اساتید می‌توانند با تدریس اصول اخلاقی مهدوی و نشان دادن نقش آن‌ها در زندگی روزمره، افراد را به رفتارهای مطلوب مهدوی هدایت کنند و از آسیب به ارزش‌های منجی‌گرایانه جلوگیری کنند، همچنین با به تصویر کشیدن جامعه‌ای سالم و منتظر با دیدگاه مهدوی پویا، در بین جوانان و حتی عامه مردم داشته باشند.

۵. شناسایی تحریفات: اساتید می‌توانند با داشتن دانش عمیق در حوزه‌های مختلف دینی، تحریفات و اشتباهات را شناسایی کنند و در سؤالات مذهبی و فقهی پاسخ دهند. با تسلط بر مباحث مهدوی و پاسخگویی در این باب درصد زیادی از سوءاستفاده‌های فرصت‌طلبان در زمینه بسط و گسترش فرقه‌های انحرافی کاهش یافته و زمینه اشاعه مهدویت راستین ایجاد می‌گردد.

۶. همکاری با مراجع مذهبی: اساتید می‌توانند با همکاری و همیاری با مراجع مذهبی و علمای دینی، نقدهای علمی را در مورد تفسیرها و تأویل‌ها ارائه دهند و به ارتقای دانش مهدوی کمک کنند.

به صورت کلی، دانشگاه‌ها و اساتید علمی با ارائه دانش و اصول دقیق دینی با محوریت مهدویت اصیل، ترویج اندیشه انتقادی در مجرای صحیح پاسخگویی و در محیطی به دور از شبهه‌افکنی‌های مغرضانه، همکاری با اصحاب متخصص در دانش دینی و ارتقای آن، جلوگیری از آسیب و انحرافات مهدوی که می‌تواند به ریشه‌های مهدی‌گرایی و مهدی‌یآوری ضررهایی جبران‌ناپذیر بزند، نقش مهمی داشته و از طرفی تضمین‌کننده ایجاد جامعه‌ای پویا، پر نشاط در امر ظهور باشند.

## ۲. مؤلفه‌های تربیت مهدوی

برای آماده شدن به جهت اتفاقی شگرف که بشریت در انتظار وقوع آن است، لوازم و شرایطی مورد نیاز است. مؤلفه‌های تربیت مهدوی که هر فردی به اقتضای موقعیت خود و جامعه به آن توجه کرده و برنامه‌ای منسجم برای کسب آن بیاندیشد عبارت‌اند از: نگاه جهانی داشتن، انتظار پویا داشتن، وظیفه منتظران است.

### ۲-۲-۱. نگاه جهانی داشتن

نگاه جهانی در مقوله مهدویت و تربیت مهدوی اشاره به دیدگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تر به این مسائل دارد. این نگاه به معنای ارتباط مهدویت و تربیت مهدوی با جوامع و جهان به‌عنوان یک کلیت انسانی و جهانی نگریده و به توسعه‌ی فرهنگ مهدوی و ارزش‌های آن در دنیای معاصر تأکید می‌کند.

فرهنگ و اندیشه اسلامی، افزون بر ظرفیت و توانمندی درونی جهت جهان‌شمولی، از نظر عینی نیز دارای ویژگی‌هایی است که نارسایی‌های موجود در الگوهای بشری را جبران می‌کند. دیدگاه نظری، اندیشه حکومت جهانی اسلام بر آموزه جهان‌شمولی اسلام مبتنی است و این امر با فطرت و خواسته‌های معقول بشری ارتباط دارد که جهانی‌سازی اندیشه اسلامی را از حالت تحمیلی خارج و کلیه جوامع بشری را اقناع می‌کند. آموزه‌های اسلامی از آن‌رو که خواسته‌های معقول و فطری بشر را مورد توجه دارد، از زمینه‌ها و مقتضیات مناسبی جهت فراگیر شدن و جهانگیر شدن بهره‌مند است. آموزه‌های دینی به یک نکته مشترک میان تمام جوامع بشری باز می‌گردد و آن خواست فطری و ماندگار بشر است. قوانین و دستورات عمل‌های اسلامی نیز دارای ماهیت فرازمانی و فرامکانی است و از ابتدا به‌گونه‌ای تنظیم و تدوین شده که خواست فطری و معقول بشر را در چارچوب فکری و فرهنگی متفاوت و متنوعی مورد توجه قرار داده است؛ از این‌رو منابع دینی، دین‌داری را امر فطری و غیر قابل دگرگونی یاد می‌کنند؛ بنابراین، قوانین اسلامی

واجد صلاحیت و مقتضیات لازم برای جهانی شدن است.<sup>۱</sup> از نگاهی دیگر، با وجود محسنات بی‌شماری که دیدگاه جهانی به امور مهدویت دارد اما؛ توجه نکردن به ظرایف این امور آسیب‌هایی را نیز به وجود می‌آورد که تنها با اعمال راهکارهای صحیح و خوانش اصیل از دین می‌تواند به تعالی بشریت بیانجامد.

## الف. آسیب‌های نگاه جهانی داشتن

نگاه جهانی داشتن در مهدویت به معنای اندیشیدن و عمل کردن بر اساس مصالح و آثار جهانی به جای تمرکز تنها بر مصالح فردی یا گروهی است. در این زمینه، تعدادی از آسیب‌های ممکن می‌توانند شامل موارد زیر باشند که با اشراف بر آن اطلاع داشتن متخصصان دستگاه‌های تربیتی همچون مدارس و دانشگاه‌ها از وقوع این چنین نگاه‌هایی می‌توان پرهیز کرد.

۱. انحراف از اصول دینی: تعصب به مصالح جهانی ممکن است به انحراف از اصول دینی و اخلاقی منجر شود و به جای تعبیرهای متون دینی، تفسیرهای شخصی را بر اساس منافع جهانی ایجاد کند.
۲. تصاحب قدرت: در صورتی که افراد یا گروه‌ها به نام مهدویت یا مسئولیت جهانی به قدرت برسند، می‌توانند از این قدرت برای تصاحب و تثبیت قدرت خود استفاده کنند و در نتیجه، دیگران را محروم کنند.
۳. عدم توجه به مشکلات محلی: تمرکز بر مصالح جهانی ممکن است به عدم توجه به مسائل و مشکلات محلی انسان‌ها منتهی شود و به جای اصلاح شرایط داخلی، توجه بیشتری به مسائل بین‌المللی داشته باشد.
۴. معتقد به آمدن مهدی: انتظار طولانی مدت برای ظهور مهدی عجله الله تعالی فرجه می‌تواند به عدم توجه به اصلاح و بهبود شرایط فعلی جامعه منجر شود.

۱. سجادی، جهانی شدن و مهدویت: دو نگاه به آینده، ۱۳۸۳.

به هر حال تفسیرها و نگاه‌های مختلف به مهدویت و اثرات آن بستگی به مفاهیم دینی و انسانی مورد نظر دارند و ممکن است در جوامع و فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی مورد تفسیر قرار گیرند.

## ب. راهکارها

برای داشتن نگاه جهانی به مهدویت از دیدگاه آموزش و پرورش و دانشگاه به عنوان یکی از مهم‌ترین متولیان امر آموزشی و تربیتی نسل جوان و نوجوان می‌توان راهکارهایی عملی ارائه داد که به چندین نحو توصیف می‌شود:

۱. تعالی فرهنگی: دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به خصوص مدارس می‌توانند نقش مهمی در تعالی فرهنگی ایفا کنند. نگاه جهانی به مهدویت به معنای ترویج مطالعه و تحقیق درباره این مفهوم در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی می‌تواند به تعمیق فهم از آن کمک کند. (لازم به ذکر است پایه‌های اصلی نگاه از این دریچه و نگاه جهانی داشتن به مهدویت و از طرفی عملیاتی کردن اهداف مهدوی در گستره وسیعی از افکار جامعه و به تبع آن در بُعد جهانی از مدارس شروع شده و با برنامه‌ریزی‌های منسجم در این زمینه می‌توان امیدوار بود در سنین جوانی و در دانشگاه‌ها ثمره این سرمایه‌گذاری‌ها به نحو مطلوبی برداشت شود.)

۲. تعامل بین فرهنگی و مذهبی: مدارس در ابتدا با آشنایی سطحی اما به صورت مستمر پایه‌های تعاملات فرهنگی را ایجاد کرده و دانشگاه‌ها می‌توانند به ترویج تعامل بین فرهنگی و مذهبی کمک کنند. نگاه جهانی به مهدویت می‌تواند به ایجاد فرصت‌هایی برای بحث و تبادل نظر درباره مفاهیم مهدوی و ادیان مختلف کمک کند. با چنین دستورکاری شرایط برای زمینه‌سازی فهم مهدویت اسلامی فراهم گشته و شرایط جذب افکار جهانی به سمت آموزه‌های صحیح مهدوی فراهم می‌گردد.

۳. مطالعه علمی و تحقیقات: در آغاز مدارس به عنوان پیشگامان تربیتی با ایجاد روحیه حقیقت جویی و پیگیری و ساختن راه حل ها در ذهن نوجوانان و همچنین ایجاد سؤال برای آن ها شرایط را برای شکوفایی در زمان جوانی فراهم می سازند و در ادامه، دانشگاه ها می توانند به تعامل با پژوهشگران و محققان در زمینه مهدویت و ترویج تحقیقات علمی در این زمینه کمک کنند. این تحقیقات می توانند به بهترین شکل ممکن از مفاهیم مهدویت درک و توسعه دهند.

۴. آموزش ارزش های انسانی: آموزش ارزش هایی مانند عدالت، صلح، تعامل و احترام به حقوق بشر از جمله اهداف آموزش و پرورش و دانشگاه است. نگاه جهانی به مهدویت می تواند به ترویج این ارزش ها و تعالی اخلاقی کمک کند.

۵. ترویج تعلیم و تربیت برای صلح: مدارس و دانشگاه ها می توانند به ترویج تعلیم و تربیت برای صلح و صلح طلبی در جهان کمک کنند. آموزه های مهدویت که به ترویج صلح و امنیت جهانی تأکید دارند، می توانند به این اهداف کمک کنند.

۶. تحقیق و بررسی مسائل جهانی: ایجاد حساسیت در نوجوانان و دوره تحصیل در مدارس نسبت به امور جهانی سنگ بنای دغدغه مندی در آینده را برای نوجوانان به وجود می آورد و دانشگاه ها می توانند نقش مهمی در تحقیق و بررسی مسائل جهانی ایفا کنند. نگاه جهانی به مهدویت می تواند به تحلیل مسائل جهانی از منظر مهدوی و انسانی کمک کند.

به طور کلی، نگاه جهانی به مهدویت در آموزش و پرورش و دانشگاه می تواند به توسعه فرهنگ مهدوی و ارزش های مرتبط با آن در سطح جهانی کمک کند و به تعامل و تحقیقات در این زمینه اشتیاق ایجاد کند. این نگاه به ترویج مسائل انسانی، اخلاقی و صلح در جهان معاصر کمک می کند.

## ۲-۲-۲ انتظار در جامعه پویا

ظهور منجی آخرالزمان، اندیشه‌ای جهانی است که بشر را بر محور انتظار گرد می‌آورد. در تبیین معنی حقیقی انتظار، روایات متعددی وجود دارد؛ از جمله روایتی است که ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند: «براین اساس آن که بخواهد به واقع منتظر وجود مبارک آن حضرت باشد، لازم است خویشتن را مهیا سازد، اگر چه با آماده کردن یک تیر باشد.»<sup>۱</sup> در عرصه علم‌آموزی و نیازهای جامعه به لحاظ آمادگی‌های علمی مطابق با فناوری‌ها و دستاوردهای علمی روز در دنیا، فعالیت آموزش و پرورش در راستای پایه‌ریزی اندیشه فعالانه در نوجوانان و سرمایه‌گذاری‌های علمی و تربیت مهدوی؛ و در ادامه‌ی آن، وجود دانشگاه‌ها برای ثمربخشی نهایی طیف نوجوانانی که به جوانی رسیده‌اند، نتیجه‌ی معنای عمیق انتظار موجود موعود در مکتب اهل بیت است.

برای ایجاد زمینه در جهت ساختن فضای انتظار پویا و سازنده در جامعه باید به سه بنیان اساسی مسئله انتظار توجه داشت که عبارت‌اند از: الف. قانع نبودن به وضع موجود: بدون تردید وضع موجود در عصر غیبت، دارای کاستی‌هایی است که هر انسان کمال‌طلب و خواهان پیشرفت و تعالی را ناراضی می‌گرداند. این کاستی‌ها به‌طور عمده از عدم حضور ظاهری امام ناشی شده است. در باور شیعه این‌گونه آمده است که آخرین پیشوای معصوم به دلایلی که برخی از آن‌ها بر ما پوشیده است، غایب از نظرها است.<sup>۲</sup> غیبت ظاهری باعث محروم ماندن جامعه از فواید ظاهری امام معصوم است. ایجاد تفکر و ذهنیت منتظر بودن، احساس عمیق محرومیت در پی نبود ظاهری امام، ناتمام ماندن حل مسائل بشری و نیازمندی به وجود امام به صورت فیزیکی در جامعه، از وظایف عمده نهادهای تربیتی و آموزشی است و باید بر خود لازم بدانند همه‌ی عواملی که باعث تداوم غیبت آن حضرت شده به میزان توانایی خود و با همیاری سایر

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۲. کلینی، الکافی، ص ۳۳۸؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۶.

ارگان‌های جامعه برطرف سازند. بهترین نقطه شروع این امر مهم بهره‌مندی از اذهان پاک کودکان و نوجوانان در فضای مدرسه است. ب. امید دستیابی به وضع مطلوب: یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند در نهاد انسان، کمال طلبی اوست، به گونه‌ای که همه‌ی فعالیت‌های خود را در آن سمت و سو تنظیم می‌کند.<sup>۱</sup> در راستای تربیت مهدوی در مدارس به صورت موازی در دانشگاه و به صورت سلسله‌وار ایجاد امید در میان افراد جامعه می‌تواند تأثیر بسزایی در پویایی فراهم کرده و مسیر حرکتی را در فضایی سازنده به سوی جهانی آمده برای ظهور بسازد. ج. حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب: یکی از بهترین مؤلفه‌های رهایی از خمودگی و سستی، تلاش برای ساختن و بهتر کردن شرایط پیش رو است. برای ایجاد امیدواری نیز باید عوامل متعدد و مراحل تکمیل‌کننده‌ای را در روحیه افراد جامعه ایجاد کرد که وجود عنصر تربیتی در مراکز تربیتی که بعد از خانواده دارای بُعد تأثیرگذاری بالایی هستند فرصت مغتنمی است تا جامعه در مسیری امن و صحیح مسیر انتظار را پیموده و امام معصوم را بتواند درک کند. مراحل پیش رو عبارت‌اند از: آگاهی به عدم حضور ظاهری امام؛ احساس نیاز به امام معصوم؛ یقین به ظهور امام غایب؛ دوست داشتن ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه.<sup>۲</sup>

## ۲-۳-۲ وظیفه منتظران

انتظار، عامل حرکت و زمینه‌ساز تحول در درون انسان است. تهذیب نفس و ایجاد تحول درونی در رفتار و کردار و اعمال، مختص کسانی است که به امام عادل و جامعه ایده‌آل می‌اندیشند و با صبر و طمأنینه، امیدوار به ظهور و آمدن او هستند. اخلاق را باید اصلاح کرد؛ چراکه منتظر در فرهنگ مهدوی با قطعی و نزدیک دانستن ظهور، هر لحظه احتمال ظهور موعود عادل خود را می‌دهد. از این رو، در امر اصلاح و مهذب شدن خود سهل‌انگاری نمی‌کند و با

۱. سلیمیان، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۷۷.

صبر و در برابر گناه و هوا و هوس و کسب فضائل اخلاقی در آمادگی خود می‌کوشد.<sup>۱</sup> منتظران در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام در آموزه‌های اسلام مسئولیت‌ها و وظایف مخصوصی دارند که به طور کلی عبارت‌اند از:

۱. ایمان و صبر: ایمان قوی و صبر در انتظار ظهور امام معصوم از جمله اولویت‌های افراد منتظر است. این صبر به انسان‌ها کمک می‌کند تا در مقابل مشکلات و امتحانات عصر غیبت، استقامت داشته باشند.

۲. آموزش و تربیت: منتظران مسئولیت آموزش و تربیت خود و دیگران را در راستای اصول دینی و اخلاقی دارند. آن‌ها می‌توانند به ترویج اصول انسانی، عدالت و انصاف در جامعه کمک کنند.

۳. عبادت و دعا: نیایش و دعا تنها دارایی حقیقی انسان است: **اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ**<sup>۲</sup> انسان منتظر افزون بر عهده‌دار بودن وظایفی عملی در زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام، نباید از دعا و نیایش برای امام غافل شود.<sup>۳</sup>

۴. برقراری عدالت: منتظران باید به ترویج عدالت در جوامع خود اهمیت دهند و در مواجهه با بی‌عدالتی‌ها و سلطه‌طلبی‌ها مقاومت کنند و با فرهنگ‌سازی در این عرصه الگویی برای جهانیان بوده و بدین‌گونه ترویج دهنده عدالت در سطح جهانی باشند.

۵. مشارکت در مسائل اجتماعی: منتظران باید در مسائل اجتماعی مشارکت داشته باشند و در ترویج مسائلی مانند امنیت، آموزش، بهداشت و توسعه جامعه سهم داشته باشند. کسی که منتظر موعود منجی، برای تمام اجتماع انسانی است، می‌بایست خود را برای چنین حرکتی تربیت کرده

۱. نجم، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، ص ۳۶.

۲. الحسینی، اقبال الاعمال، ص ۷۰۹.

۳. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۲۱۸.

و از هر لحاظ آماده کند و برای داشتن چنین رویکردی باید از مدارس بنیان‌های تربیت مهدوی را آغاز کرده تا در جوانی بتوان از آن بهره برد. از این رو نسل جوان و منتظر باید هم صالح باشد و هم مصلح و کسی که قرار است مصلح باشد؛ یعنی قرار است در جهت تربیت دیگران قدم بردارد باید به گونه‌ایی اجتماعی و برای حرکت‌های اجتماعی ساخته و آماده شود.<sup>۱</sup>

۶. ایجاد الگو و حفظ هویت اسلامی - مهدوی: برای ایجاد هویت برای نسل در حال تربیت نیاز است الگوهای تربیتی مناسب با اهداف جامعه اسلامی مطابق با آموزه‌های مهدویت، ارائه گردد؛ زیرا الگوی مهدوی، نقش حساسی در تحول، تغییر و جهت‌دهی کودک نسبت به معارف مهدوی دارد و برداشت محصول این تفکرات در محیط‌هایی همچون دانشگاه‌ها و نوع رفتار جوانان برای ایجاد و پیشبرد جامعه به سمت تربیت مهدوی، می‌توان دید. این جهت‌دهی، باعث تبدیل گرایش‌های نامطلوب به امیال پسندیده مطابق با الگو می‌شود؛ همچنین سبب تغییر رفتارها و حتی اندیشه‌ها و تصمیم‌ها نیز می‌گردد.<sup>۲</sup> گاهی آشنایی کودک با یک الگوی نمونه مهدوی، چنان تاثیری در احساسات، عواطف و باورهای وی می‌گذارد که بخشی از هویت درونی می‌گردد که حتی ممکن است جهت زندگی او را تغییر دهد، چون انسان طبق باورها و سازکارهای هویتی خود زندگی می‌کند.<sup>۳</sup> حال، یکی از مهم‌ترین وظایف مربیان عرصه مهدویت، هم‌سو با ویژگی‌های طبیعی دوره کودکی، برنامه‌ریزی برای معرفی الگوهای شایسته مهدوی است.

۷. ترویج مهدویت: اطلاع‌رسانی در مورد امام معصوم و آموزه‌های مهدویت به منظور آماده‌سازی افراد برای زمینه‌سازی ظهور او نیز بسیار مهم است. از این رو، ایجاد برنامه‌های فرهنگی اثرگذار و مفید برای کودکان در مدارس و محول کردن وظیفه ایجاد و برگزاری امور

۱. کیانی، تربیت نسل منتظر، ص ۱۲۷.

۲. عباسی‌مقدم، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۷۲.

۳. عبدالهی، مهدی‌باوری در کودکان، ص ۱۹۲.

فرهنگی مهدوی در دانشگاه‌ها به جوانان از وظایف منتظران است تا به تدریج جامعه به سمت باورهای مهدوی سوق پیدا کرده و زمینه برای ظهور ولی عصر عجل الله فرجه فراهم گردد.

۸. تحقیق و مطالعه: منتظران باید به تحقیق و مطالعه در مورد مهدویت و مسائل مرتبط با آن اهمیت دهند تا دانش خود را در این زمینه افزایش دهند.

این وظایف نشان‌دهنده نقش مهمی است که منتظران در جامعه اسلامی و انسانی به‌ویژه در عصر غیبت امام معصوم دارند. این وظایف به تعمیق ارزش‌های انسانی و اخلاقی، ترویج عدالت و صلح و حفظ هویت اسلامی - مهدوی در جهان کمک می‌کنند.

## نتیجه‌گیری

آرمان‌های یک جامعه بیانگر میزان رشد و بالندگی آن جامعه هستند و هر اندازه که متکی بر ارزش‌های والای الهی و انسانی بوده و افق وسیع‌تری را پیش‌روی داشته باشند راه وصول به قله‌های کمال و سعادت هموارتر خواهند ساخت. امت اسلام، به‌ویژه جهان تشیع به دلیل توان بالایی که معارف انسان‌ساز الهی در اختیار آن قرار داده است، ظرفیت گسترده‌ای در رسیدن به جامعه‌ای آرمانی و ایده‌آل دارد. در این میان نهاد تعلیم و تربیت متشکل از مدرسه و دانشگاه به‌عنوان نهاد پایه‌ای در این امر به سمت تعالی است و به‌صورت نمونه و مقیاسی کوچک از جامعه‌ای بزرگ‌تر موردتوجه قرار گرفت. به همین جهت، در عصر حاضر به شکل روزافزونی موضوع مهدویت و منجی‌گرایی انتقال ارزش‌ها و هدایت روبه‌افزایش بوده و ضرورت شناسایی آسیب‌ها، آفت‌ها و برداشت‌های نادرست بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و لازم است ضمن ارائه راهکارهای مؤثر در امر تربیت مهدوی به‌خصوص در میان نسل جوان و ایجاد جهان‌بینی گسترده در افکار آن‌ها، راه‌های مقابله با این آسیب‌ها نیز آموزش داده شود.

به‌منظور دستیابی به اهداف مهدوی با بهره‌گیری از ضمیر پاک نوجوانان و جوانان، در محیط‌های آموزشی می‌توان اندیشه، اخلاق و رفتار صحیح را به جامعه ارائه داد تا افراد صالحی از میان اجتماع پدید آیند و صلاحیت همراهی امام را کسب نمایند. چنین کاری نیازمند برنامه‌ریزی و اجرای راهکارهای تربیتی تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، معرفی الگوهای برتر مهدوی، فرهنگ‌سازی مهدوی در نهادهای تربیتی موردنظر، شناخت آسیب‌ها با هدف آسیب‌زدایی و رفع موانع پرورش معنوی از جامعه است تا زمینه رشد معنوی و به‌تبع آن مادی افراد فراهم گردد. بدین‌وسیله به تدریج مقدمات ظهور را با آگاهی طیف گسترده‌ای از جامعه ایجاد و احساس نیاز به امام و حس نقص در نبود امام را از ابتدای تربیت رسمی نوجوانان و جوان به وجود می‌آید. تربیت نسلی با توانایی تفکر انتقادی و تجزیه و تحلیل عمیق، اساساً در جهت شکل‌گیری جامعه تربیتی مهدوی ضروری است؛ بنابراین، جامعه مهدوی محور نیازمند

انسجام اجتماعی و همدلی بین افراد و گروه‌هاست. ترویج ارتباطات مثبت و فعالیت‌های گروهی منجر به تقویت این ارتباطات و ایجاد انسجام درونی خواهد شد.

## منابع

۱. اصفهانی، محمدتقی، **مکیال المکارم**، ج ۲، تهران: انتشارات بدر، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۷۲.
۲. آقانهانی، مرتضی؛ حیدری کاشانی، محمدباقر، **خانواده و تربیت مهدوی**، تهران: انتشارات اتود، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۹.
۳. **ابی جعفر بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، التوحید**، مصحح: سیدهاشم حسینی طهرانی، قم: موسسه نشر اسلامی، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۴۱۶ ق.
۴. **ابن ابی الحدید المعتزلی، شرح نهج البلاغه**، محقق: محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۱۳، بیروت: موسسه الاعلمی، نوبت اول، ۱۴۱۵ ق.
۵. **ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، کمال الدین و تمام النعمه**، شرح: آیت الله کمره‌ای، ج ۲، تهران: اسلامی، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۹۶ ق.
۶. جوادی آملی، عبدالله، **امام مهدی موجود موعود**، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۸.
۷. دژاکام، علی، **تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری**، تهران: موسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۸. **رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسینی، اقبال الاعمال، مقدمه و تعلیقه: حسین اعلمی**، قم: دارالحججه للثقاله، نوبت اول، ۱۴۱۸ ق.
۹. سبزواری، محمد بن محمد، **جامع الاخبار**، قم: موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. ستوده، هدایت الله، **آسیب شناسی اجتماعی**، ج ۵، تهران: انتشارات آوای نور، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۹۴.
۱۱. سلیمیان، خدامراد، **فرهنگ نامه مهدویت**، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۹۰.

۱۲. سهرابی، فرامرز، **مهدویت و فلسفه تاریخ**، قم: موسسه آینده روشن، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۸۹.

۱۳. عباسی مقدم، مصطفی، **نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت**، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، نوبت چاپ مشخص نیست، زمستان ۱۳۷۱.

۱۴. عبدالهی، ابراهیم، **مهدی باوری در کودکان**، قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، چاپ دوم، شهریور ۱۳۹۶.

۱۵. فیلیپ جی اسمیت، **فلسفه آموزش و پرورش**، ترجمه: سعید بهشتی، مشهد: شرکت به نشر (استان قدس)، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۷۰.

۱۶. کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۲، بیروت: دارصعب-دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق.

۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، ج ۱، ح ۹، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۶۵.

۱۸. کیانی، علی اصغر، **تربیت نسل منتظر**، تهران: انتشارات خاکریز، چاپ اول، ۱۳۸۸.

۱۹. کریمی، عبدالعظیم، **سازدهای تربیت و دموکراسی**، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۸۰.

۲۰. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلاب امام مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ**، تهران: انتشارات صدرا، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۸۲.

۲۱. مطهری، مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران: انتشارات صدرا، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۸۴.

۲۲. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار: ختم نبوت**، ج ۳، تهران: انتشارات صدرا، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۳۶۸.

۲۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۵۲، بیروت: موسسه الوفاء، نوبت چاپ مشخص نیست، ۱۴۰۴.
۲۴. نجم، نجمه، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، بهار ۱۳۹۶.
۲۵. بنده کریم، قدسی، عوامل تأثیرگذار بر تربیت مهدوی، در: تربیت زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارها، ج ۳، نهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، قم: انتشارات موسسه آینده روشن، ۱۳۹۳.
۲۶. باقری، خسرو، آسیب و سلامت در تربیت دینی، ارائه شده در همایش آسیب شناسی تربیت دینی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰.
۲۷. پهلوان، منصور، بایسته های پژوهشی در مسئله ی مهدویت، سفینه، ش ۱۲، ۱۳۸۲.
۲۸. حائری پور، محمد مهدی، شاخص های فرهنگی جامعه زمینه ساز ظهور، در: مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ج ۲، قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۹.
۲۹. سجادی، سید عبدالقیوم، جهانی شدن و مهدویت: دو نگاه به آینده، قبسات، شماره ۳۳، ۱۳۸۳.
۳۰. صمدی، معصومه، مهدویت؛ رسالت نظام تعلیم و تربیت در شکل دهی جامعه مهدوی، مصباح، ش ۶۶، ۱۳۸۵.
۳۱. طاهری سرتشنیزی، اسحاق؛ جلالوند، مهدی؛ قاسم نیا، سلمان، آسیب شناسی معرفت دینی با تأکید بر آرای علامه طباطبایی، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال ۱۱، بهار ۱۳۹۴، ش ۴۰.
۳۲. مزروقی، رحمت الله، سیمای مهدویت در برنامه های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷.

## منجی موعود در باور ادیان و ملل

حسن فضل<sup>۱</sup>

### چکیده

در طول تاریخ، بخشی از مردم ساکن زمین، در معرض ظلم و ستم، تعدی و تجاوز، فقر و فاقه، حرمان و ناکامی، بوده و از این رو، ایشان در پی ظهور فرد یا افرادی نجات بخش بوده‌اند و حتی این مسئله در متون و نوشته‌ها و باورهایشان ثبت و ضبط شده است. اکنون این پرسش مطرح است که در باور ادیان الهی و غیرالهی و همچنین ملل گوناگون، این منجی موعود چه کسی است و چه ویژگی‌هایی دارد؟ هدف از پژوهش پیش رو، شناخت و معرفی این موعود نجات بخش در باور ملل و نحل گوناگون است. روش تحقیق توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای پژوهش، بیانگر این مطلب است که اقوام و ملل گوناگون و همچنین ادیان و نحله‌های مختلف در نقاط گوناگون زمین، نجات بخشی را باور دارند که در آینده ظهور خواهد کرد و آن‌ها را از زیر یوغ ستمگران رهایی خواهد بخشید. او جامعه‌ای عادلانه به وجود می‌آورد و باعث سعادت‌مندی مردم خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** موعود، منجی، ادیان، ملل، امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرَجَّاهُ الشَّرِيفَ

اعتقاد به منجی و موعود جهانی، به مسلمانان شیعه و سنی اختصاص ندارد، بلکه دیگر ادیان و مذاهب الهی و حتی غیرالاهی را نیز در بر می‌گیرد. اغلب بر این باورند در زمانی که فساد و تباهی تمام زمین را فراگرفته باشد، فردی نجات‌بخش می‌آید و وضعیت جهان را سامان می‌بخشد. تحقق ظهور در ادیان الهی، با قاطعیت بیان شده و این امر از جانب خداوند صورت می‌گیرد. نوید مصلح جهانی در کتاب‌های آسمانی مختلف دیده می‌شود. این بشارت در کتاب‌های مقدس برهمنیان و بوداییان و سایر ادیان غیرالاهی نیز آمده است.

ادیان غالباً، نجات‌دهنده را به کیش خویش نسبت می‌دهند. زردشتیان او را ایرانی و از پیروان زردشت؛ یهودیان او را از بنی اسرائیل و از پیروان حضرت موسی علیه السلام؛ مسیحیان او را همکیش خود و مسلمانان او را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند. البته می‌توان او را از نژاد ایرانیان شمرد؛ چراکه مادر حضرت سجاد علیه السلام که نیای امام‌زمان علیه السلام است، به قولی شاهداده‌ای ایرانی به نام شهربانو، دختر یزدگرد ساسانی بوده است. از طرف دیگر، می‌توان او را همچون یهودیان، از نسل ابراهیم علیه السلام دانست. امام‌زمان علیه السلام را می‌توان به مسیحیان نیز نسبت داد؛ زیرا طبق برخی روایات، مادر ایشان شاهداده خانم رومی به نام نرجس (نرگس)، از بازماندگان حواریون حضرت عیسی علیه السلام بوده است. از این رو، در یکی از زیارت‌های امام‌زمان علیه السلام آمده است: «السلام علی مَهْدی الْأُمَمِ وَ جَامِعِ الْكَلِمِ؛ ۲ سلام بر مهدی امت‌ها و جامع تمام کلمات وحی الهی!» نویسنده در این مقاله پیش رو، در پی پاسخ به این پرسش است که در باور ادیان الهی و غیرالاهی و ملل مختلف، این منجی و موعود چه کسی است و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است. هدف از پژوهش پیش رو، شناسایی بیش‌تر این موعود نجات‌بخش در باور ملل و نحل گوناگون است. کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره موعود و به‌طور اختصاصی درخصوص امام‌زمان علیه السلام

۱. زیارت امام عصر علیه السلام منقول از سیدبن طاووس.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، ص ۵۵۵.

نگاشته شده است که بخشی از آن به مسئله منجی موعود در باور ادیان و ملل اشاره می‌کند. از جمله کتاب‌هایی که بیش‌تر به اعتقاد ملت‌ها به وجود موعود و منجی پرداخته، کتابی است تحت عنوان «موعودی که جهان در انتظار اوست» که به وسیله آیت‌الله علی دوانی نوشته شده است. از دیگر کتاب‌ها، «نجات بخشی در ادیان است» که توسط محمدتقی راشد محصل نگاشته شده است. «مهدی موعود»، نوشته میرمسعود پادانا نیز از این منظر به موضوع مهدویت می‌پردازد. وجه تمایز این مقاله با سایر نوشته‌ها، اشاره و تأکید به اعتقادات ملل و نحل درباره این نجات بخش وعده داده شده در متون مختلف بوده که مورد استفاده نگارنده بوده است.

### ۱. موعود و منجی در باور ادیان الهی

همه ادیان و مذاهب آسمانی، اعتقاد به ظهور موعود و منجی دارند. آن‌ها بر این باورند که در زمانی تاریک و بحرانی که فساد و بیداد تمام زمین را فراگرفته است، فردی نجات بخش می‌آید و اوضاع نابسامان جهان را سامان می‌بخشد.

«دار مستتر» خاورشناس و استاد دانشگاه سوربن فرانسه، درباره این اعتقاد مشترک نوشته است: «نکته مشترکی که در این ادیان (یهودی، مسیحی و اسلام) یافت می‌شود عبارت از اعتقاد به یک وجود فوق طبیعی است که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت رفته را به جهان باز آورد.»<sup>۱</sup> «گلد زیهر» خاورشناس مشهور یهودی نیز می‌گوید: «اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود، اختصاص به اسلام ندارد. ... پندارهای مشابهی را می‌توان در میان اقوام دیگر نیز به فراوانی پیدا کرد.»<sup>۲</sup>

۱. دارمستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، صص ۶-۵.

۲. الهامی، نوید پیروزی، ص ۱۶۷.

## ۱.۱.۱. اسلام

در اعتقاد مسلمانان، با ظهور منجی جهانی، بیم و ترس مردم به ایمنی و آرامش تبدیل خواهد شد و بندگان صالح خدا، وارثان زمین خواهند شد. قرآن کریم در چند آیه، به این مسئله اشاره دارد:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.»<sup>۱</sup> ما در کتاب زبور پس از تورات نوشته‌ایم که سرانجام، زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

در تفسیر این آیه از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمودند: این بندگان صالح، همان یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در آخرالزمان هستند.<sup>۲</sup>

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.»<sup>۳</sup> و اراده کردیم که بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان قرار دهیم.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.»<sup>۴</sup> خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را خلیفه روی زمین خواهد کرد. همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که خود برای آنان پسندیده، استقرار خواهد بخشید و بیم و ترس آنان را به ایمنی و آرامش مبدل خواهد ساخت (آن چنان که) مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک قرار می‌دهند.

۱. انبیاء: ۱۰۶.

۲. بی‌نا، شرح زندگانی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۴۵.

۳. قصص: ۶.

۴. نور: ۵۵.

«عیاشی» در تفسیر این آیه از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که ایشان از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم او اسم من (محمد) است. وی زمین را از عدل و داد پر می‌سازد؛ همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»<sup>۱</sup>

لازم به تذکر است که نه تنها شیعیان به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف معتقدند بلکه اهل سنت نیز وجود وی را باور دارند. اهل تسنن حدود چهارصد روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نقل کرده‌اند. حتی برخی از عالمان اهل سنت همچون جلال الدین سیوطی و ابونعیم اصفهانی، کتاب‌های مستقلی درباره حضرت نگاشته‌اند.<sup>۲</sup>

## ۲.۱. یهودیت

در کتاب‌های مختلف عهد عتیق (تورات)، بشارت‌هایی به آمدن موعود جهانی و ویژگی‌های او و زمان ظهورش شده است. به برخی فرازهای کتاب عهد عتیق اشاره می‌شود:

- در مزمور ۳۷ از مزامیر حضرت داوود علیه السلام در عهد عتیق آمده است: «دچار تشویش مشو که البته باعث گناه خواهد شد؛ زیرا که شروران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند بود. ... بردباران وارث زمین خواهند شد و از سلامتی فراوان بهره‌مند خواهند گردید. ... صالحان وارث زمین خواهند بود.»<sup>۳</sup>

- در مزمور ۹۶ چنین آمده است: «... (هنگامی که او بیاید) اقوام را به انصاف، داوری خواهد نمود. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پریان غرش نمایند. صحرا و هرچه در

۱. بی‌نا، شرح زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، صص ۴۸-۴۷.

۲. مروجی طبسی، بامداد بشریت، صص ۲۵-۲۳.

۳. دوانی، موعودی که جهان در انتظار اوست، ص ۹؛ جواهریان، کیست مهدی، ص ۲۱، نقل از عهد عتیق، مزمور ۳۷، بندهای ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸.

- آن است، به وجد درآیند. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند زیرا که می‌آید برای داوری جهان.»<sup>۱</sup>
- در مزمور ۹۷ چنین ذکر شده است: «آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند و همه اقوام، جلال او را می‌بینند. پرستندگان بت‌های تراشیده، شرمسار می‌شوند.»<sup>۲</sup>
- در باب ۱۲ کتاب دانیال نبی آمده است: «و در آن زمان سرور میکائیلی ... بر خواهد خاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از زمانی که امتی به وجود آمده تا آن روز نبوده است.»<sup>۳</sup>
- کتاب اِشعیای نبی، کتاب دیگر تورات است. در این کتاب می‌خوانیم: «نهالی از تنه یسی<sup>۴</sup> بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت. ... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و برای مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد. ... گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و کودکی آن‌ها را خواهد راند ...؛ و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.»<sup>۵</sup>
- در کتاب حبقوق نبی آمده است: «اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. ... بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی اقوام را برای خویشتن فراهم می‌آورد.»<sup>۶</sup>

۱. دوانی، موعودی که جهان در انتظار اوست، ص ۱۰.

۲. ابیطحی، مصلح آخرالزمان، ص ۸۴.

۳. دوانی، موعودی که جهان در انتظار اوست، ص ۱۱، الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۶۱، نقل از تورات، کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، بندهای ۵-۱ و ۱۳-۱۰.

۴. یسی به معنی قوی است که نام پدر حضرت داوود است، رک: هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۹۵۱.

۵. الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، صص ۶۱-۶۰؛ جواهریان، امیر، ص ۳ نقل از تورات، اشعیای نبی، فصل ۱۱، بندهای ۱۰-۱.

۶. الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۳۲، نقل از تورات، کتاب حبقوق نبی، فصل ۲، بندهای ۵-۳.

- در کتاب زخریا (زکریا) نبی چنین نقل شده است: «خداوند صاحب قدرت می‌فرماید: در آن روز نجات، من اسامی بت‌ها را از زمین جدا خواهم کرد و آن‌ها دیگر یادآوری نخواهند شد. خداوند بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود. خداوند در آن روز، یکتا و نامش یکتا خواهد بود.»<sup>۱</sup>

«هارامبا» در «تفسیر میشنا» درباره اصل دوازدهم از اصول سیزده‌گانه ایمان یهود، آورده است: «من با ایمان کامل به آمدن «ماشیح» اعتقاد دارم و اگرچه او تأخیر کند، با این حال هر روز در انتظار او هستم که بیاید.»<sup>۲</sup>

### ۳.۱. مسیحیت

در انجیل‌های مختلف مسیحی متی، لوقا، مرقس، برنابا و یوحنا به آمدن موعود اشاره شده است. موعود مسیحیان «فارقلیط» و «پسر انسان» است. به نظر برخی محققان، منظور از فارقلیط، حضرت محمد ﷺ و منظور از پسر انسان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است. مستر «هاکس» آمریکایی در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس»، درباره کلمه پسر انسان عقیده دارد که این کلمه هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن به کار رفته و تنها سی مورد آن با حضرت عیسی عليه السلام منطبق است و پنجاه مورد دیگر به مصلح یا نجات‌دهنده‌ای اطلاق می‌شود که در پایان جهان ظهور خواهد کرد.<sup>۳</sup> به برخی از این بشارت‌ها در انجیل‌های مختلف اشاره می‌شود:

- در انجیل متی در فصل ۲۴ آمده است: «در آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می‌شود که از ابتدای عالم تاکنون ظاهر نشده و نخواهد شد و اگر آن ایام کوتاه نشود، هیچ بشری نجات پیدا نمی‌کند؛ اما به خاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهد شد. ... اینک شما را از

۱. دوانی، موعودی که جهان در انتظار اوست، ص ۱۲.

۲. همان.

۳. محقق، نوید و پیام، ص ۱۶۸.

پیش خبر دادم. ... همچنان که نور از مشرق ساطع شده تا به مغرب می‌رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود. ...؛ و پسر انسان را ببینید که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید. ... شما نیز حاضر باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.»<sup>۱</sup>

- در فصل ۱۳ انجیل مرقس می‌خوانیم: «در آن روزها بعد از آن مصیبت‌ها، آفتاب (خورشید)، تاریک خواهد شد و ماه دیگر نخواهد درخشید. ستاره‌ها از آسمان فرو خواهند ریخت و نیروهای آسمان متزلزل خواهند شد. آن وقت پسر انسان را خواهند دید که با قدرت عظیم و جاه و جلال بر ابرها می‌آید. ... پس بیدار باشید. چون نمی‌دانید که صاحب‌خانه کی می‌آید. شب یا نیمه‌شب، وقت سحر یا سپیده‌دم. مبادا او ناگهان بیاید و شما را در خواب ببیند.»<sup>۲</sup>

- در انجیل لوقا در فصل ۱۲ چنین آمده است: «با کمرهای بسته و چراغ‌های روشن، آماده کار باشید؛ مانند اشخاصی باشید که منتظر آمدن ارباب خود از یک مجلس عروسی هستند و حاضرند که هر وقت برسد و در را بکوبد، او را به داخل بیاورند. خوش به حال خادمی که وقتی اربابشان می‌آید، آنان را چشم به راه ببیند. ... پس آماده باشید. چون پسر انسان در ساعتی می‌آید که شما کمتر انتظار آن را دارید.»<sup>۳</sup>

- در فصل ۲۱ همین انجیل می‌خوانیم: «آن وقت پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابری می‌آید. وقتی این رخدادها شروع شود، شما راست بایستید و سرهایتان را راست نگاهدارید، چون رستگاری شما نزدیک است.»<sup>۴</sup>

۱. انجیل شریف، صص ۷۷-۷۵.

۲. همان، صص ۱۴۰-۱۳۹.

۳. همان، صص ۲۰۵-۲۰۴.

۴. همان، صص ۲۳۵-۲۳۴.

## ۴.۱. آیین زردشت

زردشتیان در آینده، چشم به راه سه موجود هستند. آن سه تن عبارت‌اند از:

۱. «اخشیت ارت»<sup>۱</sup> یا «هوشیدر»؛

۲. «اخشیت نمه»<sup>۲</sup> یا «هوشیدر ماه»؛

۳. «استوت ارت»<sup>۳</sup> یا «سوشیوس» (ساوشیانت/ سوشیانت/ سوشیانس).

بنا به اعتقاد آیین زردشت هریک از این افراد پس از هزار سال از پس یکدیگر پدید آیند.<sup>۴</sup> مهم‌ترین این موعودها، سوشیانت است که آخرین موعود است و «سوشیانت پیروزگر» نامیده شده است.<sup>۵</sup> سوشیانت به معنی برگزیده و سود رسان است و به گفته برخی نویسندگان ممکن است به چند نفر اطلاق شود.<sup>۶</sup> وجود موعود در تمام کتاب‌های زردشتی اعم از اوستا و شرح آن همچون «زند» و کتاب «پازند» و نیز کتاب‌های «جاماسب‌نامه»<sup>۷</sup>، «داتستان دینیک»<sup>۸</sup>، «زراتشت‌نامه»<sup>۹</sup>، «گات‌ها»<sup>۱۰</sup> و «دینکرد»<sup>۱۱</sup> آمده است. به گمان مزدیسنان یا زردشتیان، سوشیانت ظاهر می‌شود و اهریمن را از بین می‌برد و جهان را از تمام بدی‌ها پاک می‌کند.<sup>۱۲</sup> این پیروزی

1. Xshyat ereta.
2. Xshyat namah.
3. Ustavat errata.

۴. جعفری، علی‌اکبر، پیام زرتشت، ص ۱۱۹.

۵. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۶۷.

۶. رضایی، عبدالعظیم، حقایقی از اصل و نسب ایرانیان قبل از اسلام، ص ۶۱.

۷. جاماسب‌نامه از آثار منسوب به مزدیسنان است که مشتمل بر پرسش و پاسخ میان گشتاسب‌شاه و جاماسب حکیم می‌باشد.

۸. این کتاب توسط موبد بزرگ «منوچهر» نوشته شده است.

۹. کتاب به‌وسیله شاعری زردشتی به نام «زردشت بهرام پژدو» نگاشته شده است.

۱۰. سروده‌هایی از کتاب اوستا.

۱۱. کتاب دستورات و احکام دینی زردشتیان.

۱۲. امینی، دادگستر جهان، ص ۸۵.

تحت عنوان «پیروزی لشکریان اهورامزدا بر اهریمن» نیز مطرح شده است.<sup>۱</sup> از ویژگی‌های دیگر دوران سوشیانت، برخاستن مردگان و نو شدن جهان توسط وی است.<sup>۲</sup> در کتاب دینکرد چنین آمده است: «از آنجا که دین با یک رهبر یعنی زردشت شروع شد، با یک رهبر نیز به پایان می‌رسد و سوشیانت در پایان، آخرین پیشوای دینی خواهد بود.»<sup>۳</sup> در کتاب گات‌ها تحت عنوان «بامداد روز» می‌خوانیم: «کی‌ای مزدا، سپیده‌دم فراز آید و جنبش بشر به سوی راستی روی کند. کی نجات‌دهنده (سوشیانت) بزرگ با گفتار پر از حکمت خویش به مراد رسد. کیانند کسانی که «وهومن» (بهمن) به یاریشان خواهد آمد؟»<sup>۴</sup> در کتاب جاماسب‌نامه که توسط جاماسب حکیم، شاگرد زردشت، نوشته شده است، از قول زردشت اوضاع پیش از ظهور سوشیانت را چنین بازگو می‌کند: «پیمان شکنی، دروغ و بی‌دینی در جهان رواج می‌یابد و مردم از خدا دوری می‌جویند. ظلم، فساد و فرومایگی آشکار می‌گردد و زمینه را برای ظهور آن نجات‌دهنده مساعد می‌کند.»<sup>۵</sup>

هنگام ظهور سوشیانت، وقایعی در جهان رخ می‌دهد از جمله: علامت‌های شگفت‌انگیزی که در آسمان پدید می‌آید و دلالت بر آمدن خردشهر ایزد می‌باشد. فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می‌شوند و به همه دنیا پیام می‌فرستند؛ اما اشخاص شرور او را انکار می‌کنند.<sup>۶</sup> در جای دیگر جاماسب در پاسخ «گشتاسب» پادشاه، درباره سوشیانت می‌گوید: «سوشیانت (نجات‌دهنده)، دین را به جهان روا (رایج) کند؛ آرزو و نیاز (تنگدستی) همه را از بین ببرد، اهریمن را از دامان آفریدگان باز دارد و مردمان گیتی هم‌منش (هم‌فکر)، هم‌گفتار و هم‌کردار شوند.»<sup>۷</sup>

۱. افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌هم، ص ۱۶.

۲. راشد محصل، نجات‌بخشی در ادیان، ص ۷.

۳. ابراهیم، مهدویت در اسلام و دین زردشت، ص ۳۰.

۴. برنجیان، آینده جهان، ص ۲۴؛ بهشتی، محمد، ادیان و مهدویت، ص ۲۳.

۵. دوانی، موعودی که جهان در انتظار اوست، صص ۵-۴.

۶. همان.

۷. همان، ص ۵.

جای دیگر این کتاب، درباره موعود آسمانی آمده است: پیغمبر عرب، آخر پیغمبران است که از میان کوه‌های مکه پیدا می‌شود... از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جهان و شاه‌زنان نام دارد، کسی پادشاه شود به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد و دولت او تا قیامت متصل باشد و از خوبان و پیامبران، گروه بسیاری را زنده کند.<sup>۱</sup>

## ۲. موعود و منجی در باور ادیان غیرالهی

### ۱.۲. آیین هندو

آینده بشریت در اعتقاد هندویسیسم درخشان بوده و وجود منجی در کتاب‌های برهمنان تأکید شده است. کتاب‌های مختلف ایشان از جمله «ریک‌ودا»، «دادتک»، «پورانا»، «باسک» و غیره نویدهایی به آمدن موعود می‌دهند.<sup>۲</sup> به برخی از این بشارت‌ها اشاره می‌شود:

در کتاب ریک‌ودا به ظهور «ویشنو» این چنین اشاره شده است: «ویشنو در میان مردم ظاهر می‌شود... او از همه کس قوی‌تر و نیرومندتر است... در یک دست ویشنو، شمشیری به مانند ستاره دنباله‌دار و یا شعله آتش و در دست دیگر، انگشتری درخشاننده دارد. هنگام ظهورش، خورشید و ماه تاریک می‌شوند و زمین خواهد لرزید. او به عنوان «کال‌کی» ظاهر می‌شود درحالی‌که بر اسب سفیدی سوار است. تمام شروران را هلاک می‌کند. خلقت را از نو تجدید کرده و پاکی را رجعت خواهد داد... این مظهر دهم، در پایان عالم ظهور می‌کند.»<sup>۳</sup>

در کتاب «شاکمونی» از موعود و مصلحی به نام «کشن» یاد می‌شود. در این کتاب می‌خوانیم: «پادشاهی و دولت دنیا، به فرزند بزرگ مخلوقات در دو جهان، کشن، تمام شود. کسی که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند. جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا سرزمین تسعین که زیر

۱. پادانا، مهدی موعود، ص ۱۳۴.

۲. افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ص ۱۶.

۳. محقق، نوید و پیام، ص ۶۲.

قطب شمالی است و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده (قائم) باشد و فردی خداشناس باشد.<sup>۱</sup>

دادتک کتاب دیگر برهمنان است. در این کتاب چنین آمده است: «بعد از آنکه مسلمانی به هم رسد. در آخرالزمان اسلام در میان مسلمانان به خاطر ظلم ظالمان، فسق عالمان، تعدی حاکمان، ریای زاهدان، بی‌دیانتی امینان و حسد حاسدان از بین رود و به جز نام، از آن چیزی نماند ... دست حق برآید و جانشین آخر «ممتاطا»<sup>۲</sup> ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و همه جا بگردد ... و خلایق را هدایت کند.»<sup>۳</sup>

در کتاب «وشن جوک» هم به آینده جهان و موعود جهانی اشاره دارد: «سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد.»<sup>۴</sup>

در کتاب دیگر هندوها با نام پوراننا شرح مفصلی درباره دوره آخرالزمان آمده است. این دوران، آخر عصر کالی<sup>۵</sup> یعنی آخرین دروه پیش از ظهور دهمین «آواتارای ویشنو» است.<sup>۶</sup>

باسک از دیگر کتاب‌های مقدس هندوها است. در آنجا خصوصیت موعود جهانی چنین بیان می‌شود: «دور دنیا به پادشاه عادل در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه، پریان و آدمیان باشد. حق و راستی با او باشد. آنچه در دریاها، زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌ها باشد خبر می‌دهد. از او کسی بزرگ‌تر به دنیا نیاید.»<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۶۱.

۲. ممتاطا در زبان هندی به معنای محمد است و نام امام زمان هم (م. ح. م. د) می‌باشد، ر.ک: الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۶۶، پانوش.

۳. الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، صص ۶۷-۶۶.

۴. همان، ص ۶۶... فرخنده به زبان عربی محمد و محمود هم گفته می‌شود همان.

5. Kali.

۶. حکیمی، خورشید مغرب، صص ۶۹-۶۸.

۷. محقق، نوید و پیام، ص ۶۱.

«پاتیکل» از رهبران هندو است. او در کتاب خویش به آمدن منجی اشاره می‌کند و خصوصیات او و زمان ظهورش را چنین می‌نگارد: «چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه، نو و زنده گردد و صاحب ملک، پیدا شود. از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان<sup>۱</sup> و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگ‌تر وی که پشن<sup>۲</sup> نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه، راهنما<sup>۳</sup> است، به حق پادشاه شود و خلیفه رام<sup>۴</sup> باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد... دولت او بسیار طولانی شود... و آخر دنیا به او تمام شود.»<sup>۵</sup>

### ۳.۲. آیین بودا

بوداییان همانند سایر ملل و نحل، در انتظار منجی به سر می‌برند. شخص مورد نظر این آیین، «بودای پنجم» است.<sup>۶</sup>

### ۴.۲. مانوی‌ها

در کتاب «شابوهرگان» که کتاب مقدس مانویان بوده و توسط «مولر» ترجمه شده است، نام شخصی با عنوان «خردشهر ایزد» آمده که باید در آخرالزمان ظهور کند و عدالت را در جهان گسترش دهد.<sup>۷</sup>

### ۵.۲. مکتب مارکسیسم

مکتب مارکسیسم به وجود شخصی خاص در آینده اشاره نکرده است، اما پیروان این مکتب، آینده را رو به زوال نمی‌بینند؛ بلکه معتقدند که آینده، روندی رو به کمال را طی می‌کند.<sup>۸</sup>

۱. به نظر می‌رسد که منظور از ناموس آخرالزمان، حضرت محمد ﷺ باشد. ر.ک: ابطحی، مصلح آخرالزمان، ص ۱۳۳.

۲. پشن نام هندی حضرت علی عَلِيٌّ است (ر.ک: همان).

۳. از نام‌های امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، هادی (راهنما) است (ر.ک: همان).

۴. «رام» نام خدای هندوها است.

۵. ابطحی، مصلح آخرالزمان، صص ۱۳۴-۱۳۳.

۶. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۶۹.

۷. الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۶۷.

۸. افتخارزاده، گفتارهایی پیرامون امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، صص ۱۷-۱۶.

### ۳. موعود و منجی در باور ملل

اعتقاد به وجود موجود نجات بخش در باورهای ملل مختلف وجود دارد. غالب ملل در پی موعودی هستند که آن‌ها را به سعادت واقعی برساند و عدالت را در جهان گسترش دهد.

#### -مصریان

یکی از فراعنه مصر به نام «ریان دومغ» چنین نوشته است: «من ریان دومغ هستم. برای اطلاع از منبع رود نیل از وطن خویش بیرون آمدم تا به دریا رسیدم. پس از مراجعت، اهرام و برابری را بنا کردم و تمام گنج‌های خود را در آن پنهان نمودم. آثار حکمت خود را نوشته و در آنجا جای دادم. روزی فرا می‌رسد که فرستاده پروردگار من، قفل‌ها از این اسرار بگشاید. او کسی است که در آخر دنیا در اطراف خانه خدا پیدا می‌شود. این و برابری هم مسخر وی می‌گردد.»<sup>۱</sup> گروهی از مصریان که حدود سه هزار سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس» زندگی می‌کردند نیز معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می‌شود. این فرد اختلاف طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش و آسایش دعوت می‌کند.<sup>۲</sup> عده‌ای دیگر از مردم مصر هم بر این باور بودند که فرستاده خدا در آخرالزمان در کنار خانه خدا پدیدار شده و جهان را تسخیر می‌کند.<sup>۳</sup>

#### -مغول‌ها

در میان اقوام مغول، این عقیده شایع است که چنگیزخان پیش از مرگ خویش پیش‌گویی کرده است که هشت یا نه قرن دیگر دوباره در زمین ظهور خواهد کرد و مغولان را از زیر یوغ چینی‌ها نجات خواهد داد.<sup>۴</sup>

۱. پادانا، مهدی موعود، ص ۱۳۲.

۲. الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۷۳.

۳. همان.

۴. الهامی، نوید بهروزی، مجموعه‌ای از گفتارها درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ص ۱۶۷.

### -انگلساکسون‌ها

بنا به عقیده انگلساکسون‌ها شخصی به نام «آرتور» در جزیره الوان ساکن است و زمانی ظهور خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### -اسلاوها

این قوم معتقدند که شخصی از مشرق‌زمین ظهور می‌کند و بر دنیا مسلط خواهد شد.<sup>۲</sup>

### -اسن‌ها

این گروه بر این باورند که پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده و دروازه‌های ملکوت آسمان را بر انسان‌ها خواهد گشود.<sup>۳</sup>

### -سلت‌ها

بنا به عقیده این طایفه، پس از بروز آشوب‌هایی در جهان «بوریان بوریهم» قیام می‌کند و دنیا را به تصرف خویش درمی‌آورد.<sup>۴</sup>

### -اقوام اسکاندیناوی

این‌ها معتقدند که زمانی برای مردم بلاهایی می‌رسد. جنگ‌های جهانی باعث نابودی مردم و اقوام فراوان می‌شود. در این هنگام «اودین» با نیروی الهی ظهور می‌کند و بر همگان چیره می‌شود.<sup>۵</sup>

---

۱. پادانا، مهدی موعود، ص ۱۳۲.

۲. همان.

۳. الهامی و مهدی‌پور، او خواهد آمد، ص ۷۳.

۴. همان.

۵. همان.

### - یونانیان

یونانیان اعتقاد دارند که شخصی به نام «کالوی برگ» زمانی خواهد آمد و باعث نجات جهانیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### - صرب‌ها

صرب‌ها در انتظار ظهور شخصی به نام «مارکو کرالیویچ» هستند.<sup>۲</sup>

### - ژرمن‌ها

نژاد ژرمن بر این باور بوده‌اند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام خواهد کرد و قوم ژرمن را بر جهان مسلط خواهد کرد.<sup>۳</sup>

### - اروپای مرکزی

ساکنان اروپای مرکزی منتظر ظهور نجات‌بخشی به نام «بوخص» هستند.<sup>۴</sup>

### - آمریکای مرکزی

بنا به اعتقاد اقوام آمریکای مرکزی، شخصی به نام «کوتزل کوتل» باعث نجات جهان خواهد بود.<sup>۵</sup>

### - قبایل ای پوور

این گروه معتقد به آمدن پادشاهی دادگر در پایان جهان هستند.<sup>۶</sup>

۱. همان.

۲. بهشتی، ادیان و مهدویت، ص ۳۹.

۳. الهامی و مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۷۲.

۴. همان، ص ۷۳.

۵. همان.

۶. همان.

## -ایرانیان باستان

گروهی از ایرانیان اعتقاد داشتند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوارساختن شالوده فرمانروایی، تاج پادشاهی را به فرزند خود داده و به کوهستان رفته و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.<sup>۱</sup> عده‌ای دیگر از ایرانیان باستان، باورشان این بود که «گرازاسیه» در کابل خوابیده است و روزی قیام خواهد کرد.<sup>۲</sup>

---

۱. بهشتی، ادیان و مهدویت، ص ۳۹؛ الهامی و مهدی‌پور، او خواهد آمد، ص ۷۲.

۲. پادانا، مهدی موعود، ص ۱۳۲.

## نتیجه‌گیری

در متون ادیان و مذاهب الهی از قبیل یهودیت، مسیحیت، زرتشتی و اسلام و حتی مذاهب و مکاتب غیر الهی از موعود منجی و مصلح، سخن به میان آمده که با ظهور خود به ستم‌ها و بی‌عدالتی‌ها خاتمه می‌دهد و دولتی بر اساس عدالت و آزادی، استوار می‌سازد. هرچند کتاب‌های آسمانی، سوای قرآن، دستخوش تحریف و تغییر شده‌اند، اما با این وجود، به مصلح جهانی اشاره دارند و پیشگویی‌هایی درباره این شخص و شرایط زمان او بیان می‌کنند که با آمدنش این رنج و حرمان به پایان خواهد رسید. او سوشیانت مزدیسنان، کریشنای برهمنان، بودای پنجم بوداییان، میکائیل یا ماشیح یهودیان، پسر انسان مسیحیان و مهدی عَلَيْهِ السَّلَام مسلمانان است. اقوام و ملل گوناگون در اقصی نقاط جهان نیز به نجات بخشی معتقدند که در آخرالزمان ظهور می‌کند و آن‌ها را از زیر یوغ ستمگران رهایی می‌بخشد و جامعه‌ای آرمانی به وجود می‌آورد. همه چشم به راه اویند و آمدنش را به انتظار نشسته‌اند تا بیاید و با آمدنش، چراغ راهشان باشد، عدالت واقعی را در تمام جهان گسترده و سعادت‌مندی انسان را به ارمغان بیاورد.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابراهیم، علیرضا، **مهدویت در اسلام و دین زردشت**، انتشارات باز، چاپ اول، تهران،

۱۳۸۱.

۲. ابطحی، سیدحسن، **مصلح آخرالزمان**، نشر حاذق، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۴.

۳. افتخارزاده، سیدحسن، **گفتارهایی پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف**، انتشارات نیک معارف،

چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۹.

۴. الهامی، داوود، نوید بهروزی، **مجموعه‌ای از گفتارها درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف**، نشر

پنگوئن، تهران، ۱۴۰۲ ق.

۵. الهامی، داوود و علی اکبر مهدی پور، **او خواهد آمد**، نشر مرتضی، قم، ۱۴۰۳ ق.

۶. امینی، ابراهیم، **دادگستر جهان**، انتشارات دارالفکر، چاپ چهارم، قم، ۱۳۵۲.

۷. **انجیل شریف (عهد جدید)**، انجمن کتاب مقدس ایران، چاپ چهارم، تهران، ۱۹۸۶ م.

۸. برنجیان، جلال، **آینده جهان**، مؤسسه تحقیقات و انتشارات طور، چاپ اول، قم، ۱۳۷۶.

۹. بهشتی، محمد، **ادیان و مهدویت**، مؤسسه مطبوعاتی حسینی، تهران، بی تا.

۱۰. بی نا، **شرح زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف**، مرکز فعالیت‌ها و پژوهش‌های قرآن و عترت،

سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، بی تا.

۱۱. پادانا، میرمسعود، **مهدی موعود**، چاپخانه کاویان، بی جا، ۱۳۴۹.

۱۲. جعفری، علی اکبر، **پیام زردشت**، سازمان انتشارات فروهر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۳.

۱۳. جواهریان، امیر، **کیست مهدی**، نشر جلی چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.

۱۴. حکیمی، محمدرضا، **خورشید مغرب**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰.

۱۵. دارمستتر، جیمز، **مهدی، از صدر اسلام تا قرن سیزدهم**، ترجمه محسن جهان سوز،

کتابفروشی ادب، بی جا، ۱۳۱۷.

۱۶. دانش پور، موعود مصلح به روایت کتاب‌های مقدس، گفتگو با حجت‌الاسلام نعمتی، روزنامه خراسان، ش ۵۶۷۶.
۱۷. دوانی، علی، موعودی که جهان در انتظار اوست، انتشارات دارالعلم، چاپ دوم، قم، ۱۳۴۹.
۱۸. راشد محصل، محمدتقی، نجات‌بخشی در ادیان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۹. رضایی، عبدالعظیم، حقایق از اصل و نسب ایرانیان قبل از اسلام، سازمان انتشارات فروهر، تهران، ۱۳۵۹.
۲۰. عبدالباقی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، مطبعه دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۳۶۴ ق.
۲۱. قائمی، علی، مسئله انتظار، انتشارات هجرت، قم، بی‌تا.
۲۲. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، منشورات الفجر، بیروت، ۱۴۳۳ ق/ ۲۰۱۲ م.
۲۳. محقق، بدرالسادات، نوید و پیام، انتشارات رسالت، چاپ اول، قم، ۱۳۷۴.
۲۴. مروجی طبسی، محمدجواد، بامداد بشریت، انتشارات مسجد جمکران، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۶.
۲۵. هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۴۰۰.

## بررسی تأثیر جریان‌های انحرافی مهدوی بر تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهرداد ندرلو<sup>۱</sup>

### چکیده

باور به مهدویت از مؤلفه‌های کانونی هویت و گفتمان جمهوری اسلامی ایران است که انتظار فعال را در عرصه سیاسی و اجتماعی به ارمغان آورده است. با این حال وجود جریان‌های انحرافی مهدوی و تلاش آن‌ها برای تضعیف ارکان اعتقادی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران این سؤال را مطرح می‌کند که: این جریان‌ها چگونه ابعاد حساس و امنیت ملی جمهوری اسلامی را تضعیف می‌کنند؟ بر همین اساس این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای و به بررسی این پدیده پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این جریان‌ها با تلاش برای سلب هویت اسلامی و مشروعیت‌زدایی از نظام، تضعیف جایگاه ولایت فقیه و رهبری دینی، کاهش پایگاه مردمی و ترویج بی‌اعتمادی و نیز ایجاد شکاف‌های اجتماعی و فرقه‌گرایی، به طور جدی همبستگی ملی و انسجام جامعه را هدف قرار داده و دشمنان و استعمارگران نیز از این جریان‌ها برای تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** جریان‌های انحرافی، مهدویت، امنیت ملی، جمهوری اسلامی، تضعیف امنیت

ملی.

باور به ظهور منجی موعود که در تشیع اثنی عشری با مفهوم عمیق و ریشه دار «مهدویت» تبلور یافته است، نه تنها یک اصل اعتقادی، بلکه منبع الهام بخش تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی در میان شیعیان بوده است. این باور که انتظار برای برپایی عدالت جهانی توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کانون خود دارد، به اشکال گوناگون و در عرصه مختلف کنشگری جمعی و فردی شیعیان در طول تاریخ بروز یافته است. در بستر جمهوری اسلامی ایران نیز که بنیان‌های نظری و گفتمانی آن پیوندی ناگسستنی با آموزه‌ها و آرمان‌های شیعی دارد، مهدویت جایگاهی کانونی یافته و به یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت نظام و گفتمان انقلاب اسلامی ایران تبدیل شده است. بر همین اساس، در جمهوری اسلامی ایران، مهدویت از پدیده‌ای صرفاً اعتقادی و انتظار ایستا، خارج شده و در معادلات و پویایی‌های عرصه عمومی و سیاسی نیز وارد شده است. اما در کنار روایت رسمی از مهدویت و الزامات دوران انتظار، همواره شاهد حضور و فعالیت «جریان‌های انحرافی مرتبط با مهدویت» بوده‌ایم که ممکن است در فهم، تفسیر و رویکردهای عملی نسبت به این باور بنیادین، تفاوت‌ها، تنوعات و گاه واگرایی‌هایی نسبت به گفتمان رسمی داشته باشند. این جریان‌ها که می‌توانند شامل گروه‌ها، محافل فکری، یا شبکه‌های ارتباطی با سطوح مختلف سازماندهی (از کاملاً غیر رسمی تا نیمه رسمی) باشند، با تولید و ترویج گفتمان‌های خاص خود و انجام کنش‌های مبتنی بر این گفتمان‌ها، در فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه حضور دارند و تلاش می‌کنند تا فضای عمومی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهند.

بر همین اساس، به دلیل ماهیت حساس و گاه هیجان‌انگیز موضوع مهدویت که از ظرفیت بسیار بالایی در تاثیرگذاری بر لایه‌های مختلف جامعه برخوردار است؛ این تحقیق، تلاش دارد به بررسی تأثیر جریان‌های انحرافی مهدوی بر تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. بدین منظور سؤال اصلی این است: جریان‌های انحرافی مهدوی، چگونه بر ابعاد حساس و

حیاتی امنیت به ویژه امنیت سیاسی (مانند ثبات نظام، مشروعیت حاکمیت، اعتماد به نهادهای حاکمیتی) و امنیت اجتماعی (مانند انسجام ملی، همبستگی اجتماعی، کاهش تنش‌ها و پایداری هنجارها) در جامعه ایران تأثیر می‌گذارند؟

لذا، آنچه انجام این تحقیق را ضرورت می‌بخشد از چند جنبه قابل بررسی است: نخست آنکه مهدویت یکی از باورهای بنیادین جامعه ایران است و نقش راهبردی در آن دارد. به گونه‌ای که خوانش‌های انحرافی از آن به طور مستقیم، بافت اجتماعی و سیاسی جامعه ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم اینکه هرگونه تأثیر بر امنیت سیاسی و اجتماعی، پیامدهای مستقیمی بر ثبات، توسعه و رفاه عمومی جامعه دارد. از این رو شناخت عوامل موثر بر این حوزه ضرورت دارد. همچنانکه از لحاظ کاربردی، نتایج این تحقیق می‌تواند در جهت فهم بهتر پدیده‌های مرتبط با مهدویت و اتخاذ رویکردهای مناسب در مواجهه با جریان‌های انحرافی مفید باشد.

بدین منظور، برای رسیدن به پاسخ مسئله، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌شود. در همین راستا داده‌ها از منابع جریان‌های انحرافی و دیگر منابع مرتبط گردآوری شده و با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی می‌شوند.

در بررسی پیشینه پژوهش، مشخص می‌گردد که علیرغم توجه فزاینده‌ی اهمیت باور به مهدویت و پدیده ظهور برخی گروه‌ها و مدعیان مرتبط با آن در سالیان اخیر، همچنان تحلیل علمی و نظام‌مند درباره چگونگی و میزان تأثیرگذاری مشخص‌گفتمان‌ها و اشکال کنشگری این جریان‌های متنوع (فارغ از قضاوت ارزشی درباره آن‌ها) بر ابعاد کلیدی امنیت در جامعه و نظام سیاسی ایران، به ویژه امنیت سیاسی و اجتماعی، همچنان با خلأهای پژوهشی مواجه است.

با این وجود، برخی مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش حاضر قابل ذکر هستند. از جمله می‌توان به مقاله «آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران» اثر علیرضا

قاضی زاده<sup>۱</sup>؛ «آسیب شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام» نوشته عبدالحسین خسرو پناه<sup>۲</sup>؛ و پژوهش «بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی» اثر ابراهیم حاجیانی<sup>۳</sup> اشاره کرد. این مقالات، اگرچه به تحلیل آسیب‌های اجتماعی و سیاسی ناشی از فرقه‌هایی با رویکردهای انحرافی می‌پردازند، اما تمرکز اصلی آن‌ها به‌طور خاص بر جریان‌ات مرتبط با مهدویت نیست و از این منظر دارای محدودیت‌هایی در پوشش کامل موضوع این پژوهش می‌باشند.

در ادامه بررسی پیشینه پژوهش، شایان ذکر است که پژوهش‌های دیگری نیز توسط نگارنده این مقاله و با همکاری حجت‌حیدری چراتی صورت پذیرفته است. این مطالعات شامل مقالاتی با عناوین «تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی»<sup>۴</sup>؛ «بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدوی در جامعه ایران»<sup>۵</sup> و «بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه»<sup>۶</sup> می‌باشند.

هر چند این مقالات به‌طور مستقیم به جریان‌ات مرتبط با مهدویت پرداخته‌اند، اما با توجه به اینکه تمرکز اصلی آن‌ها بر تحلیل یک گروه خاص و محدود (جریان منصور هاشمی خراسانی) بوده است، نمی‌توانند به‌طور کامل پاسخگوی نیاز پژوهش حاضر باشند. بر همین اساس وجه

۱. قاضی‌زاده، آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران، صص ۱۴۹-۱۹۰.

۲. خسرو پناه، آسیب‌شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام، صص ۵-۲۸.

۳. حاجیانی، بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی، صص ۲۳۳-۲۵۱.

۴. حیدری چراتی، ندولو، تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی، صص ۷۰-۹۰.

۵. همان، بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدوی در جامعه ایران، صص ۹۵-۱۲۰.

۶. همان، بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه، صص ۳۳-۶۸.

تمایز پژوهش حاضر در آن است که با اتخاذ رویکردی جامع‌تر و تطبیقی، طیف گسترده‌تری از جریان‌های انحرافی مهدوی را مورد شناسایی و تحلیل قرار داده و به جای تمرکز صرف بر یک مصداق خاص، به بررسی گفتمان‌ها، الگوهای کنشگری و پیامدهای امنیتی این جریان‌ها بر مؤلفه‌های کلیدی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

بنابراین در ادامه، در راستای نیل به اهداف پژوهش، در گام نخست به تبیین مفاهیم کلیدی مؤثر در فهم دقیق مسئله پرداخته خواهد شد؛ سپس، تأثیر جریان‌ات مورد مطالعه بر ابعاد امنیت سیاسی و اجتماعی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

## مفهوم‌شناسی واژگان

### - جریان

در تبیین مفهوم «جریان»، لازم است ابتدا به معنای لغوی آن اشاره شود. این واژه در لغت به مفاهیمی چون حرکت، روان شدن و به وقوع پیوستن امری دلالت دارد.<sup>۱</sup> در حوزه اصطلاح علوم اجتماعی، «جریان» به یک تشکل، جمعیت یا گروه اجتماعی مشخص اطلاق می‌گردد که علاوه بر برخورداری از مبانی فکری منسجم، دارای نوعی رفتار ویژه اجتماعی نیز بوده<sup>۲</sup> و در پی تأثیرگذاری بر بدنه جامعه است.<sup>۳</sup> بر این اساس، یک جریان را می‌توان با شاخصه‌هایی چون وجود رهبر، داشتن پیرو و رهرو، برخورداری از اندیشه و تفکر مشخص، قابلیت شکل‌گیری و حرکت (عدم توقف در نطفه) و دارا بودن کارکرد و تأثیرگذاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و دینی شناسایی کرد. جریان‌های مهدوی به دلیل دارا بودن این ویژگی‌های محوری در چارچوب این تعریف قرار می‌گیرند.

۱. دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۵، ص ۷۶۷۳؛ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۵۳۰؛ راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۹۴.

۲. خسرو پناه، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، ص ۹.

۳. اسکندری، درسنامه جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران، ص ۳۶؛ ک: مظفری، جریان‌شناسی سیاسی

ایران معاصر، ص ۱۵.

## - انحراف

واژه «انحراف» با ریشه «ح ر ف»، به معنای میل و تغییر جهت از مسیر اصلی، مفهومی است که در متون دینی، حقوقی، جامعه‌شناختی و فلسفی معانی گوناگونی یافته است. در قرآن کریم نیز کاربرد آن در قالب «يُحْرِفُونَ الْكَلِمَةَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»<sup>۱</sup> اشاره به تغییر معنا و جایگاه کلام دارد.<sup>۲</sup> در فرهنگ فارسی، واژه‌هایی چون بی‌راه شدن، عصیان و گمراهی معادل آن آورده شده است.<sup>۳</sup> در حوزه جامعه‌شناسی و حقوق، انحراف به معنای نقض هنجارها و قوانین است،<sup>۴</sup> در فرهنگ فلسفی به معنای تمایل از حد وسط و گرایش به یکی از طرفین شیء است که با معنای لغوی همخوانی دارد؛<sup>۵</sup> اما در نگرش دینی، انحراف به خروج از مسیر عبودیت و هدف آفرینش اطلاق می‌شود و نه تنها شامل کج‌رفتاری، بلکه کج‌باوری و تحریف در دین نیز هست.<sup>۶</sup> بر این اساس، معیار اصلی در تعریف جریان‌های انحرافی در پژوهش حاضر، نادیده گرفتن آموزه‌های اصیل دینی، جعل روایت، ادعای مقام‌های خاص بدون نص معتبر، تطبیق نشانه‌های خاص بر خود و تحریک احساسات مردم با استفاده از تفاسیر جانبدارانه از روایات، برای ایجاد شکاف در وحدت اسلامی است. اموری که انحرافی بودن آن‌ها نه صرفاً بر اساس موازین عرفی، بلکه بر پایه شاخص‌های ثابت دینی و معرفت‌شناختی سنجیده می‌شود.

۱. النساء: ۴۶؛ المائده: ۱۳.
۲. راغب، پیشین، ص ۲۲۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۳؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۲.
۳. معین، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۰؛ دهخدا، پیشین، ج ۳، ص ۳۴۸۳۳.
۴. سلیمی، جامعه‌شناسی کجروی‌ها، ص ۱۲۲؛ کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۲۷۲؛ صدر، قرآن و پدیده انحراف در جامعه، ص ۱۶.
۵. صلیبا، فرهنگ فلسفی، ج ۱، ص ۱۶۹.
۶. صدر پیشین.

واژه «امنیت» ریشه در ماده (أ م ن) دارد و در لغت بر دو معنای نزدیک به هم دلالت می‌کند: ۱. آرامش دل؛ و ۲. تصدیق. ابن فارس این ریشه را به دو اصل امانت (ضد خیانت و به معنای آرامش دل) و گواهی دادن مرتبط دانسته و می‌گوید: فردی قابل اعتماد است که مردم از او در امان باشند و نگران ایجاد غائله توسط او نباشند.<sup>۱</sup> راغب نیز ریشه امن را به آرامش خاطر و رفع نگرانی بازمی‌گرداند.<sup>۲</sup> فرهنگ‌های لغت فارسی نیز این واژه را به ایمن شدن، در امان بودن، بی‌بیمی<sup>۳</sup> و آرامش و آسودگی<sup>۴</sup> تعریف کرده‌اند.

با این حال، در حوزه اصطلاح علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ارائه تعریفی واحد و مشخص برای «امنیت» با چالش‌های جدی مواجه است، به گونه‌ای که بیش از ۱۵۰ تعریف برای آن ارائه شده است که به طور کلی می‌توان آن‌ها را در دودسته اصلی جای داد:<sup>۵</sup> الف) تعریف سلبی که امنیت را به معنای «نبود تهدید» یا وضعیتی که در آن خطری نسبت به منافع بازیگر وجود نداشته یا توانایی دفع و مدیریت آن وجود داشته باشد، معرفی می‌کند.<sup>۶</sup> ب) تعریف ایجابی که رویکردی درون‌نگر داشته و اولویت را به تحولات داخلی می‌دهد و امنیت را وضعیتی می‌داند که در آن نسبت متعادلی میان خواسته‌ها و کارآمدی نظام حاکم وجود داشته و منجر به تولید رضایت نزد اعضای واحد سیاسی گردد.<sup>۷</sup> به عبارت دیگر، می‌توان گفت امنیت در رویکرد اثباتی پدیده‌ای ذهنی و ادراکی است که تحقق آن مستلزم ایجاد اطمینان خاطر در ذهن مردم،

۱. ابن فارس، پیشین، ص ۱۳۴.

۲. راغب، پیشین، ص ۹۰.

۳. معین، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۴.

۴. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵. افتخاری، فرهنگ امنیت جهانی رویکردها و نظریه‌ها، ص ۹-۲۹.

۶. همان، کالبد شکافی تهدید، ص ۲۷.

۷. همان.

دولتمردان و حاکمان نسبت به وجود شرایط ایمن برای ادامه حیات بدون دغدغه است. با این حال، این برداشت از امنیت به شدت تحت تأثیر عوامل بیرونی و تحولات محیطی قرار دارد. بر این اساس، در این تحقیق، مقصود از امنیت، ترکیبی از هر دو رویکرد سلبی و ایجابی است؛ به نحوی که هم جنبه‌ی محافظت در برابر تهدیدهای خارجی و هم ایجاد انسجام و رضایت درونی در بستر جامعه را شامل می‌شود.

### - تضعیف

واژه تضعیف مصدر باب تفعیل از ریشه (ض ع ف) است که در کتب لغت دارای دو اصل معنایی متفاوت دانسته شده است: یکی دلالت بر ضعف و کاستی در قدرت و توان (ضَعْف و ضَعْف) و دیگری دلالت بر افزایش و مضاعف سازی شیء (مُضَاعَفَة) دارد.<sup>۱</sup> در کاربرد نخست، ضعف به معنای نقصان در توان جسمی یا فکری است و واژگانی مانند «رَجُلٌ ضَعِيفٌ»، «قَوْمٌ ضَعْفَاءٌ» و «ضِعَافٌ» در این معنا به کار می‌روند. خلیل بن احمد در العین نیز تأکید می‌کند که «أضعفته إضعافاً» یعنی او را در حالت ضعف قرار دادم؛ حال آنکه در معنای دوم، افعالی چون «ضاعفت» به معنای افزودن بر اصل چیز است.<sup>۲</sup> ابن منظور در لسان العرب ضمن نقل اقوال مختلف، تفاوت میان فتح و ضمّ در واژه «ضعف» را بیان می‌کند؛ به طوری که «ضَعْفٌ» (با فتح) در رأی و عقل و «ضَعْفٌ» (با ضم) در بدن استعمال می‌شود، گرچه برخی لغویان هر دو صورت را در هر زمینه‌ای جایز دانسته‌اند.<sup>۳</sup> در همین راستا لغتنامه‌های فارسی ضعف را به معنای ناتوان ساختن، کم توان کردن، سست و بی‌رمق کردن، کاهش یافتن قدرت دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

۱. ابن فارس، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳. ابن منظور، پیشین، ج ۹، ص ۲۰۳.

۴. معین، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۰۸؛ دهخدا، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۵۱۷۱.

اما از آنجایی که در زبان عربی، باب تفعیل معمولاً بر ایجاد کردن حالت یا شدت بخشیدن به معنی ریشه دلالت دارد؛ بنابراین «تضعیف» به معنای «ایجاد ضعف» یا «شدید کردن ضعف» است. از این روی مراد از تضعیف در این تحقیق به معنای اختلال در عملکرد مطلوب و تزلزل در موقعیت به منظور کاهش قدرت نظام و توانایی آن در مقابله و یا مدیریت تهدیدات است. به عبارت دیگر، تضعیف در این جستار به معنای تلاش برای کاهش قدرت، مشروعیت یا کارآمدی ساختار حاکمیت در برابر تهدیدات و تحولات محیطی است. بدین منظور، ابتدا برخی از مؤلفه‌های امنیت بخش در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی تبیین شده، سپس تأثیر جریان‌های انحرافی در تضعیف امنیت کشور، بر پایه عناصر و مؤلفه‌های بیان شده، تحلیل و ارزیابی می‌شوند.

### مؤلفه‌های بنیادین امنیت در نظام جمهوری اسلامی ایران

در نظام جمهوری اسلامی ایران، امنیت مفهومی چندلایه و برآمده از مبانی دینی، انقلابی و مردمی است که در قالب مؤلفه‌های بنیادینی تبلور یافته است و هرکدام به نوبه خود نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری و امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد و ضامن بقای نظام در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. از این رو تضعیف هر یک از این مؤلفه‌ها، تأثیر مستقیم بر امنیت در جامعه ایران دارد. از جمله این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

#### - اسلامیت نظام

اسلامیت نظام به عنوان چارچوب مشروعیت بخش حاکمیت، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های امنیت در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. همان‌گونه که امام علی علیه السلام نیز اسلام را به عنوان منشأ امنیت معرفی کرده می‌فرماید: «خداوند اسلام را (محل) امن قرار داد، برای کسی که خود را به آن متصل کرد (به دستور آن رفتار نمود) و (نشانه) صلح و آشتی برای کسی که در

آن داخل گشت.<sup>۱</sup> این روایت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در نهج البلاغه آمده، به یکی از ابعاد بنیادین اسلام یعنی کارکرد امنیت‌زای آن اشاره دارد. حضرت علی علیه السلام در این سخن، اسلام را نه فقط یک نظام اعتقادی یا شریعت‌عبادی، بلکه یک «محل امن» معرفی می‌کند؛ یعنی اسلام به عنوان یک ساختار دینی و اجتماعی، نقش پناهگاه و بستری برای آرامش، ثبات و امنیت ایفا می‌کند. این امنیت، هم بُعد فردی دارد - چنان‌که هرکس به آن بپیوندد و بدان تمسک جوید، از اضطراب، گم‌گشتگی و خطرات معنوی و دنیوی در امان می‌ماند - و هم بُعد جمعی، به گونه‌ای که جامعه اسلامی در پرتو التزام به آموزه‌های آن، به صلح، آرامش و همزیستی منتهی می‌شود.

به عبارت دیگر، این مؤلفه (اسلامیت نظام) در قالب یک شبکه ارزشی عمل می‌کند که در آن، قدرت سیاسی با نظام ارزشی دینی پیوند می‌خورد. در چنین حالتی، زمانی که میان قدرت و ارزش‌های دینی ارتباط برقرار گردد، اقتدار مشروع شکل می‌گیرد و ثمره آن در قالب امنیت پایدار در جامعه نمایان می‌شود. بر همین اساس، در الگوی حکومت اسلامی که در عصر غیبت در نظریه سیاسی شیعه با نهاد ولایت فقیه تجسم یافته است، اسلام، نقش محوری در تأسیس و استمرار این رابطه ایفا می‌کند.

در این چارچوب، ارزش‌ها نه تنها به عنوان جهت‌دهنده کنش سیاسی عمل می‌کنند، بلکه تعیین می‌کنند چه اموری آن‌چنان اهمیت دارند که انسان‌ها حاضرند در راه آن‌ها جان خود را فدا کنند.<sup>۲</sup> مکتب اسلام با تولید ارزش‌های توحیدی در جامعه، نگرش خاصی به جهان ارائه داده و بر اساس آن، معیارهایی روشن برای سیاست‌گذاری و تعریف منافع ملی و اقتدار دولت اسلامی فراهم می‌آورد. به واسطه همین جهان‌بینی اسلامی، اصول و ضوابط مشخصی برای جلوگیری از انحراف از مسیر ترسیم شده ارائه می‌گردد و به‌ویژه با تأکید بر استمرار خط نبوت از طریق امامت و ولایت فقیه، از سلطه‌پذیری و حاکمیت بیگانگان بر امت اسلامی جلوگیری به عمل می‌آید. از

۱. فجعله أمناً لمن علقه و سلما لمن دخله، شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶ (صبحی صالح).

۲. ر.ک: گیدنز، جامعه‌شناسی گیدنز، ج ۱، ص ۳۵.

این‌رو، این مؤلفه به عنوان مبنایی برای امنیت در نظام جمهوری اسلامی ایران است که در آن امنیت نه از طریق ابزار قهرآمیز، بلکه از مسیر التزام به دین، ولایت و عدالت اجتماعی محقق می‌شود.

## - ولایت فقیه و رهبری دینی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی امنیت در نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه رهبری و نهاد ولایت فقیه است که به عنوان یکی از منابع اصلی قدرت، نقش محوری دارد. به عبارت دیگر رهبری در هر نظام اجتماعی، عامل سازماندهی، جهت‌دهی و روحیه‌بخشی به گروه‌های اجتماعی است و از طریق ایجاد هماهنگی و تقویت همبستگی، مانع از بروز شکاف‌های درونی و تزلزل در ارکان جامعه می‌شود. به ویژه در مواردی که رهبر از ویژگی‌های فرهمندانه (کاریزماتیک) نیز برخوردار باشد، تأثیرگذاری ایشان در بسیج عمومی و هدایت جامعه افزون‌تر می‌گردد. به تعبیر گالبرایت، رهبری متنفذ با تکیه بر اقناع، باور آفرینی و نفوذ کلام، در تحقق قدرت نرم نقش آفرینی می‌کند.<sup>۱</sup>

اگرچه از منظر مفهومی میان «ولایت فقیه» و «رهبری کاریزماتیک» تفاوت‌هایی وجود دارد، اما هر دو در ایجاد انسجام اجتماعی و پیشگیری از بحران‌ها و تهدیدهای امنیتی نقشی مشترک ایفا می‌کنند. چنان‌که امام علی علیه السلام نقش رهبری را به ریسمانی تشبیه می‌کند که دانه‌های تسبیح را به هم پیوند می‌دهد؛ اگر این رشته گسسته شود، مهره‌ها پراکنده خواهند شد و گردآوری مجدد آن‌ها دشوار خواهد بود.<sup>۲</sup> از همین رو، امام خمینی رحمته الله علیه نیز تأکید می‌فرمایند که نظام اسلامی با نظارت و ولایت فقیه از آسیب‌ها مصون خواهد بود.<sup>۳</sup> بنابراین، مقام رهبری در نظام اسلامی ایران، به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های امنیت آفرین، با بهره‌گیری از منابع مادی و معنوی، بسیج

۱. رک: گالبرایت، آناتومی قدرت، ص ۴۰.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶، (صبحی صالح).

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۵.

نیروها، تکیه بر ارزش‌های الهی نقشی بی‌بدیل در تأمین امنیت ملی و عبور کشور از بحران‌های داخلی و خارجی دارد.

### - پایگاه مردمی نظام

یکی دیگر از مؤلفه‌های بنیادین امنیت در جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از پایگاه مردمی است. هرچند مشروعیت حکومت اسلامی از منظر دینی، برخاسته از جانب خداوند متعال است، اما مقبولیت و دوام آن در گرو اراده و پذیرش عمومی مردم قرار دارد. بر همین اساس، در اندیشه سیاسی اسلام، تحقق و پایداری نظام اسلامی وابسته به مشارکت و همراهی ملت با حاکمیت است؛ از این رو، حضور مستمر مردم در عرصه‌های مختلف حمایت و پشتیبانی از دولت اسلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت و ثبات سیاسی ایفا می‌کند. این اصل، با الهام از آموزه‌های اسلامی، توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امام خمینی علیه السلام، در قالب نظریه «مردم‌سالاری دینی» مطرح شد و با کلیدواژه‌هایی همچون «حضور مردم در صحنه» و «سپردن امور به دست مردم» تبیین گردید.<sup>۱</sup>

در این راستا، امام خمینی یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب اسلامی را حضور و مشارکت مردم در پشتیبانی از استقرار حکومت اسلامی دانسته<sup>۲</sup> و بر این بر این باور بود که اعتراضات گسترده مردمی علیه رژیم پهلوی، مشروعیت آن را به چالش کشیده و سقوط آن را رقم زد؛<sup>۳</sup> چرا که ایشان اعتقاد داشت، حکومتی که بر اراده ملت تکیه ندارد، ولو از قدرت ظاهری برخوردار باشد، نمی‌تواند پایداری کند.<sup>۴</sup> به عبارت دیگر، همان‌گونه که مردم در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب، نقش اساسی داشتند، حفظ امنیت و بقاء نظام اسلامی نیز به مشارکت، حمایت و

۱. ساداتی‌نژاد، بیات و...، مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در اسلام، ص ۴۷۹.

۲. امام خمینی، پیشین، ج ۶، ص ۵۱۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۱۷۳.

۴. همان، ج ۷، ص ۵۱۰.

همبستگی عمومی مردم وابسته است. بر این اساس، این پیوند دو سویه میان حکومت و ملت، به ویژه در سایه رهبری دینی و انسجام ملی، الگویی بی بدیل از حکمرانی اسلامی را پدید آورده که توانسته در برابر چالش‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی ایستادگی کند.

## - وحدت و انسجام داخلی

وحدت و انسجام ملی یکی دیگر از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران و بلکه هر نظام سیاسی به شمار می‌آید و نقشی اساسی در پایداری و اقتدار آن ایفا می‌کند. تجربه‌های تاریخی و نظریات علوم سیاسی نیز بر این اصل تأکید دارند که جامعه‌ای که از درون دچار تفرقه، شکاف‌های اجتماعی و نزاع‌های سیاسی و مذهبی باشد، نه تنها از ثبات و امنیت بهره‌مند نخواهد شد، بلکه موجودیت و بقای آن نیز به خطر خواهد افتاد. در مقابل، انسجام داخلی و وحدت ملی موجب شکل‌گیری یک اراده جمعی منسجم و افزایش ظرفیت‌های ملی برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی خواهد بود.

در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران که دارای تنوع فرهنگی، قومی و مذهبی است، نیاز دو چندان به تقویت این مؤلفه امنیت‌آفرین دارد. دشمنان خارجی نیز با درک این واقعیت راهبردی، همواره در پی بهره‌برداری از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، تحریک تنش‌های مذهبی و قومیتی و تعمیق اختلافات داخلی برای تضعیف انسجام ملی و برهم زدن ثبات کشور بوده‌اند. بدیهی است که در چنین شرایطی، تضعیف وحدت ملی می‌تواند نه تنها زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی، بلکه موجب فرسایش قدرت بازدارندگی دفاعی کشور نیز گردد. از این رو، این مؤلفه به عنوان یکی از ستون‌های امنیت ملی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای استمرار ثبات و اقتدار جمهوری اسلامی ایران دارد.

از دیگر مؤلفه‌های امنیت در جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به نظام فرهنگی مقاوم مبتنی بر ارزش‌های دینی و استقلال سیاسی همراه با نفی سلطه‌پذیری اشاره کرد. به گونه‌ای که بر اساس

این مؤلفه‌ها که بر خواسته از ارزش‌های دینی است روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر آسیب‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی تقویت شده و از تسلط گفتمان‌های بیگانه بر فضای اجتماعی و سیاسی کشور جلوگیری به عمل می‌آید. این نظام فرهنگی، الگوی خاص از زیست اجتماعی سیاسی ارائه می‌کند که بر پایه آن حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقویت می‌شود.

بر همین اساس، در گفتمان انقلاب اسلامی استقلال سیاسی و نفی سلطه‌پذیری از اصول کلیدی تأمین امنیت به شمار می‌آید. بدین جهت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر این اصل، هرگونه وابستگی سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی به قدرت‌های سلطه‌گر را نفی نموده و تلاش می‌کند با حفظ مواضع مستقل و عزتمندانه، از منافع ملی خود صیانت نماید. بدین ترتیب، این اصل، نقش مهمی در بازدارندگی در برابر تهدیدات داشته و دارد.

این در حالی است که مؤلفه‌های یادشده، به همراه سایر عناصر سازنده امنیت در جمهوری اسلامی ایران - که پرداختن به تمامی آن‌ها در چارچوب این مقاله امکان‌پذیر نیست - در معرض تأثیرپذیری از گفتمان‌ها و رفتارهای جریان‌های انحرافی مهدوی قرار دارند. از این رو، ضروری به نظر می‌رسد که نحوه تأثیرگذاری این جریان‌ها بر مؤلفه‌های امنیت ملی مورد واکاوی و تحلیل قرار گیرد.

### جریان‌های انحرافی مهدوی و اختلال در نظم کارکردی عناصر امنیت

همان‌گونه که بیان شد، جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌ها و عناصر درون‌زایی در حوزه امنیت برخوردار است که نقش بسزایی در تقویت بنیان‌های امنیت ملی ایفا می‌کنند. با این حال، جریان‌های انحرافی مهدوی با تفاسیر ناصواب و فاقد مستندات معتبر از مفاهیم دینی، به‌ویژه آموزه مهدویت، اقدام به بازتعریف نهادهای مشروع دینی و سیاسی می‌نمایند و از این رهگذر، به صورت جدی موجبات اختلال در ساختار امنیتی کشور را فراهم می‌آورند. این جریان‌ها با

تضعیف مبانی مشروعیت نظام، زمینه‌ساز بروز شکاف‌های اعتقادی و اجتماعی در جامعه می‌شوند. همچنین، از طریق بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی و انتشار شبهات هدفمند، موجب ایجاد سردرگمی در افکار عمومی شده و زمینه‌های بی‌اعتمادی نسبت به ساختار رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌سازند. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در خصوص تأثیر جریان‌های انحرافی بر امنیت ملی، برخی از مهم‌ترین پیامدهای فعالیت این جریان‌ها در جامعه عبارت‌اند از:

### - تلاش برای سلب هویت اسلامی نظام

یکی از مهم‌ترین راهبردهای جریان‌های انحرافی مهدوی در جهت اختلال در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای سلب هویت اسلامی نظام از طریق تضعیف مبانی دینی و اعتقادی آن است. از این‌رو، این جریان‌ها با ارائه قرائت‌های تحریف‌شده از آموزه‌های دینی، به ویژه در حوزه مهدویت، درصدد القای این ادعا هستند که نظام اسلامی موجود فاقد ارتباط حقیقی با مفاهیم اصیل دینی است.

عمده تلاش این جریان‌ها برای القای سلب هویت اسلامی نظام، مبتنی بر این ادعاست که بر اساس برخی قرائت‌های خاص از آموزه‌های شیعه، هرگونه تلاش برای تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت، نامشروع و مردود است. بر مبنای این برداشت، دخالت در امر سیاست و تشکیل حاکمیت دینی پیش از ظهور امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف، به منزله تخطی از اصول اصیل تشیع تلقی می‌شود. بر همین اساس، این جریان‌ها، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل استقرار نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه در دوران غیبت، فاقد مشروعیت و هویت اصیل اسلامی معرفی می‌کنند و تلاش می‌نمایند تا جمهوری اسلامی ایران را نیز در ردیف حکومت‌های طاغوتی به مخاطبان و پیروان خود معرفی نمایند. برای مثال جریان منصور هاشمی خراسانی در سلب این هویت و نفی مشروعیت نظام می‌نویسد:

ولی ولایت در افتا و حکومت با هیچ تقریری برای غیر خداوند و خلیفه او در زمین ثابت نیست و کسانی که برای غیر خداوند و خلیفه او در زمین، ولایتی در افتا یا حکومت قائل هستند، مشرک‌اند. توفیق آنان را در «بازگشت به اسلام» را از درگاه خداوند مهربان مسئلت داریم؛ چراکه او توبه پذیر می‌باشد.<sup>۱</sup>

یا شیخ محمود حلبی، مؤسس انجمن حجتیه، در سخنرانی‌های خود تأکید می‌کند که اقدام برای تأسیس حکومت سیاسی و مدیریت جامعه باید حتماً به دست پیشوای معصوم انجام شود و حرکت در این مسیر به وسیله شخص غیر معصوم، خود مصداق کج‌روی و انحراف از موازین اسلامی و شیعی تلقی می‌شود.<sup>۲</sup> قبل از حلبی، فرقه شیخیه نیز مروج این دیدگاه بود. در این زمینه محمد کریم خان کرمانی می‌نویسد: «جهاد با غیر امام مفترض الطاعه حرمتش مثل حرمت مردار و خون و گوشت خوک است» و تنها قیامی مشروع است که در کنار امام معصوم و عادل باشد.<sup>۳</sup> بر همین اساس در نگاه رهبر شیخیه کرمان، هر کس در زمان غیبت امام عصر خروج کند و دست به قیام مسلحانه بزند، مصداق جبت و طاغوت خواهد بود و چنین شخصی دچار فسق ظاهری است.<sup>۴</sup>

بدین ترتیب، این دیدگاه‌ها، در چارچوب راهبردی کلان قرار می‌گیرند که هدف آن سلب هویت اسلامی از نظام و مشروعیت‌زدایی از ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. مبتنی بر این دیدگاه، قرائت دینی جمهوری اسلامی، نه تنها قرائتی صحیح از آموزه‌های اسلامی به ویژه در ابعاد سیاسی آن نیست، بلکه قرائتی التقاطی و منحرف از مسیر صحیح آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی منصورهاشمی خراسانی، ۱۳۹۵، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/۷۷۵۶>.

۲. اخگری، ولایتی‌های بی ولایت، ص ۷۹.

۳. کرمانی، رساله نصریه در جهاد، ص ۶۶؛ همو، ازهاق الباطل فی رد الباییه، ص ۱۲۷.

۴. همان، سی فصل، ص ۳۵؛ همو، ازهاق الباطل فی رد الباییه، صص ۱۲۷-۶۴.

در این چارچوب، اسلامیت نظام - که با پیوند ارزش‌های توحیدی با ساختار قدرت، نقش مؤثری در تولید و حفظ امنیت ایفا می‌کند - با چالش مواجه شده و کارکرد خود را از دست می‌دهد. نتیجه چنین وضعیت فکری، بروز سردرگمی، تردید در مشروعیت نظام و تزلزل در وفاداری مردم نسبت به حاکمیت است. این تزلزل می‌تواند باعث کاهش انگیزه برای مقاومت، جان‌فشانی و پشتیبانی از نظام شده و در نهایت، موجب تضعیف امنیت درون‌زا و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران گردد.

### - تضعیف جایگاه رهبری دینی و ولایت فقیه در جامعه

یکی دیگر از محورهای اصلی فعالیت جریان‌های انحرافی مهدوی در راستای تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تخریب جایگاه رهبری دینی و سیاسی در ساختار نظام است. جایگاه رهبری به عنوان رکن بنیادین در نظام ولایت فقیه، نقش محوری در سازمان‌دهی جامعه، حفظ انسجام ملی و هدایت مؤلفه‌های مادی و معنوی قدرت ایفا می‌کند. از این رو، تضعیف این نهاد نه تنها مشروعیت سیاسی نظام را نشانه می‌رود، بلکه امنیت روانی و انسجام اجتماعی را نیز با چالش مواجه می‌سازد.

در این راستا، جریان‌های انحرافی با اتخاذ قرائت‌های خاص از آموزه‌های دینی و القای این اندیشه که در عصر غیبت، هیچ فردی جز امام معصوم علیه السلام صلاحیت رهبری جامعه را ندارد، درصد بی‌اعتبار ساختن جایگاه رهبری فقیه هستند. در این خصوص، رهبران شیخیه کرمان، در عصر غیبت وظیفه‌ای فراتر از ولایت بر امور فردی دینی برای فقها قائل نیستند؛ به گونه‌ای که محمد کریم خان تأکید می‌کند که تنها وظیفه علماء تعلیم جاهلان<sup>۱</sup> و «حفظ دین از مندرس شدن» است.<sup>۲</sup> ایده‌ای که در دایره این گروه محدود نشده و به سرعت از سوی دیگر جریان‌های

۱. کرمانی، مکارم‌الابرار، ج ۸، ص ۷.

۲. همان، سی فصل، ص ۳۵.

انحرافی مانند بهائیت<sup>۱</sup> و جریان انجمن حجتیه، مدعی یمانی و منصور هاشمی خراسانی نیز پیگیری شده است.

برای مثال، جریان منصور هاشمی خراسانی در این جهت می‌نویسد:

«ولایت مطلقه فقیه» گذشته از آنکه بدعتی آشکار و بی‌پیشینه در فقه شیعه محسوب می‌گردد و از لحاظ نظری، اصلی در اسلام ندارد، می‌توان آن را تقلایی مذبحانه برای استفاده ابزاری از دین در حوزه سیاست و رهایی از بحران مشروعیت در دوران غیبت مهدی دانست.<sup>۲</sup>

یا یکی از پیروان جریان احمد اسماعیل بصری مدعی یمانی، در جهت تخریب این جایگاه، آن را مسئله نوظهور در فقه شیعه معرفی نموده و چنین القاء می‌کنند که هیچ دلیلی برای اثبات آن وجود ندارد. بر همین اساس، چنین القاء می‌کنند که:

اعتقاد به ولایت فقیه به معنای جایگزین کردن معصوم با غیر معصوم است. باید توجه داشت که دین الهی پیاده برای تضمین سالم‌سازی شریعت و احکام آن قائم بر وجود شرط عصمت در مجرای پیاده‌سازی است و اگر غیر معصوم متصدی شود — چه در فتوا، چه در قضاوت و چه در ولایت — این سلامت تضمین نمی‌شود؛ پس تمامی این مناصب که به فقیه داده شده‌اند مناصب اختصاص یافته به معصوم علیه السلام هستند و دلایل، به اثبات آن‌ها برای فقیه در زمان غیبت، هیچ تصریحی نکرده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. عبدالبهاء، رساله سیاسیه، ص ۱۹-۳۰.

۲. حسینی، ۱۳۹۴؛ نظریه‌ی «ولایت مطلقه‌ی فقیه»؛ بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا بن‌بست لاینحل مشروعیت؟!.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/6034/>

۳. منصوری، ولایت فقیه در زمان غیبت، ص ۱۲.

دقیقاً همان استدلالی که شیخ محمود حلبی در اوایل شروع انقلاب اسلامی در توجیه عدم همراهی خود و همچنین بازداشتن مردم از همراهی ایشان، در تخریب جایگاه امام خمینی علیه السلام به زبان می‌آورد. آنجایی که می‌گوید:

اول شما یک افسر و یک پیشوا و رهبر معصوم پیدا کنید. رهبری که بتواند اداره اجتماع کند. روی نقطه عصمت، نه عدالت، ... اول او را پیدا کنید ... از من هم واجب است منبر را ول کنم. هفت تیر به کمر ببندم، بروم جلو ... این کلمات علی جایش آنجاست نه هرجایی، نه به هر هدف غلطی و هر راه کجی و معوجی و خلافی ... باید جنگ روی موازین دین به رهبری معصوم نه عادل، عادل کافی نیست.<sup>۱</sup>

انجمن نه تنها مبارزه امام با رژیم ستم را مسخره می‌کرد، بلکه راه امام را راه ضلالت می‌خواند. آقای حلبی با تعبیرات، و زوز پشه را چه به فانتوم، یک خودکاری در دست گرفته و با اعلامیه نوشتن می‌خواهند آمریکا را شکست دهد. در راه انقلاب سنگ می‌انداخت؛ و درست زمانی که امام خمینی حکم تحریم جنش نیمه شعبان را در سال ۵۷ برای احترام به خون شهدا صادر فرمود، حسین تاجری از مسئولین انجمن با گروهی جهت اخذ تکلیف به قم نزد آیت‌الله شریعتمداری می‌روند و هماهنگ با رژیم اقدام به جشن گرفتن می‌کنند؛ و بعد هم آقای حلبی می‌گوید که باید در تقوای ایشان (امام) شک کرد.<sup>۲</sup>

تحلیل محتوای گفتارها و مواضع جریان‌های انحرافی مهدوی نشان می‌دهد که حمله به اصل «ولایت فقیه» به عنوان ستون فقرات نظام سیاسی جمهوری اسلامی، بخشی از راهبرد کلی آنان برای مشروعیت‌زدایی از حکومت دینی در عصر غیبت است. استدلال محوری این جریان‌ها، تأکید بر انحصار حق حاکمیت دینی برای امام معصوم علیه السلام است؛ رویکردی که عملاً با نفی

۱. اخگری، پیشین، ص ۵۵.

۲. همان.

هرگونه سازوکار دینی برای اداره جامعه در عصر غیبت، به ترویج نوعی خلأ سیاسی-مذهبی در ذهن مخاطب منتهی می‌شود. این استدلال، گرچه در ظاهر مبتنی بر برخی مبانی اعتقادی شیعه بیان می‌شود، در واقع نوعی تحریف آموزه‌های شیعی در حوزه امامت و غیبت است و با نادیده گرفتن نظریه‌های رقیب، درباره ولایت فقیه، تلاش دارد بستر ذهنی جامعه را برای تضعیف مشروعیت و مقبولیت رهبری دینی آماده کنند و گفتمان خود را تنها قرائت صحیح دینی به مخاطبان القاء نمایند.

این جریان‌ها، با ارائه تفسیرهای خاص و بعضاً التقاطی از مفاهیم «عصمت»، «ولایت» و «حکومت»، تلاش دارند با القای بدعت بودن ولایت فقیه یا ناتوانی فقهای غیر معصوم در اداره جامعه، اعتماد عمومی نسبت به جایگاه رهبری را تضعیف کرده و از این مسیر، شکاف‌های اعتقادی و سیاسی در جامعه ایجاد نمایند. پیوستگی تاریخی این دیدگاه با مواضع چهره‌هایی چون شیخ محمود حلبی در دهه ابتدایی انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده استمرار یک خط فکری مشترک در انکار صلاحیت دینی فقها برای رهبری اجتماعی است؛ خطی که با نفی اصل کارآمدی و مشروعیت فقیه در دوران غیبت، اساس اسلامیت نظام را هدف گرفته و امنیت اعتقادی و نهادی جامعه را با تهدیدی جدی مواجه می‌سازد و منتهی به تضعیف جایگاه اجتماعی رهبری در میان اعضای جامعه می‌شود.

این تلاش‌ها در قالب تبلیغات هدفمند، شبهه‌افکنی اعتقادی و زیر سؤال بردن صلاحیت‌های علمی و مدیریتی رهبر جامعه صورت می‌گیرد. به این ترتیب، این جریان‌ها در راستای راهبرد کلان مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی جمهوری اسلامی حرکت کرده و با تضعیف رکن رهبری، در بنیان‌های امنیتی کشور اختلال ایجاد می‌کنند.

## - تضعیف پایگاه مردمی

یکی دیگر از مهم‌ترین آسیب‌های ناشی از فعالیت جریان‌های انحرافی مهدویت، ایجاد پایگاه اجتماعی و فرهنگی در بطن جامعه ایران و در مقابل، تضعیف سرمایه اجتماعی و پایگاه مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران است. هرچند مشروعیت نهایی حکومت در منطق دینی از ناحیه خداوند متعال سرچشمه می‌گیرد، اما دوام و پویایی آن، به‌ویژه در سنت اسلامی و اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، بر بستر پذیرش و همراهی مردم استوار است.<sup>۱</sup> چراکه خداوند، انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته و در نتیجه، حضور و نقش‌آفرینی مردم در حمایت از دولت دینی، عنصری کلیدی در تحقق و تداوم امنیت ملی و ثبات سیاسی به‌شمار می‌رود.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، این مشارکت مردمی نه تنها به‌مثابه پشتوانه‌ای برای مشروعیت نظام تلقی می‌شود، بلکه ضامن پایداری در برابر دشمنی‌ها و بحران‌های داخلی و خارجی نیز هست. به‌گونه‌ای که مردم، به‌عنوان صاحبان اصلی انقلاب، در تکوین و تثبیت آن نقش داشته‌اند و بقای آن نیز در گرو تداوم همین حمایت است. اندیشه امام خمینی علیه السلام در باب «حضور مردم در صحنه» و «سپردن امور به دست ملت» ناظر به همین حقیقت است.

در چنین چارچوبی است که تلاش جریان‌های انحرافی مهدوی برای کاستن از سرمایه‌ی اجتماعی نظام، چهره خطرناکی به خود می‌گیرد. این جریان‌ها با نقابی از دین‌داری، اما باطنی آلوده به تردید افکنی، حملات خود را متوجه اساس مشروعیت نظام جمهوری اسلامی کرده‌اند. آنان می‌کوشند با سست کردن باورهای دینی و سیاسی مردم، زمینه‌ی تقابل با نظام را فراهم آورند و به‌جای ارائه راه‌حل و همدلی با دغدغه‌های اجتماعی، ناهنجاری‌ها را تقویت می‌کنند، ارزش‌ها را به چالش می‌کشند و دشمنی با حاکمیت دینی را درون جامعه گسترش می‌دهند. در همین راستا در نوشته‌ای از اعضای شاخص جریان منصور هاشمی، به‌صراحت آمده است:

۱. ایمانی سطوت، مولفه‌های قدرت در دولت اسلامی، ص ۱۷۲.

حاکمان وقت ایران نه تنها در عمل به وعده‌های خود مبنی بر ایجاد رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم با استقرار حکومت دینی و تشکیل جامعه اسلامی ناکام مانده‌اند، بلکه در جهت کاملاً برعکس، ریشه دین‌داری را در جامعه خشکانده‌اند...<sup>۱</sup>

یا در ایام انتخابات که نماد برجسته‌ای از مشارکت مردمی و تجلی مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود، جریان‌های انحرافی مهدوی با هماهنگی گفتمانی با مخالفان نظام، به تخریب این فرایند ملی و تضعیف مشروعیت آن می‌پردازند. این گروه‌ها مشروعیت حضور در انتخابات را تنها در شرایط اضطرار و به منظور تقیه مجاز می‌دانند و حتی در صورت شرکت، پیروان خود را به انداختن رأی سفید یا نوشتن نام امام‌زمان عجل‌الله‌فرجه بر برگه رأی ترغیب می‌کنند.<sup>۲</sup> بر همین اساس، جریان منصور هاشمی خراسانی با سوءاستفاده از نارضایتی‌های موجود، مخاطبان را در سه مرحله‌ی فکری، اجتماعی و عملی به سوی مقابله و براندازی نظام جمهوری اسلامی سوق می‌دهد.<sup>۳</sup>

این جریان‌ها برای تحقق اهداف خود از مجموعه‌ای متنوع و ترکیبی از روش‌ها بهره می‌گیرند که در آن، عناصر عقیدتی، روانی و اجتماعی به صورت درهم‌تنیده مورد استفاده قرار می‌گیرند. از القای ناامیدی نسبت به نظام سیاسی تا برجسته‌سازی مشکلات اقتصادی، همگی در راستای ایجاد ذهنیتی منفی از حکومت جمهوری اسلامی به کار گرفته می‌شود. در این راستا، رهبران شیخیه تأکید می‌کنند؛ چون خداوند انقراض دولت‌ها را تا زمان ظهور نخواست، هر گونه منازعه با آن‌ها، کار عبث و احمقانه است و فایده‌ای نخواهد داشت.<sup>۴</sup> با این حال، بخش مهمی از

۱. رضوی، ۱۴۰۲، از حرف تا عمل؛ کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/.۱۵۴۱۷>

۲. معروف، ۱۳۹۶، انتخابات؛ نمایشگاه قدرت طلبی و ابتذال سیاسی در ایران،

[https://www.alkhorasani.com/fa/content/8254/.](https://www.alkhorasani.com/fa/content/8254/)

۳. هاشمی خراسانی، هندسه عدالت، ص ۶۱.

۴. کرمانی، سی فصل، ص ۳۴-۳۶.

استراتژی آنان مبتنی بر تفسیرهای خاص و جهت‌دار از آموزه‌های دینی است. این جریان‌ها می‌کوشند مشکلات موجود را نتیجه رویکرد سیاسی به مهدویت معرفی کرده و با استناد به برخی روایات ناظر بر نهی قیام پیش از ظهور، حکومت‌های موجود را طاغوتی جلوه دهند.<sup>۱</sup>

در همین راستا در کانال تلگرامی منصوب به جریان انجمن حجتیه می‌خوانیم:

باوجود تبیین و تشریح و توضیح دقیق شرایط رو به زوال آخرالزمان از طرف اهل بیت عصمت علیهم‌السلام، متأسفانه بعضی از مردم با فراموش نمودن امام‌زمان علیه‌السلام، همچنان گرفتار انتخاب بین بد و بدتر هستند و انتظار دارند که در غیاب امام علیه‌السلام محوریت بدی، امور را برای آن‌ها را اصلاح کند... انتخابات بین گزینه‌های بد و بدتر همیشه موجب پشیمانی و حسرت رأی دهندگانی است که با برگزیدن بدها خود را در مسئولیت گمراهی و ظلم ایشان سهیم می‌سازند. شیعیان حقیقی مکتب امام جعفر صادق علیه‌السلام واقف به این حقیقت محض وعده داده‌شده الهی هستند که در امواج فتنه‌ها و آشوب‌های زمانه، تنها تجدید بیعت با امام‌زمان علیه‌السلام است که ایشان را به سر منزل مقصود خواهد رساند.<sup>۲</sup>

در چنین فضایی، مخاطب با نوعی تعارض درونی و احساس گناه نسبت به حمایت از نظام مواجه می‌شود و در نتیجه، امکان جدایی فکری و عاطفی او از بدنه انقلاب فراهم می‌گردد. این وضعیت، زمینه‌ساز کاهش مشارکت سیاسی، بی‌اعتمادی اجتماعی و در نهایت، تضعیف مشروعیت مردمی نظام اسلامی می‌شود؛ چراکه جایگزینی گفتمان «بی‌عملی در انتظار ظهور» به جای «کنشگری دینی در چارچوب نظام»، نقش‌آفرینی ملت را در حفظ و تقویت حاکمیت اسلامی به حاشیه می‌راند.

۱. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۱۳۸؛ بصری، حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم، ص ۵۲؛ پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۹، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/>، ۱۲۵۹/۸.

۲. (کانال تلگرامی انجمن حجتیه، ۱۲ اوت ۲۰۲۴، @anjoman-hojjatieh).

## - تضعیف همبستگی ملی

همبستگی در فرهنگ علوم سیاسی، همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه (ملی یا بین‌المللی) برای مرفه‌تر و مترقی‌تر ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز و در جامعه‌شناسی «مجتمع ساختن اجزای جامعه در یک کل هم بسته‌تر و یا جوامع بسیار کوچک را به صورت یک جامعه بزرگ (ملت) در آوردن»، تعریف شده است.<sup>۱</sup> از دیدگاه جغرافیای سیاسی، همبستگی ملی عبارت است از «احساس درونی مشترک و در مقابل آحاد و سکنه یک سرزمین محدود که با ویژگی‌ها و خصلت‌های مشترک دور هم گرد آمده و بر اساس آن، عنصر جغرافیایی ملت را تشکی داده‌اند که پایه و ساختار دولت محسوب می‌شوند.»<sup>۲</sup>

در این میان ارزش‌ها و باورهای مشترک از جمله عناصری هستند که در تحکیم همبستگی ملی نقش اساسی دارند و گاهی از آن‌ها به عنوان ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و یا دینی سخن می‌رود که یکپارچگی اجتماعی را قوام می‌بخشند و به گسترش همبستگی می‌انجامند. بدین‌سان، عدالت، انسان‌دوستی، مهربانی و... جزو ارزش‌های اجتماعی شمرده شده است که به همبستگی اعضای جامعه یاری می‌رساند.<sup>۳</sup>

در این میان، جریان‌های انحرافی مهدوی با دامن زدن به تنش‌های اجتماعی، نقشی مؤثر در تضعیف همبستگی ملی ایفا می‌کنند. در حالی که دین می‌تواند به مثابه یک ارزش مشترک، زمینه‌ساز انسجام اجتماعی باشد، در قالب فرقه‌گرایانه، به مثابه گسل اجتماعی عمل کرده و بستر نزاع و واگرایی را فراهم می‌آورد. چنان‌که آلن بیرو نیز از پیدایش عقاید متقابل به عنوان

۱. بیگدلو، باقری، ارتباط همبستگی ملی با کارکرد ارتباط اجتماعی تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران (از نگاه کارشناسان و وزارت کشور)، ص ۱۲۶.

۲. بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۰۰؛ بیگدلو و باقری، پیشین، ص ۱۲۶.

۳. بیرو، پیشین، ص ۲۸۶.

یکی از عوامل تنش‌زا در جامعه یاد می‌کند.<sup>۱</sup> در همین راستا، این جریان‌ها با رویکردی آگاهانه به تفکیک اجتماعی دست‌زده و اعضای جامعه را به گروه‌هایی منفک از کلیت نظام اجتماعی تبدیل می‌کنند. آنان در قالب راهبردی هدفمند، نظام سیاسی جمهوری اسلامی را دشمن مشترک معرفی کرده و از این طریق، انسجام درون‌گروهی خود را تقویت می‌نمایند؛ راهبردی که از منظر جامعه‌شناسی، ابزاری مؤثر برای برانگیختن نفرت جمعی و تحکیم انسجام درون‌فرقه‌ای تلقی می‌شود<sup>۲</sup>؛ اما چنین اتحادی، بر خلاف همبستگی‌های سازنده و معطوف به توسعه اجتماعی، بر محور نفرت شکل گرفته و در نهایت، موجب فرسایش و تضعیف همبستگی ملی در جامعه می‌شود.

برای نمونه، فرقه شیخیه کوشیده است تا از طریق نشانه‌های نمادین، به‌ویژه در مناسک دینی، مرز هویتی خود را با جریان غالب تشیع مشخص کند و به نمایش بگذارد. یکی از جلوه‌های برجسته این تمایز، نوع پوشش در آیین‌های سوگواری، به‌ویژه مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام، است. درحالی‌که در سنت رایج شیعه، سیاه‌پوشی نماد اندوه و احترام در ایام محرم محسوب می‌شود، پیروان شیخیه ترجیح می‌دهند با لباس سفید در این مراسم شرکت کنند. این انتخاب، از نظر آنان، مبتنی بر برداشت‌هایی فقهی است که پوشیدن لباس سیاه \_ در عزاداری \_ را مکروه می‌دانند.<sup>۳</sup> این شیوه‌ی عزاداری را می‌توان به‌صورت عینی در دسته‌های مذهبی منتسب به این فرقه، مانند دسته‌های عزاداری در کرمان یا بنی‌عامره بصره، مشاهده کرد.

یا برخی دیگر مانند انجمن حجتیه، با انحصار حقانیت در جریان، تنها قرائت دینی خود از مباحث دینی را به جامعه القاء می‌کنند و تلاش می‌نمایند تا این تمایز را در عرصه‌های سیاسی و یا اجتماعی نیز بروز و ظهور دهند؛ مانند باور به عدم مشروعیت حکومت در عصر غیبت و یا

۱. همان؛ ونیزجانسون، تحول انقلابی، ص ۷۴ و ۱۳۰.

۲. هوفر، مرید راستین، ص ۹۹.

۳. کرمانی، بی‌تا درباره مکتب شیخی، <https://www.alabarar.info/library/INTRODUCTION/f0000#pg>.

انحصار معرفت دینی در روش‌های خاص و نفی روش‌های معرفتی دیگر و بدبین‌سازی جامعه نسبت قرائت‌های مختلف نسبت به دین.<sup>۱</sup>

در این راستا، فرقه به پیروان خود چنین القاء می‌کنند که در یک دانش رمزآمیز و منحصر به فرد با یکدیگر سهیم هستند و در جهانی فراتر از جریان رسمی کشور سیر می‌کنند. همچنان که در جریان منصور هاشمی خراسانی، ادعای ارتباط با روح القدس مطرح شده است.<sup>۲</sup> یا انجمن حجتیه چنین القاء می‌کند که مطالبی که انجمن، مروج آن است معارفی حقیقی ائمه علیهم‌السلام می‌باشد و شاخصه منحصر به فرد آن است. در این راستا، شیخ محمود حلبی در توضیح این مطلب از استاد خود که عبارت است از «طلب المعارف من غیر طریقتنا اهل البیت مساوق لانکارنا...» می‌گوید:

معنایش این است: درخواست علم و معرفت، خواستاری معارف الهیه، توحید و عدل، بداء، قدر و قضا، اسماء جلال و جمال، مقام اسم و فعل خدا و... تا برسد به معاد، به این‌ها می‌گویند معارف. درخواست معارف الهیه به غیر از راه ما خانواده [اهل بیت علیهم‌السلام] برابر با انکار ماست. اگر از غیر سرچشمه آل محمد خواستید معارف را به دست آورید از چشمه یونان و امثال یونان، انکار کرده‌اید این خانواده را.<sup>۳</sup>

بدین ترتیب، جریان‌های انحرافی مهدوی با بهره‌گیری از ساز و کارهای فرقه‌ای، نه تنها مانعی در برابر تحقق همبستگی ملی محسوب می‌شوند، بلکه با تضعیف باورها و ارزش‌های مشترک دینی و سیاسی، زمینه را برای گسست اجتماعی و واگرایی در جامعه فراهم می‌آورند. این جریان‌ها از طریق تأکید بر تمایزات ظاهری، القای برتری معرفتی و تولید گفتمان‌های

۱. حلبی، جزوه تذکری درباره وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام، ص ۸؛ گروه مولفان مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، دیانت عاقبت، ص ۴۳.

۲. هاشمی خراسانی، مناهج الرسول، ص ۱۵۸.

۳. حلبی پیشین.

انحصارگرایانه، در مسیر تضعیف انسجام اجتماعی گام برداشته و با ارائه قرائتی واگرایانه از مهدویت، نقش منفی در سست شدن پایه‌های وحدت ملی ایفا می‌کنند.

### - بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از این جریان‌ها

بهره‌برداری دشمنان خارجی از این جریان‌های یکی دیگر از مواردی است که به تضعیف امنیت در جامعه منجر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که جریان‌های انحرافی مهدوی به واسطه ماهیت ضد نظام و اغراض سیاسی خود، به ابزاری برای نفوذ و فشار دشمنان جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، امنیت ملی کشور را تهدید می‌کنند. این جریان‌ها، از جمله دراویش گنابادی، جریان کاظمینی بروجردی و بهائیت، با ایجاد ناامنی داخلی، تحریک احساسات عمومی و مکاتبه و تعامل با نهادهای بین‌المللی، زمینه بهره‌برداری سیاسی و تبلیغی بیگانگان را فراهم می‌سازند. حمایت اتحادیه اروپا از دراویش گنابادی، پخش تصاویر اغتشاشات از شبکه‌های غربی<sup>۱</sup> و نامه‌نگاری‌های بروجردی به نهادهای بین‌المللی از جمله مصادیق این نفوذ است که پس از دستگیری وی، موجی از تبلیغات رسانه‌ای غرب علیه ایران شکل گرفت<sup>۲</sup> همچنین، بهائیت با انتشار گزارش‌های مستمر درباره نقض حقوق شهروندان بهایی و مظلوم‌نمایی در مجامع جهانی، تلاش دارد چهره‌ای منفی از جمهوری اسلامی ارائه دهد.<sup>۳</sup>

فرقه‌هایی چون بابیه، بهائیه و ازلیه نیز از گذشته تاکنون مورد حمایت دولت‌های استعماری مانند روس، انگلیس و آمریکا بوده‌اند و اسناد تاریخی از این روابط پرده برداشته‌اند. جریان‌های انحرافی با ایجاد چالش در روابط بین‌الملل، از طریق مظلوم‌نمایی، طرح ادعاهای حقوق بشری و تحریک نهادهای بین‌المللی، موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی را در عرصه جهانی تضعیف

۱. امدادی فر، فرقه‌ها از عرفان تا تهدید، ص ۲۷۵.

۲. همان.

۳. سرویس خبری جامعه بهائی منبع اصلی خبری جامعه بهائی در سرتاسر جهان، تیترا خبر سرکوب عدالتخواهی، ۴ آذر ۱۴۰۱.

می‌کنند. نمونه آن، بیانیه نماینده جامعه جهانی بهائی در شورای حقوق بشر سازمان ملل است که ایران را به ظلم و سرکوب متهم کرد. بدین منظور دولت آمریکا برای حمایت از بهائیت، فشارهای بین‌المللی بر ایران را افزایش داد.<sup>۱</sup> از این رو، با توجه به نقش بی‌ثبات‌کننده این جریان‌ها و استفاده قدرت‌های خارجی از آنان، شناسایی، رصد و مقابله با این گروه‌ها امری ضروری و حساسیت‌برانگیز برای حفظ امنیت و اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

## نتیجه‌گیری

جریان‌های انحرافی مهدوی با انحراف در آموزه‌های اصیل مهدویت و نفوذ در بافت دینی و اجتماعی جامعه، تهدیدی نرم و خزنده علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آیند. این جریان‌ها با تحریف مفاهیم اعتقادی، ایجاد شبهه و تضعیف اعتماد عمومی نسبت به نهادهای دینی و حاکمیتی، زمینه فروپاشی سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام را فراهم می‌کنند. از این رو، بررسی آثار این جریان‌ها در چارچوب مؤلفه‌های امنیت درون‌زا، ضرورتی بنیادین برای صیانت از کیان نظام اسلامی محسوب می‌شود. بر اساس تحلیل انجام‌شده، می‌توان نتایج زیر را ارائه کرد:

۱. **تضعیف اسلامیت نظام:** جریان‌های انحرافی مهدوی با ارائه قرائت‌های ناصحیح از دین و مهدویت، اسلام ناب محمدی را دچار تحریف کرده و موجب خدشه در مبانی دینی نظام می‌شوند که یکی از ارکان اصلی مشروعیت جمهوری اسلامی است.
۲. **تحدید جایگاه ولایت فقیه:** این جریان‌ها با نادیده گرفتن یا تضعیف نقش نیابت عامه در عصر غیبت، جایگاه ولی فقیه را به چالش کشیده و از این طریق به ساختار مشروعیت سیاسی نظام آسیب وارد می‌کنند.
۳. **تضعیف سرمایه اجتماعی و انسجام داخلی:** با بهره‌گیری از ادعاهای خارق‌العاده، پیش‌گویی‌های غیر مستند و بهره‌برداری از نارضایتی‌ها، این جریان‌ها اعتماد عمومی، انسجام ملی و پایگاه مردمی نظام را فرسوده کرده و بستر ناامنی اجتماعی و واگرایی را فراهم می‌آورند.

۴. **بهره‌برداری قدرت‌های خارجی از این جریان‌ها برای بی‌ثبات‌سازی جمهوری اسلامی ایران:** قدرت‌های خارجی از جریان‌های انحرافی مهدوی برای تضعیف مشروعیت، ایجاد ناآرامی و فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری

می‌کنند. این بهره‌برداری عمدتاً از طریق حمایت رسانه‌ای، سیاسی و حقوق بشری از این گروه‌ها صورت می‌گیرد.

بر همین اساس برای مقابله مؤثر با تهدیدات ناشی از جریان‌های انحرافی، رویکرد امنیتی صرف کفایت نمی‌کند. بلکه نیازمند تلفیقی از اقدامات فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و حقوقی هستیم تا ضمن حفظ آزادی‌های مشروع فکری و مذهبی، از ترویج جریان‌های مخرب جلوگیری شود. تقویت گفتمان رسمی مهدویت، آگاهی‌بخشی به جامعه، بازسازی اعتماد عمومی و حمایت از نهادهای دینی مشروع از جمله راهبردهای اساسی در این زمینه است.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح.

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، ۶ جلد، بی‌چا، قم: ۱۳۶۳.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، انتشارات دار صادر، ۱۵ جلد، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۳. اخگری، محمدرضا، ولایتی‌های بی ولایت، ناشر: پرچم، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۴. اسکندری، مصطفی، درسنامه جریان شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران، انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۵. افتخاری، اصغر، فرهنگ امنیت جهانی رویکردها و نظریه‌ها، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: ۱۳۹۱.
۶. افتخاری، اصغر، کالبد شکافی تهدید، نشر مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۵.
۷. افندی، عباس (عبدالبهاء)، رساله سیاسییه، بی‌نا، بی‌چا، تهران، ۱۳۲۵.
۸. امدادی فرد، هادی، حسینی، محمدرسول، آذرنگ، پوریا، فرقه‌ها از عرفان تا تهدید، انتشارات دافوس، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۱.
۹. ایمانی سطوت، علی، مؤلفه‌های قدرت در دولت اسلامی، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۴۵، ۱۳۸۶.
۱۰. بصری، احمد اسماعیل، حاکمیت خدانه حاکمیت مردم، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۹۷.

۱۱. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: ساروخانی، باقر، انتشارات موسسه کیهان، چاپ دوم: تهران، ۱۳۷۰.
۱۲. بیگدلو، مهدی، باقری، عبدالرضا، ارتباط همبستگی ملی با کارکرد ارتباط اجتماعی تلویزیون در جمهوری اسلامی ایران (از نگاه کارشناسان وزارت کشور)، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، سال ۱۳۹۲، (صص ۱۲۱-۱۴۴). تهران: ۱۳۸۹.
۱۳. تولایی، شیخ محمود (حلبی)، جزوه تذکر درباه وجود مقدس امام زمان علیه السلام از زبان خادم الحجه، آیه الله حاج شیخ محمود تولایی خراسانی، بی نا، بی چا، بی جا، بی تا. (جزوه درون گروهی انجمن که منتشر نشده است).
۱۴. چالمرز، جانسون، تحول انقلابی بررسی نظری پدیده انقلاب، مترجم: حمید الیاسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
۱۵. حاجیانی، ابراهیم، بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی، نشریه فصلنامه مطالعات رهبردی، شماره ۲۴، ۱۳۸۳، از صص ۲۳۳-۲۵۳.
۱۶. حیدری چراتی، حجت، ندرلو، مهرداد، بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصورهاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه، دو فصلنامه جامعه مهدوی، سال پنجم، شماره اول، ۱۴۰۳، ازصص (۳۳-۶۸)
۱۷. \_\_\_\_\_ بررسی و تحلیل جریان منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و وحدت اسلامی»، دو فصلنامه علمی ترویجی پژوهشنامه موعود، شماره ۶، سال ۱۴۰۰، صص ۷۰-۹۳.
۱۸. \_\_\_\_\_، بررسی و تحلیل تهدیدهای امنیتی و اجتماعی گرایش به جریان‌های انحرافی مهدویت در جامعه ایران، فصلنامه انتظار موعود، شماره دوره ۲۳، شماره ۸۳، ۱۴۰۲، ازصص (۹۵-۱۲۰).

۱۹. خسرو پناه، عبدالحسین، **آسیب شناسی امنیتی فرقه‌گرایی مذهبی در جهان اسلام**، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۶۴، سال: ۱۳۹۴، از ص (۵-۲۸).
۲۰. خسرو پناه، عبدالحسین، **جریان شناسی فکری ایران معاصر**، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ ششم، قم، ۱۳۹۴.
۲۱. خمینی، روح الله (امام خمینی)، **صحیفه امام**، ۲۱ جلدی، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، انتشارات دار الشامیه، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. زاهد زاهدانی، سید سعید، سلامی، **محمد علی، بهائیت در ایران**، ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۸.
۲۴. ساداتی نژاد، علی، بهرام بیات، اسماعیل احمدی مقدم و لطفی عنایتی، **مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در اسلام**، فصلنامه امنیت ملی، شماره ۴۲، ۱۴۰۰ (۴۷۷-۵۱۲).
۲۵. سلیمی، علی؛ محمد داوری، **جامعه‌شناسی کجروی‌ها**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵.
۲۶. صدر، موسی، **قرآن و پدیده انحراف در جامعه**، مجله پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، سال ۱۳۸۳، (از ص ۱۴-۳۷).
۲۷. صلیبا، جمیل؛ صانعی دره بیدی، منوچهر، **فرهنگ فلسفی**، انتشارات حکمت، بیتا، بیجا، بی‌چا، نسخه سایت فقاقت.
۲۸. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، انتشارات راه رشد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۲۹. فراهیدی، احمد بن خلیل، **کتاب العین**، انتشارات هجرت، ۹ جلد، چاپ دوم، قم: ۱۳۶۷.
۳۰. قاضی‌زاده، علی‌رضا، **آسیب‌ها و چالش‌های ناشی از رشد فرقه‌های نوظهور در ایران**، نشریه پژوهشنامه، شماره ۵۵، سال ۱۳۸۹، از ص (۱۴۹-۱۹۰)

۳۱. کوئن، بورس، **درآمدی به جامعه‌شناسی**، مترجم: محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، ۱۳۷۵.
۳۲. \_\_\_\_\_، **مبانی جامعه‌شناسی**، مترجم: غلامعلی عباس و رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۳۳. کرمانی، حاج محمد کریم خان، **سی فصل**، انتشارات گلزار حسنی، بی‌جا، بی‌جا، ۱۳۱۳ ق.
۳۴. \_\_\_\_\_، **مکارم الابرار**: مجموعه مصنفات العالم الربانی و الحکیم الصمدانی مولانا المرحوم الحاج محمد کریم خان الکرمانی (رساله هدایه الصبیان)، انتشارات: شره الغدیر للطباعه و النشر المحدوده، ۳۲ ج، بصره، ۱۳۹۴-۱۴۳۶ ق.
۳۵. \_\_\_\_\_، **ازهاق الباطل فی رد الباییه**، انتشارات سعادت، بی‌جا، بی‌جا، ۱۳۵۱.
۳۶. \_\_\_\_\_، **رساله ناصریه در جهاد**، منتشر شد در سایت الابرار، بی‌جا، بی‌جا، بی‌تا.
۳۷. گالبرایت، جان کنت، **آنا تومی قدرت**، مترجم: محبوبه مهاجر، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران: ۱۳۸۱.
۳۸. گروه مولفان مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، **دیانت عافیت: مجموعه گفتار و مقالاتی در باب تاریخ، عقاید و زمینه اجتماعی انجمن حجتیه**، بی‌جا، تهران: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، ۱۳۹۰.
۳۹. گیدنز، آنتونی و دیگران، **جامعه‌شناسی**، مترجم: چاوشیان، حسن، نشر نی، چاپ اول ویراست چهارم، تهران، ۱۳۸۶.
۴۰. مظفری، آیت، **جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر**، نشر زمزم هدایت، چاپ چهاردهم، قم: ۱۳۹۶.
۴۱. منصوری، شیخ عبدالعالی، **ولایت فقیه در زمان غیبت: مطالعه استدلالی**، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌نا، چاپ اول، بی‌جا، ۱۴۰۱.
۴۲. هاشمی خراسانی، منصور، **بازگشت به اسلام**، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ هفتم، افغانستان، ۱۴۰۰.

۴۳. \_\_\_\_\_، **هندسه عدالت**، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ سوم، افغانستان، ۱۳۹۷.

۴۴. \_\_\_\_\_ **مناهج الرسول**، افغانستان: دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ ششم، بلخ، ۱۳۹۸.

۴۵. هوفر، اریک، **مرید راستین: تاملاتی درباره سرشست جنبش‌های توده‌وار**، مترجم: شهریار خواجیان، نشر اختران، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۵.

### وب سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی

۱. \_\_\_\_\_ ۱۴۰۲. **از حرف تا عمل؛ کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران**، پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15417/>.

۲. \_\_\_\_\_ معروف، ذاکر، **۱۳۹۶ انتخابات؛ نمایشگاه قدرت طلبی و ابتذال سیاسی در ایران**، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/.۱۸۲۵۴>

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، ۱۳۹۵. **بخش پرسش و پاسخ، کد ۱۹۷**،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/.۷۷۷۵۶>

۴. حسینی، محسن، **نظریه‌ی «ولایت مطلقه‌ی فقیه»؛ بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا**

**بن بست لاینحل مشروعیت؟! پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی**،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/۶۰۳۴/>

۵. سایت الابرار، ابراهیمی، زین‌العابدین، **درباره مکتب شیخی**، بی‌تا

۶. سرویس خبری جامعه بهائی. «سرکوب عدالت خواهی»، جامعه بهائی منبع اصلی خبری

جامعه بهائی در سرتاسر جهان، ۱۴۰۱.

۷. کانال تلگرامی انجمن حجتیه، ۱۲ اوت ۲۰۲۴، @anjoman\_hojjatieh.

## **Studying the impact of Mahdavi deviant trends on weakening the national security of the Islamic Republic of Iran**

*Mehrdād Nadarlū<sup>1</sup>*

Belief in Mahdism is a central component of the identity and discourse of the Islamic Republic of Iran, fostering active expectations within the political and social realms. However, the existence of Mahdavi Deviant trends and their efforts to undermine the ideological and political foundations of the Islamic Republic raise the critical question of how these currents weaken the sensitive dimensions and national security of the Islamic Republic. This study examines this phenomenon using a descriptive-analytical approach, relying on library-based methods. The findings reveal that these currents, by attempting to strip the Islamic identity and delegitimize the system, weaken the position of the Supreme Leader and religious leadership, erode the popular base, foster distrust, and promote social divisions and sectarianism. These trends directly target national unity and social cohesion, and they are exploited by enemies and colonial powers to further undermine the national security of the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** Deviant trends, Mahdism, national security, Islamic Republic, weakening of national security.

---

<sup>1</sup> Student of level 4 at the Mahdism specialized Center in Qom; ndr1wmhrdad5@gmail.com

## The Promised Savior in Religions and Nations

*Fadl Hassan<sup>1</sup>*

Throughout history, many people have faced oppression, aggression, poverty, deprivation, and failure, prompting them to seek the emergence of a savior or a deliverer. This hope for salvation has been recorded in their texts, writings, and beliefs. The question that arises is: “who is this promised savior according to the beliefs of various religions, non-theistic philosophies, and different nations, and what are his characteristics?” The aim of this research is to identify and introduce this promised savior across the beliefs of various nations and sects. The research method is descriptive, utilizing library resources. The primary findings of the research suggest that numerous tribes, nations, religions, and sects across different parts of the world believe in a savior who will appear in the future to free them from the oppression of tyrants. This savior will establish a just society and bring happiness to the people.

**Keywords:** Promised One, Savior, Religions, Nations, Imam Mahdi.

---

1 Associate professor of Islamic Sciences group in Ferdows Higher Education Complex of Mashhad; hf.1967\_t@yahoo.com

## Solutions to overcome the upcoming harms in order to form a Mahdavi-centered educational society

*Hujjat Heydari Charāfi<sup>1</sup>*

*Mardiyah 'Iywaḍi<sup>2</sup>*

Addressing Mahdavi education is grounded in all aspects of religious teachings within the Shi'ite school, and thus, it requires recognizing the harms and subsequently providing Mahdavi-centered solutions in society. The goal is to educate monotheistic, dynamic, and hopeful individuals who await the global reformer. To achieve this, it is essential to provide practical solutions that align with religious norms and steer clear of nihilistic or harmful ideas in the field of Mahdism. The aim is to foster human excellence in a society with Mahdavi-centered education, which is an undeniable necessity. Achieving this requires proper educational planning and removing obstacles to lay the groundwork for the realization of the emergence.

In this paper, using a descriptive-analytical method and relying on library-based data collection, we explore solutions to overcome the impending challenges in forming a Mahdavi-centered educational society, with a focus on the educational dimensions of schools and universities. The findings of the research conclude that planning for Mahdavi education solutions can prepare society for the formation of a Mahdavi atmosphere. This involves addressing the basis of education from early childhood. Among the proposed solutions in this article are: defining and introducing models consistent with the Mahdavi society, while also popular among various segments of society, especially the younger generation; producing appealing Mahdavi films and clips tailored to specific general tastes; and preparing professors, instructors, teachers, and educational administrators to instill the correct and authentic Mahdavi teachings in individuals, particularly the younger generation.

**Keywords:** harm, solution, Mahdavi education, school and university, Mahdism, society.

---

1 Researcher at Mahdism and Messianism Research Institute of Entizar-e Pouyā; hojatheidadi@gmail.com

2 M.A in major of Social knowledge of Muslims, (Tehran University); me.eyvazi@yahoo.com

## The specific functions of the ideological dimension of the Mahdavi political system

*Abul-Hasan Qāsimfām*<sup>1</sup>

The period of the Advent is the era of the manifestation of the rule of Imam Mahdi and the establishment of justice and fairness throughout the world. The prerequisite for such a government is the existence of a strong and solid political system that is superior in all aspects and dimensions in order to be able to handle this task. According to the narrative data and the confirmation of reason, the Mahdist political system enjoys this strength and comprehensiveness, and accordingly, in terms of the ideological dimension, it is also based on a series of ideological foundations that have numerous specific functions such as playing a role in the formation and establishment of the state, determining the activities and goals of the Mahdavi state, creating and maintaining social cohesion and solidarity, determining other elements of the political system, influencing obstacles and possibilities, resolving problems, breaking deadlocks, and opening up horizons. This research has used a descriptive-analytical method to express these specific functions.

**Keywords:** Mahdism, Mahdist political system, specific function, ideological dimension.

---

1 Level 4 scholar of Mahdism, socio-political orientation, Qom Mahdism Specialized Center.  
ghasemfam67@gmail.com

## Studying the idea of Salvation in Islam, and its impact on the advancement of Islamic civilization

*Elmīrā Rūḥt-Pūr<sup>1</sup>*

*Sayyid Ali Kāzīmī Sheikh Shabāni<sup>2</sup>*

This research examines the idea of salvation in Islam and its impact on the advancement of Islamic civilization. "Islamic Civilization," as one of the greatest civilizations in human history, has been formed on the basis of religious and moral teachings.

The idea of salvation and Messianism are among the most important indicators of Mahdist culture that exist in all divine religions. This study conducts using a descriptive-analytical method and utilizing library resources. The findings of the research show that the idea of salvation plays an important role in the advancement of Islamic civilization and helps to strengthen and advance Islamic civilization by creating hope, fostering a Jihadi spirit, increasing a sense of Idealism, and promoting Unity. By drawing a bright and just future, this idea provides the necessary motivation for effort and innovation in Islamic societies and can act as a driving force for the formation of a new Islamic civilization.

**Keywords:** Salvation thought, civilization, Islamic civilization, new Islamic civilization, the eras of Islamic civilization, Messianism, Mahdist culture, hope-building.

مطالعات مهدوی

سال پانزدهم / شماره ۵۸ / پاییز و زمستان ۱۴۳۳

---

1 Graduate of the second level of the Samen Al-Hajj Seminary in Pars Abad city. [elmirarohi1376@gmail.com](mailto:elmirarohi1376@gmail.com)

2 Researcher and Student of level 4 at the Mahdism specialized Center in Qom; [Sayed.ali.kazemi67@gmail.com](mailto:Sayed.ali.kazemi67@gmail.com)

## Proving Mahdism and the necessity of the existence of the Proof based on the Argument of Wisdom

*Sayyid Ahmad Mūsawi<sup>1</sup>*

The belief in Mahdism and the living divine proof and the universal just government are rooted in solid natural, rational, and authentic narration foundations, and can be analyzed and examined in various ways. Divine wisdom in creating the best system and purifying the essence of the Almighty from performing useless and futile acts is among these solid rational foundations that serve as the basis of argument in proving the principles of belief, such as resurrection, prophethood, and proving the infallibility of the divine Prophets.

The present article aims to examine the proof of Mahdism and the necessity of the living divine proof at any time based on divine wisdom. Explaining the meaning of divine wisdom, defining the argument of wisdom, how to articulate the argument of God's wisdom in proving Mahdism, and explaining the assumptions of this explanatory statement are the most important issues that have been examined in the present study using a descriptive-analytical method and library reference.

**Keywords:** Divine wisdom, proof of wisdom, Mahdism, the living divine proof, violation of purpose, creation and legislation, training human souls.

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful

دوفصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات مهدوی

Fourteenth Year, Vol. 58, Autumn and winter 1403 (2024)

Magazine Owner: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya  
(Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

**Responsible Manager:**

Clergy of Islam and Muslimin Mahdi  
Yousefiyan

**Editor in Chief:**

Sa'eed Tavasoli Khah

**Internal Manager and Editorial Staff:**

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

**Editor:**

Abolfazl Alidoost

**Translator:**

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

**Editorial Board (Alphabetically Ordered):**

**Tavasoli Khah, Sa'eed** (Ph.D. in Teaching Islamic Studies, Researcher at the Specialized Center of Mahdism)

**Heidari Charati, Hojjat.** (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

**Kamyab, Moslem.** (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

**Moslehi, Ali.** (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

**Ma'navi, Seyyed Mojtaba.** (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

**Molla'ei, Hasan.** (Seminary Scholar, Head of Group of Ethics at the Specialized Center of Mahdism)

**Contributors of this Issue:**

Ali Rabbani, Mohsen Shari'ati

**Address:** Mahdism and Messianism Research Center  
of Intezar Pouya, Specialized Center of Mahdism,  
Amar Alley, Shohada St. (Safaeyeh), Qom.

**Tel:** 025-37841410

**Fax:** 025-37737160

**P.O.B:** 37135119.

**Website:** <http://mamdimag.ir>

**Email:** mahdimag@gmail.com

**Social network channel Address:**

@mahdaviatmag

**ISSN:** 2717-0241

**Price:** 3.000.000 Rials

